



بنده نیست تصویر می گم سوال ایشان قدری از موضوع سوالی خارج بود

**رئیس** - وکالت آقای صولت السلطنه مطرح است ...

**آقای رئیس التجار (اجازه)**

رئیس التجار - بنده حتی المقدور سعی میکنم که تصدیق ندم و از مخالفت با نمایندگان آقای صولت السلطنه هم عقبیده خودم مقصودی جز ایفای وظیفه وجدانی ندارم ام از اینکه وکالت ایشان تصویب نشود یا نه مجال شده فرقی نمیکند بنده میخواهم وظیفه خودم را انجام داده باشم برای اینکه هم وطنان من در خراسان بدانند که من محافظه کاری نکردم ام هر جا که و مراغه حقوقی ۳ مرحله دارد .. ابتدائی - استیناف - تمیز - اگر حکمی بره یا علیه یک طرفی صادر شد طرف دیگر میتواند استیناف بدهد و اگر در استیناف هم نقص یا ایرام شد

اگر ایرام شد میتواند تمیز بدهد ولی اگر یک طرفی نخواهد از حکم استینافی تمیز بدهد مجبور نیست و آن حکم اجرامی شود. برای انتخابات نمایندگان هم به مرحله ابتدائی و استینافی و تمیزی ملحوظه شده است که عبارت است از انجمن نظارت مرکزی و شعبه و تمیز آنهم مجلس شورای ملی خواهد بود

نه ما است که از عمر مجلس می گذرد هشت ماه از موقیقه رسماً افتتاح یافته برای رسیدگی به اعتبارنامه گذشته متأسفانه آن مرحله اولی که انجمن نظارت مرکزی است هنوز آقای صولت السلطنه اعتبارنامه نداده اند و حالاً نمایانم چه سوء تفاهمی در وزارت داخله شده بود که دوسه ایشان را به مجلس فرستادند

با اینکه قانون و نظامنامه داخلی صریحاً تعیین می کنند که وکیل باید اعتبارنامه خود را بدهد و در تقدیم مجلس کند تا آن اعتبارنامه برود و بشبه در دروی آن اعتبارنامه صحت و سقم نمایانگی آن وکیل معین میشود اینکار نشد و در سه ماهی هم که مدت شعبه است در دوره اول در این باب هر چه وقت صرف کردند بالاخره تصمیم قطعی از شعبه بیرون نیامد در دوره دوم که تجدید شعبه بعمل آمد رایرت نمایندگان آقای صولت السلطنه شعبه سوم رجوع شد در شعبه سوم هم پس از ۳ ماه بالاخره در روزهای اخیر آقایان اعضاء شعبه تقاضای رای مخفی کرده و نمایندگان آقای صولت السلطنه با رای مخفی رد شد و رایرت آنرا شنیدم آقای صولت السلطنه شعبه بودند تهیه کرده بمقام ریاست تقدیم کرده بودند بعد در غیر موقع شعبه شنیدم در خارج که آقایان نمایندگان از مقام ریاست تجدید نظر خواسته بودند خود شعبه تشکیل شد که تجدید نظر نخواهد از خارج تقاضا کردند که تجدید

نظرو شود تا اینکه اعتبار نامه ایشان رجوع شد بشبه پنجم که در واقع استیناف دومی باشد

در اینجا هم که دوره اش تقریباً سه ماه است و چهار پنجم روز دیگر بیشتر از حق قانونیش نیست و باقی نمانده

پس از هفتاد هشتاد روز که در این مسئله دقت کردند بالاخره چند روز قبل اعتبارنامه یعنی وکالت آقای صولت السلطنه از نوزده نفر اعضای شعبه بایک عده ده نفری با کثرت شش رای تصویب شده و بعد از این رایرت تهیه و به مجلس تقدیم شد

بنده از نقطه نظر عدم صلاحیت آقای صولت السلطنه میخواستم بکچیزهایی ولی چون خوش ندارم بعضی اظهارات ت در مجلس بکنیم و لو اینکه اظهارش هم حق باشد لذا راجع به عدم صلاحیت ایشان فقط بیک مسئله قانونی قناعت و اکتفا می کنم گرچه تمام دلائلی که بر عدم صلاحیت ایشان داشتم قانونی است

ولی چون این یکی مهم است عرض می کنم و باقی دیگر را شاید بنده بگویند که باید ثابت کنی و در آن قسمتها هم حاضرم که حضور هر شخص بی غرضی بیوت برسانم حتی حاضرم آنچه را که عرض می کنم با التزام ببینم ثابت کنم

این سفر که چهارده ماه قبل بود بنده بشه در فتم آقای صولت السلطنه که پس آقای شجاع الملک رئیس طایفه هزاره هستند و طایفه هزاره که تقریباً چندی قبل از افغانستان مهاجرت کرده و در کنه بیست که یک دهی است که آنوقت مال دولت بود و بعد فروخت سکنی اختیار کردند در آن اوقات طایفه مزبور پیش از ۱۸۰ خانوار بودند و حالا پس از دادن حکومت باختر بآقای شجاع الملک ۲۵۰ خانوار شده اند و در آن سال که آقای شجاع الملک بحکومت باختر رفته بودند در آن سفرش ایشان مقتضی بود یا نبود بنده نمی دانم

ولی در این سفر که بنده بخراسان رفتم برادر بنده ایشان را بدین بنده آوردند و بعد اظهار کردند که ایشان کاندیدی وکالت هستند و می خواهند خودشان را کاندیدی وکالت کنند و پدر ایشان بملاحظاتی منع می کند بشما کاندیدی نوشته است و از شما دوستانه تقاضا نموده است که او را نصیحت کنید که منصرف شود شما خوب چیزی بنویسید

بنده در جواب آقای شجاع الملک یک چیز بنویسید

بنده در جواب آقای شجاع الملک شرحی نوشتم که البته مملکت باید از وجود جوان

های درست خدمتگزار بمملکت و شخصی که خادما باشند استفاده نمایند و از قرار می که شنیده ام شما مانع شده اید از اینکه ایشان وکیل شوند در صورتیکه معذور قانونی نداشته باشد چرا امتناع نمی کنید

چهار پنج روز بعدش برادر بنده آمد و گفت از آن جواب کاغذ مقصودی داشته که اگر در زمانیدگی اوصحت کنید در موضوع سنش حرفی نزیند و آنوقت در باختر که چهار پنج فرسخی است تا مشهد آنجا بودند بالاخره کم کم مسئله سن ایشان موضوع مذاکره شود تا اینکه بین اهالی صحبتهایی شد و منجر باین شد که بعضی از آنها به بنده اظهاراتی کردند و باختر و آقایان علماء از برای سن ایشان مذاکراتی کردند و معلوم شد آقای شجاع الملک در سفری از باختر یا سفر این که درست نظرم نیست) به مشهد آمده اند در هزاره سید و شانزده خانه خریدند مطابق سواد قبایله که به بعضی از علماء موجود است در همین خانه در اواخر حکومت مرحوم رکن الدوله درسته هزاره سید و هفتاد بنده شخصاً عروسی شجاع الملک دعوت داشتم بعد از این قضایا بنده ملتفت شدم مثل همیشه از سادگی بنده استفاده شده به آقای صولت السلطنه عرض کردم که برای شما که جوان هستید و میخواهید در این مملکت خدمت کنید این ترتیب خوشی نیست به علاوه چرا مرا به چو اقدامی و اداری گردید بالاخره اشخاصی که کاندیدی وکالت بودند از شخص مجتهد هه آقای عروسی نوشته گرفتند و معلوم شد سن ایشان بیست و چهار بایست و پنج سال است و در این زمینه انجمن نظارترا متوجه کردند و انجمن نظارت اعتبارنامه نداد و کار این اعتبارنامه کشیده است تا اینجا که ملاحظه میفرمایید

بنده عقیده ام اینست که این مملکت از راه احساسات جوانان باید خودش را از گرداب خلاص کند مقدم که جوانها را یعنی آنها را که راست و درست و مردانه در راه خدمت بمملکت کوشش میکنند آنها را تشویق کنند و همچنین جوانهایی را هم که در این باب بیک قدری اشتباه میکنند اگر کرد دروغ بگردند روزگار و مردم آنها متوجه کنند که شاید آنها هم متوجه بکار خوب باشند و اسباب تشویق دیگران شوند ما از نقطه نظر قانون از مواد قانونی (بنظر شخص خودم) نباید منصرف شویم قانون گفته است که سن وکیل باید سی سال باشد و بنده عقیده ام اینست که یک شخص جوانی که میخواهد خدمت باین مملکت بکند و بیست و پنج سال دارد نباید بگوید من سیسال دارم و کسی هم که اول حرفش راست باشد نمیتواند از عهد و موافقت خود بر آید و بنده بطوریکه تصور میکنم در این مدت هفت و هشت ماه آقایان نمایندگان باید

باخلاق آقای صولت السلطنه بی برده باشند و باز عرض میکنم نمیخواهم خارج از نزاکت قانونی حرفی بزنم فقط باین قسمت قانونی میپردازم و باز منتظرم به بینم چه میگویند بعد برای جوابش حاضرم

اعتبار الدوله مغیر شعبه آقای رئیس - التجار در ضمن بیاناتشان نسبت بخریان شعبه ۳ تذکری دارند البته شمه پنج مازم نبود که جریان شعبه ۳ راحت نظر بگیرد و در آن باب اظهار عقیده بکنند زیرا بطوریکه فرمودند دوسه خراسان در شعبه معارض بود و اکثریت اعضاء شعبه برای جریانات او اعتراضاتی داشتند و تجدید نظر را قائل شده بودند باین جهت هم اداره تقنینیه آن دوسه را ناتمام دانست و بشبه پنج ملزم نمود که در آن باب اظهار عقیده کند و آن را یک دوسه با تمام مبادست علی الرسم رایورت خودش را تقدیم کردم راجع بصلاحیت و سن ایشان البته خودشان بهتر می توانند دفاع کنند ولی نسبت بآن دونفری که سن آقای صولت السلطنه را کمتر از سی سال معین کرده بودند که یکی از آنها آقای شیخ عبدالعسین بودند که اغلب آقایان آقای بهیانی کاملاً ایشان را میشناسند و باعضای شعبه ایشان را معرفی کردند که یکی از اشخاص خوب و مجتهد هستند ایشان در ورقه دومی که مرقوم فرمودند و شاید بعضی از آقایان هم آنرا ملاحظه کرده باشند مخصوصاً ایشان مینویسند و مواد سؤال اولی را که نوشته اند سن ایشان بیست و پنج سال

در نوشته دومی خودشان اسم میبرند و مینویسند که در چندی قبل دکتر ولی الله خان آمد اینجا عنوان کرد که برای آقای صولت السلطنه یک خطراتی متوجه است که اگر سن ایشان را ده سال کمتر بنویسند یعنی بیش از ۲۵ یا ۲۶ سال بنویسند ممکن است دچار زحمات بشوند باین جهت در آن موقع سن ایشان را چند سال کمتر نوشتم حالا مینویسم که سن ایشان بیش از سی سال است

این دلیل بود که آقای رئیس التجار فرمودند

از طرفی آقا شیخ حسن کاشانی که یکی از آن دونفری بوده اند که سن آقای صولت السلطنه را کمتر از سی سال نوشته اند مرقوم میفرمایند که سن آقای صولت السلطنه سی و یک سال است و هم بطور اغلب از آقایان و محترمین مشهد سن ایشان را بیشتر از سی سال تشخیص میدهند

بنده نمایانم بطوریکه سوسن اشخاص را در مملکتی که سچل احوال ندارد تشخیص داد و بطور می شود معلوم کرد که سن آقای صولت السلطنه چقدر است یا سن آقای رئیس التجار چقدر است

بهر از همه پدر و اقربای ایشانند که میتوانند سن ایشان را معین کنند

زیرا نزدیکند اگر چه بنده مستند هستم که آنها هم نمیتوانند برای اینکه يك تاريخ معینی نیست و شاید ندارند و حالا اینکه آقای رئیس التجار میفرمایند در عروسی بوده اند و سن ایشان را ۲۵ سال تشخیص دادمانند

بنده داخل در این قضیه نمیشوم خودشان بهتر میتوانند دفاع کنند

**جمعی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است

**ملك التجار** - هنوز صحبتی شده که مذاکرات کافی باشد يك مطالبی است که باید در مجلس شورای ملی گفته شود چه طور مذاکرات کافی است!

**ملك التجار** - هنوز صحبتی شده که مذاکرات کافی باشد يك مطالبی است که باید در مجلس شورای ملی گفته شود چه طور مذاکرات کافی است!

**رئیس** - خوب رای میگیریم به کتایب مذاکرات آقایانی که مذاکرات کافی میدانند بنام فرمایند (همه قلبی قیام نمودند)

**رئیس** - معلوم میشود کافی نیست ...

**آقای صولت السلطنه (اجازه)**

**صولت السلطنه** - بنده تصور می کنم فریشت آقای رئیس التجار را چند نعت باید تقسیم کرد

اولاً راجع بنداشتن اعتبارنامه اظهار فرمودند گمان میکنم اغلب آقایان نمایندگان محترم از جریانات انتخابات خراسان مسبقاً که قریب یازده ماه طول کشید و میخواهم مفصلاً عرض کنم همین قدر عرض میکنم از نقطه نظر اینکه چهار نفر از هیئت نظار مرکزی انتخابات خراسان کاندید وکالت بودند که یکی از آنها آقا شیخ احمد منیر است که دیروز هم شرحی با آقایان نمایندگان نوشته است

باین مناسبت اعتبارنامه ندارند و راجع بشبه هم گمان نمیکند لازم باشد عریضی عرض کنم

**آقای مغیر** دفاع فرمودند راجع به نوشته شجاع الملک پدرم که آقای رئیس - التجار فرمودند پدرم بایشان چیزی نوشته تکذیب میکنم همچو چیزی نبوده اگر از پدرم خطی نزد ایشان است ارا بدهند خط پدرم را اکثر خراسانیها میشناسند

اینکه راجع بکنه بیست و تاریخچه اهل هزاره خواستند اظهار بفرمایند متأسفانه از نقطه نظر اینکه آقای رئیس التجار سابقاً در مشهد نبوده اند درست اطلاع کاملی از طایفه اهل هزاره ندارند من خودم مختصری از تاریخچه آنها عرض میکنم

پدر بنده هیچوقت در کنیهست حکومت نداشته و اینکه شنیده اند اربطایه هزاره در آنجا حکومت داشته اند آن پدرم نبود هموی بنده بود

پدرم از اوایل در سرحد باختر و سرحد افغانستان و محسن آباد سکونت داشته که چند من یوسفان میر پنج هم در

آنجاها سکونت داشته بالاخره نمیخواهم ازضا یا اینکه باعث طول کلام و تصدیق خاطر آقایان میشود عرض بکنم

راجع بمنزل میفرمایند منزل خریدند بنده عرض میکنم منزل خریدن دلالت بر تعیین سن کسی نمیشود بلی چندین منزل خریدمانند و آنها را هم فروخته اند چرامنزل اجدادی ما را نمیفرمایند که در خراسان بعد از مردن عمو آنرا فروخته ایم که بعد بدست زور و سایرین افتاده

ما بی پدر نبوده ایم ناچیب نبوده ایم که شما بواسطه منزل میخواهید سن مرا ثابت کنید

بیش از این اسباب تصدیق خاطر آقایان محترم را فراهم نمیاورم و قضاوت را بعهده آقایان وامیگذارم

**رئیس** - آقای ضیاء الواعظین موافقت؟

**ضیاء الواعظین** - بلی

**رئیس** - آقای رئیس التجار (اجازه)

**رئیس التجار** - بنده مسئله منزل را از نقطه نظر توهمین عرض نکردم البته ممکن است اشخاصی چندین منزل داشته باشند و بنده آن منزل را که در آن عروسی واقع شده بود و بنده در آنجا مهمان بودم عرض کردم که آن تاریخ سنده بنده بود و الا البته منزل اجدادی داشته اند

**رئیس** - آقای ملك التجار

**ملك التجار** - بیانات آقای رئیس التجار بقدری جنبه قضاوتش را لغو بود که به هیچوجه من الوجوه در فکر آقایان نمایندگان واقع نشد

البته آقایان و کلاه محترم در خاطر دارند که راجع با اعتبارنامه آقای امیر اعلم اشد لحناً جمله کردند و گذشته از اینکه در مجلس مؤثر واقع نشد در جامعه هم اثرات سوئی بخشید حالا از این موضوع صرف نظر میکنم

بنده بر خلاف عقاید جمهور که منتظرند اصلاح جامعه را مجلس بکند و در این خصوص پیشنهادی می رسید از قبیل امتداد راه آهن و اقتصادیات و اصلاحات وزارتخانه و غیره که مجلس این اصلاحات را بنماید

عقیده ام اینست که ما باید اول اخلاق خودمان را اصلاح کنیم که گفته اند

یاک شواول و بس دیدم بر آن اند انداز آقای صولت السلطنه بطوریکه آقای رئیس التجار اظهار کردند فرزند آقای شجاع الملک است و قضایای شجاع الملک را آقای صولت السلطنه که اینجا شریف دارند کاملاً اطلاع دارند زیرا بعد از حرکت هموی ایشان یا افغانستان مرحوم ملك التجار که متصدی امورات خودشان بودند از مرحوم نیر الدوله تقاضا کردند بتوسط خود بنده فرمانی برای ایشان گرفتند آن

فرمان نزد آقای صدق السلطنه دفتری شد بالاخره مقصود بنده این نیست و نمیخواهم قضایای را جمع بآقای شجاع - الملك راجعاً به شرح دهم که کی بود وجه بود وجه خدمتانی کرده همینقدر عرض میکنم که این آدم حافظ يك نقطه از نور مهم خراسان است و وقتی بحدود باختر اطلاع میرسد که پاره از اشخاص مشغول دسیسه کاری هستند که فرزند ایشان از مجلس رد شود علمای عامه و جماعتی از اهل تشن رئیس مجلس و مجلسین تلگراف میکنند که اگر گناه صولت السلطنه این است که از اهل تشن و جماعت است و آقای رئیس - التجار هم همین ملاحظه مخالفت میکنند

**رئیس التجار** - اینطور نیست اینطور نیست

**ملك التجار** - شما حق ندارید بنده را کرم کنید

**رئیس التجار** - اشتباه میکنید

**ملك التجار** - شما در این مدت ملتفت نشده اید که مباحثه بین الاثنین در مجلس نباید بشود

**رئیس** - آقا شما با مجلس صحبت کنید

(همه بین نمایندگان صدای زنك رئیس امر بسکوت)

**ملك التجار** - تلگرافات حاضر است چندین مرتبه در اطلاق تنفس گذاشته شده

**رئیس التجار** - دروغ میگوئی (صدای زنك) (.....)

**ملك التجار** - تو دروغ میگوئی مال مردم خوردی

(صدای زنك) (.....)

**رئیس التجار** - (در حال حرکت) چون توهمین بمن شده است دیگر در مجلس نمی مانم

**ملك التجار** - بغداد سپردم

**رئیس** - بهر دو تن اخطار میکنم

**رئیس التجار** - بنده عرض نکردم که مورد اخطار واقع شوم

(بمجلس خود مراجعت نموده نشستند)

**ملك التجار** - بالاخره ملاحظه بفرمایید

این قضیه تا چه درجه موجب ایجاد اختلاف بین شعبه و سنی در سرحدات مهم مملکت میشود آقای صولت السلطنه جوانی است که در صفت خراسان بصحت عمل و رشادت معروف است نه اختلاس کرده نه اموال آستانه را خورده و نه ایلخانی زعفرانلو را از هتتی ساقط کرده است و بالاخره بنده در خانه رفت و ملاحظه آقایان و کلا محترم را نسبت بیک جوانی که يك ملت با کمال مسرت و شادمانی او را انتخاب کرده جلب میکنم حتی آقایانی که در امضای ورقه مخفی ما خود بشرم و حیاشده اند راضی نشوند که آپه این جوان آلت معلبه

و اعتراض خصوصی زید و عمر و شوهاماراجع بدم صلاحیت که اینها ایشان مذاکراتی کردند و میل نداشتند علتی بگویند و در پرده صحبت کردند البته آقایان تصدیق میفرمایند که سابقین هم نسبت بر رئیس التجار همین پرده پوشی ها را کرده اند اگر آقایان اجازه بدهند بنده حاضرم بهر مبلغی ملزم شوم و این دعاری خود را ثابت کنم امراجم به سن ایشان و سوالی که میفرمایند از آقای آقا شیخ عبدالعسین مجتهد شده و سن ایشان را کم تشخیص داده اند نوشته اند از قراریکه در مشهد منتشر شده بود ایشان را بتعلیمات رئیس التجار اغفال کرده بودند بعد هم خودشان شرحی نوشته اند که خیر سن ایشان بیش از سی سال است به علاوه ایشان بعد بنده خراسان نوشته اند که من بواسطه کثرت سن نامح و منسوخ خیلی میدهم خواهش میکنم بنوشته از من منگارید

ممکن است این را هم از عدلیه خراسان سؤال کنند و عیالاً بیش از این عریضی ندارم و موکول میکنم برای آقایان نمایندگان

(جمعی گفتند مذاکرات کافی نیست بعضی اظهار داشتند کافی نیست)

**رئیس** - رای میگیریم آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

**رئیس** - معلوم میشود کایت تقاضای رای مخفی شده است

(بشرح ذیل قرائت شد)

مقام ریاست مجلس شورای ملی - راجع بر ایرت شعبه پنجم در موضوع نمایندگان آقای صولت السلطنه امضا کنندگان ذیل تقاضای رای مخفی مینمایم: صدرائی - سهام السلطان - رئیس التجار - حاج - میرزا عبدالوهاب - ملك الشعراء - جواد خوئی - امین الشریعه - هرمزی - امیر احتشام - زعیم آشتیانی - محمد ولی میرزا - دیوان بیکی - غلامحسین میرزا - محمد هاشم میرزا - سلطان - العلماء - عماد السلطنه - سردار نصرت - سالار لشکر

**رئیس** - خوب رای مخفی گرفته میشود

اخذ و استخراج آراء بعمل آمد نتیجه بطریق آتی حاصل گردید: مهره: تقیبه (۹۵) مهره سفید علامت قبول ۵۹ مهره سیاه علامت رد ۳

**رئیس** - عه حضار نمود و هشت و پانجاه ونه رای تصویب شد و آقایان موافقت که چند دقیقه تنفس داده شود

(گفته شد بلی)

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل دیگر تشکیل نگردید)

**رئیس مجلس شورای ملی** مؤتمن الملك منشی علی اقبال الملك منشی معظام السلطان

و عریضی ندارم و موکول میکنم برای آقایان نمایندگان

(جمعی گفتند مذاکرات کافی نیست بعضی اظهار داشتند کافی نیست)

**رئیس** - رای میگیریم آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

**رئیس** - معلوم میشود کایت تقاضای رای مخفی شده است

(بشرح ذیل قرائت شد)

مقام ریاست مجلس شورای ملی - راجع بر ایرت شعبه پنجم در موضوع نمایندگان آقای صولت السلطنه امضا کنندگان ذیل تقاضای رای مخفی مینمایم: صدرائی - سهام السلطان - رئیس التجار - حاج - میرزا عبدالوهاب - ملك الشعراء - جواد خوئی - امین الشریعه - هرمزی - امیر احتشام - زعیم آشتیانی - محمد ولی میرزا - دیوان بیکی - غلامحسین میرزا - محمد هاشم میرزا - سلطان - العلماء - عماد السلطنه - سردار نصرت - سالار لشکر

**رئیس** - خوب رای مخفی گرفته میشود

اخذ و استخراج آراء بعمل آمد نتیجه بطریق آتی حاصل گردید: مهره: تقیبه (۹۵) مهره سفید علامت قبول ۵۹ مهره سیاه علامت رد ۳

**رئیس** - عه حضار نمود و هشت و پانجاه ونه رای تصویب شد و آقایان موافقت که چند دقیقه تنفس داده شود

(گفته شد بلی)

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل دیگر تشکیل نگردید)

**رئیس مجلس شورای ملی** مؤتمن الملك منشی علی اقبال الملك منشی معظام السلطان

جلسه هفتاد و پنجم صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه هفتم عقرب یک هزار و سیصد و سه مطابق اول شهریور - الثاني یک هزار و سیصد و چهار و سه

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بپرسیاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید.

صورت مجلس سه شنبه پنجم عقرب را آقای اقبال الممالک قرائت نمودند رئیس - آقای قائم مقام الملك (اجازه)

قائم مقام الملك - بنده را گویا جزء غائبین بدون اجازه نوشته اند در صورتی که شرحی بحضور ریاست نوشته بودم اجازه خواسته بودم.

رئیس - از کیسیون تحقیق میشود چنانچه اجازه داده باشند اصلاح میشود. آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - بنده راجع بصورت مجلس عرضی ندارم بعد از تصویب صور مجلس و قبل از دستور عرضی دارم. رئیس - راجع بصورت جلسه دیگر ایرادی نیست؟ (گفته شد - خیر)

رئیس - پرریوز که بجهتی ممکن نشد جلسه تشکیل شود گفته بودم بعضی آقایان برسانند که جلسه تشکیل نخواهد شد یکی از پیشخدمتها اشتباهی کرده بوده است و خودش آمده بوده و آقایان اطلاع داده اند. عذر میخوام. آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - البته نظر آقایان هست که در جلسه گذشته در ضمن اظهارات آقای شریعت زاده يك اشاراتی یا بلکه يك تصریحاتی راجع بنده بود و بنده هم تقاضا کردم که جوابی بایشان داده باشم و موکول بید از تنفس شد و بطوریکه حالا از طرف مقام محترم ریاست اظهار شد بعد از تنفس هم جلسه تشکیل شد و بنده نتوانستم اینجا عرایض خود را بر عرض آقایان برسانم.

اولا بنده خاطر محترم آقایان را متذکر میگردم باینکه آقایانی که در دوره چهارم با آنها شرف همکاری داشته باشند طرز و اسلوب بنده را میباشند و آقایان دیگر هم گمان میکنند در اینصورت قلیل همکاری یافته باشند که بنده در قضایا خیلی نخوانسرد هستم و عصبانی نیشوم. مایل و مصدق حملات شخصی هم نیستم ولی البته خیلی از آقایان و گمان میکنند خود معترض هم بمن حق میدهد که اگر

نسبت بمن و نسبت به حیثیت و شرافت خدمت و کاربرد بمن يك سوء تفاهم است یا يك اظهاراتی بشود آنها را اصلاح کنم. فقط از این نقطه نظر است که بنده میخواهم يك توضیح خیلی مختصری بدهم و اگر آقای شریعت زاده در همان زمینه کلیاتی که اظهار کردند مذاکرات خود را محدود میکردند البته هیچ مورد اعتراض نبودند.

مسلم است در هر مملکتی برای اینکه تمام مؤسسات از روی صحت بچریان افتد باید تمام اصول کار کردن ممکن شود و اگر در مملکت ما در جزء نواقص و تقاضای دیگر هنوز یکی از ارکان مهم اداره کردن مملکت که عبارت از تشخیص دادن و مشخص نمودن مسؤلیت زمامداران کارهای عمومی است نبوده و بیک صورت صعبی تعیین نشده البته وظیفه هر اصلاح خواهی اصلاح طلب و وظیفه هر مجلس شورای ملی است که درصدد باشد و این تقصیر را رفع کند.

چنانکه در مجلس چهارم هم همین همین نظری بود و يك لایحه قانونی برای برای معاکمه وزراء بپس آمد. برای اینکه در قانون اساسی محکمه که صلاحیت این کار را دارد تشخیص شده است و آن محکمه تمیز است ولی قانون طرز معاکمه و اشخاص و امر کزی که صلاحیت طرح و اقامه دعوی ندارد تشخیص نشده و قوانینی است که هنوز طرح و تصویب نشده است پس البته هیچ اعتراض باین قضیه نیست.

اما تطبیق يك کلی در مورد يك فرد در مجلس از ناحیه يك وکیل در صورتی که طرف هم وکیل است و مطابق نظامنامه هم سؤال از يك وکیل و استیضاح از يك وکیل مجاز نیست. از بدو مشروطیت الهی یومنا هذا کابینه های مختلف و ادوار مختلفه و قریبهای مختلف و وزراء مختلفه بوده اند و در میان همه اینها تطبیق دادن يك کلی بیک فرد خاص البته یک قدری مطلب را از صورت عمومیت خودش خارج میکند و بیک صورت خصوصی درمیآورد.

این قسمت را از نقطه نظر جریان قانون و از نقطه نظر نظامات برای تذکر عرض کردم و همانطور که آرزو در ضمن توضیح مختصری که دادم عرض کردم نمیخواهم آقایان تصور کنند که بنده از نقطه نظر قانون در یک اشتباهی هستم و آن اشتباه این باشد که مجلس شورای ملی را دارای صلاحیت از برای معاکمه میدانم یا اینکه يك وکیل یا یکمده از کلا را دارای صلاحیت اقامه دعوی در موضوع مسؤلیت يك وزیر یا يك رئیس الوزراء میدانم.

بنده این اظهارات را يك نوع اظهارات سیاسی تلقی کردم که تعرض خصوصی است در ضمن يك مسائل عمومی که با آن مسائل عمومی هم کاملا موافقم و البته محتاج توضیح نیست و آقای شریعت زاده هم در این مجلس فعلی از اول حاضر بودند و مسوق هستند که هم در دوره چهارم هم در دوره پنجم در موقعی که اعتبارنامه بنده مطرح بود.

در موقعی که از نقطه نظر تشخیص صلاحیت و عدم صلاحیت يك وکیل شاید مورد داشت و جا داشت که این حرفها در اطراف صلاحیت و عدم صلاحیت زده شود تمام این اظهاراتی که ایشان حالا متذکر شدند و یادشان آمد آنها را دیگر آن در آنموقع گفتند و من هم جوابهایی دادم و مجلس هم در آنموقع که صالح از برای يك فتاوی بود.

باز عرض میکنم از نقطه نظر اعتبارنامه و صلاحیت يك وکیل) فتاوت خود را در دو موقع کرده و بطوریکه سابقاً هم اشاره کردم از آنجایی که در این مملکت چرخهای مملکتی درست در جریان نیست شاید بشود فرض کرد که بنده انتظار دارم در یک دوره دیگر هم یعنی در دوره ششم مجلس باز همین مسائل را دوباره مذاکره و تکرار کنم.

باری نمیخواهم بگردم و مشخص کنم که آن موجبات و عللی که همکاری را وادار کرد که يك همچو اظهاراتی بنمایند چیست و بطوریکه عرض کردم اخلاقاً بنده درصدد هیچ نوع حمله و تعرض نیستم و مخصوصاً قائل هستم که مخصوصاً باین همکاری در مجلس ما باید همیشه سعی کنیم که حافظ حیثیات هم دیگر باشیم.

این اعتراضات من از نقطه نظر اعتراضات اصولی و قانونی و اظهارات تکجیبی بود و چنانکه عرض کردم مسائلی که با آنها اشاره شده است آنها را در موقع خودش بنده جواب گفته ام و برای خودم هم امروز در اینجا هیچ الزامی نمی بینم که جواب بگویم زیرا باید اصول را حفظ کرد.

الزام در مقابل يك مرکز صالح و در مقابل اقامه يك دعوائی است است که از يك مرکز باشد که صلاحیت اقامه دعوی را قانوناً داشته باشند و من هیچ نوع الزامی برای خود نمی بینم که اظهارات تکجیبی و شاید اگر انشاء این مسئله را من میگردم خودم ملامت خارج از موضوع بودن و اتلاف وقت مجلس شورای ملی را بواسطه این اعتراض بخود میگردم ولی یا اینکه با اینحال يك جمله مختصری از عرایض سابق خود را تکرار میکنم و بعد هم از من امتحانی که به آقایان دادم عذر میخوام مکرر بنده گفتم و این دفعه دفعه اخیری

است که اظهارات بکنم بنده تکذیب کرده و میکنم و تکذیب خواهم کرد هر نوع عنوان و اسنادی بنده داده شود راجع باینکه بولی گرفته باشم بغیر بول دولت ایران و بموجب سند و قبضه ذمه و بطوریکه عرض کردم این قسمت را همیشه تکذیب میکنم و هر معکمه صالحی برای رسیدگی باین کار باشد بامدرک و سند مدهای خود را در اینجا اثبات میکنم در قسمت ثانی این مطلب يك مطلب کوچک بی اهمیتی است نه بلتیکی است و نه سیاسی.

نه مربوط بداخله است و نه مربوط بخارج و اگر بنده بولی از دولت برای مباشرت يك خرجی گرفته ام وزیر هستم هیچ چیز نیستم نیاشم فقط يك مباشر جمع بخرج رادارم و مثل كوچکترین مباشر ادارات دولتی. همان معامله را که با او میکنند باید بامن بکنند چنانکه الان هم دارند میکنند این مسئله اصولی نیست تحقیقی نیست نظری نیست سند است و رقم است و عدد.

مرکز صالحه اش هم معلوم و معین است با وزارت خارجه و با وزارت مالیه است و بعد از مطابقت اگر باقی دارد باید از مباشر بگیرند و اگر فاضل دارد باید باو بدهند و اگر هم ندهند بگورزی میآیند مشخص میشود این یکی از چیزهای خیلی عادی و ساده و قابل هیچ حرف هم نیست و بملایه يك چیز دیگری را هم اینجا عرض میکنم.

بنده در مراحل زندگی خودم مسؤلیت و وزارت داشته ام و شرکت در زمام داری امور این مملکت هم کرده ام و بنده در سهم خود برای تمام مدت مسؤلیت و برای تمام اعمالی که در حوزه مسؤلیت خودم کرده ام هر مسؤلیتی در مقابل جامعه ایرانی و ما در مقابل مملکت ایران باشد باید عهد و دار باشم و در مقابل هر کسی که صلاحیت رسیدگی داشته باشد نه تنها من بلکه بقیه من تمام وزراء این مملکت از بدو مشروطیت تا کنون به همین حال هستند.

رئیس الوزراء و وزیر و هر وقت يك محکمه باشد که بخواهد تشخیص بدهد که اینها آیا در موقعی که زمامدار بوده اند اختیارات و اقتدارات خودشان بر صلاح این مملکت و این جامعه اعمال کرده اند یا خیر یا بد حاضر شوند و جواب بدهند. اگر نتوانستند جواب بدهند که بروق تکلیف خود رفتار کرده اند فیها و الا هر مسؤلیتی را که قانون برای آنها پیش بینی میکند با کمال رشادت و شهامت باید حاضر باشند این بود عرایض بنده و خیلی عذر میخوام از این اتلاف وقتی که از آقایان کردم و امیدوارم که هیچ توطئه و هیچ بهانه و هیچ عنوان و هیچ حمله بنده را با اینجا برنگرداند که این مسائل را تکرار کنم مگر اینکه يك مرکز صالحی پیدا شود و اینها را از من و

امثال من بپرسد آن وقت هر جوابی باید بدهم با آنها خواهم داد. زهیم - داخل در دستور شویم. ناصر الاسلام - آقا يك جمله منطقی گفتند.

ضیاء الواعظین - اجازه هائی خواسته شده است. جمعی از نمایندگان - این موضوع مطرح نیست. رئیس - این مطلب که جزو دستور نیست آقای زهیم (اجازه)

زهیم بنده عرضی ندارم. رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه) حاج میرزا عبدالوهاب - گویا در این موضوع میخوانند مذاکره کنند خوب است داخل در دستور شویم. رئیس - از گجامید اینقدر این موضوع میخواند صحبت کنند ولی اگر بخواهد جزو دستور کنید مطلب علیحده ای است. ضیاء الواعظین - رأی بگیریم. رئیس - آقای ناصر الاسلام (اجازه)

ناصر الاسلام - بنده با آقایان موافقت میکنم که وارد در دستور شویم اما تقاضا میکنم يك جلسه برای رسیدگی باین قسمتهائی که شاهزاده با قوت قلب فرمودند معین شود بنده قویاً تکذیب میکنم و با اسناد آنها را اثبات میکنم. رئیس - آقای ملک الشعراء (اجازه) ملک الشعراء - بنده در همین موضوع عرایضی داشتم. رئیس - آقای مشارعظم (اجازه) مشارعظم - عرضی ندارم. رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - میخواستم راجع به اظهارات شاهزاده نصرت الدوله که در ضمن توضیح اظهارات بنده بیان کردند توضیحاتی بدهم و چون فرمودید جزء دستور نیست امید وارم يك موقعی جزء دستور شود و بنده عرایضی بکنم که رفع اشتباه ایشان بشود. رئیس - وارد دستور میشویم. پیشنهاد آقای داوود مطرح است. آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - بنده در کلیات موافقم. رئیس - اگر موافقت پس یک نفر دیگر حرف بزند. آقای یاسائی (اجازه) یاسائی - پیشنهادی را که آقای داور

متضمن بعضی مواد راجع با اقتصادیات فرموده اند. داوود - يك قدری بلندتر بفرمائید. یاسائی - این پیشنهادی را که جناب عالی در تحت مواردی چند راجع با اقتصادیات فرموده اید بقیه بنده بیش از يك مفاهیم و کلیاتی که دیگران هم گویا گفته اند چیزی نیست.

این مفاهیم و کلیات را با اصلاح اهل منطق و میزان از مرتبه جنس ایشان آورده اند بر مرتبه نوعی و يك موادی است که بنظر بنده علی در دنیا باید و همانطور که حکومتها و دولت های وقت گرا آ کیسیونهای برای اینگونه امور تشکیل داده اند و مدتی وقت تلف کرده اند و بالاخر نتیجه نگرفته اند و البته قضیه تشکیل کمیسیونها را در وزارتخانه ها دیده یا شنیده اید و هیچ نتیجه از این کمیسیونها حاصل نشده است و بقیه بنده در مجلس شورای ملی هم اگر تشکیل اینگونه کمیسیونها و تهیه اینگونه مفاهیم کلی جریان داشته باشد بجائی نخواهد رسید.

منتها وقت یکمده تلف خواهد شد و وقت مجلس شورای ملی هم تلف خواهد شد. اگر آقایان متوجه شوند بنواصی که در کار تشکیلات حکومتی ما موجود است بقیه بنده بهتر از اینست که نظرشان را باینگونه مفاهیم کلی بپندارند. مسلماً سیاست عادلانه مقدم بر اقتصادیات است و مادام که ارکان و قوایم سیاست در مملکت محکم نشود معاکره در اطراف یکتو اقتصادیات لزوم و احتیاجی ندارد زیرا اگر در دست مردم يك قسمتهائی بعنوان دارائی باشد آن سیاست و آن حکومت نمیتواند آنرا حفظ کند.

این موضوع شبیه است باینکه بنده حفظ عیای خود را بقضا و قدر واگذار کنم و بروم درصدد تحصیل يك عیای دیگری برایم در مملکت ما يك چیزهای فلاح است و آقایان نمایندگانی که از ولایات آمده اند مسیوقند.

مملکت ما يك مملکتی است فلاحی مثل مملکت رمانی و ما باید از عوائد فلاحی يك استفاده هائی بکنیم و يك صادراتی تهیه کنیم که بتواند با واردات موازن نماید. مولدین ثروت در این مملکت اشخاص و طبقاتی هستند که فوق العاده در تحمیل و فشار سیاست هستند. این عرضی که میکنم تنها منظورم حکومت حاضر و دولت وقت نیست زیرا بنده از طرف داران حکومت حاضر هستم ولی اساساً طرز تشکیلات مملکتی طوری شده است که بضرر مولدین ثروت تمام میشود. اگر ما متوجه شویم باینکه يك اصلاحات اداری در این مملکت بشود بهتر از اینست

که وارد در مذاکره این نوع مسائل بشویم. در این مملکت امنیت نیست. امنیت قضائی نیست. در این مملکت جان و ناموس و مال هیچکس در امان نیست (همه بین نمایندگان)

آقای یاقوت - آقا اینطور نیست که میفرمائید کاملاً امنیت هست. این چه فرمایشی است که در مجلس میفرمائید امنیت نیست؟! (صدای زنگ رئیس)

یاسائی - بنده عرض نکردم بطور کلی امنیت نیست بنده عرض میکنم که در این مملکت امنیت نبوده و نیست منتها از زمان زرداری رئیس الوزرای کنونی يك نوع امنیتهائی در این مملکت پیدا شده است. (همه بین نمایندگان)

یاسائی - خواهش میکنم آقایان اجازه بدهند بنده عرایضم را عرض کنم ممکن است سوء تفاهمی بشود رفع کنم. بیشتر از افراد این ملت از طبقه فلاح و زارع هستند و قسمت بر جسته مولدین ثروت در این مملکت همانها هستند و آنها هم از ناحیه حکومت فوق العاده در فشار و مضیقه هستند و بنده بطور کلی عرض میکنم يك نفر دهقان را که ما انتظار ایجاد ثروت از او داریم باید طوری حفظ کرد و دارائی کم او را باید طوری مواظبت نمود که بتواند درصدد ازدیاد ثروت بر آید این است که وارد در مذاکره يك کلیاتی بشویم. يك نفر رعیت باید سر باز تهیه کند مالیات خانواری ببالا بدهد بمرتبه هم سر باز از او میخوانند باید صد تومان الی سبصد تومان پول تهیه کنند تا اینکه يك نفر سر باز فرستد این قسم تحمیلات ببقضات برجسته این مملکت میشود اما طبقاتی که ایجاد ثروت نمیکند و طبقاتی که با اقتصادیات کمک نمیکند آنها از این تحمیلات منافعت ولی آنها را که در ایجاد ثروت ذی دخل هستند فوق العاده در فشار و زحمت هستند.

دیگر اینکه در غالب ولایات از سی یا چهل سال قبل يك نوع میزبانی شده است و البته در آن موقع شاید آن میزبانی عادلانه بوده از آن تاریخ تا کنون هیچ نوع میزبانی در این مملکت نشده و غالب قرا و مزارع بواسطه عادلانه نبودن میزان مالیات بکلی ویران شده است و اهالی آن قرا هم بکلی از بین رفته اند و آن مالیات کساکان از آنها گرفته میشود در صورتیکه از روی حق و عدالت نیست. و همچنین گرفتن سر باز مالیات خانواری و گرفتن وجوه استرضائی یک نفر نظامی که بر کز بر فرستند و گرفتن مالیات از روی میزهای چهل سال قبل در صورتی که محل استعداد تأدی این گونه مالیاتها

را ندارد ولی يك معللهائی هم هست که جدا جدا احداث است و دیناری مالیات بدولت نمیدهند اینها يك چیزهائی است که طبقه فلاح و دهقان را از با در آورده است و آنها را دچار فقر و فاقه و بریشانی نموده.

همانهای که انتظار ایجاد ثروت از آنها داریم و همانهاییکه عامل مهم تولید ثروت در این مملکت هستند برای اینکه عرض کردم مملکت ما مملکت فلاحی است پس ما اگر بجای اینکه موارد در اینگونه مذاکرات شویم.

اگر در گذرانند قانون میزبانی تسریع کنیم یا در گذرانند قانون نظام اجباری تسریع کنیم که برای مملکت فوق العاده لازمست و این تحمیلات مالیاتی و نظامی را تا اندازه از دوش فلاحین و دهاقین برداریم و متوجه عموم مردم بشود خیلی بهتر است و اینکه عرض کردم در این مملکت امنیت نیست و بعضی از آقایان تعرض کردند اگر توضیح بدهیم گمان میکنم قانع بشوند اساساً تشکیل حکومت بطور مستقیم برای ایجاد امنیت و عدالت در داخله مملکت و حفظ استقلال آن ملت است.

حالا معارف و بست و تلگراف و سایر وزارتخانه ها بقیه من تشکیلات امدادی است و سیاست مملکت ظهورش در يك تشکیلات مخصوصه است مثل عدلیه - امنیه - نظریه - حتی اداره قشونی و تشکیلات نظامی هم جزء تشکیلات امدادی است و این کلی است معروف میگورند: دولتها و حکومتها بوسیله مالیه و مشب آن از ملت پول میگیرند و توسط عدلیه و صنایع عدلیه باید ملت رد کنند سایر مؤسسات همه در حکم کمک و امدادی هستند دولت و حکومت از دیر باز بنایش بر این بوده است که در موقع اضدادی و گرفتاری ملت باید های طولی داشته بولی در موقع استرداد حق ملت قبضه یقربی دارد برای گرفتن از ملت ۷ کور و نیم هاست کورور را بوسیله تخصیص میدهند برای جمع آوری عایدات از قرا و ضغفا و اشخاصی که هیچ طاقت و استطاعت پرداخت مالیات ندارند ولی در موقع استرداد و رد کردن حق آن ها که باید بوسیله امنیه بشود آنوقت بودجه امنیه چقدر است؟

يك کورور در این مملکتی که تقریباً يك نفش را ایلات تشکیل میدهند در این مملکتی که قالب اهالیش مسلح هستند بودجه امنیه این مملکت يك کورور بیشتر نیست و همینطور بودجه نظریه آن در غالب نقاط مؤسسات قضائی نیست.

حالا اگر اعتراضاتی ببدلیه و تشکیلات و جریانات عدلیه باشد من عرض بنده نیست. مثلا ما میگوئیم مدارس امروزه بهتر از مسکات قدیمه است و اگر نواقص در مدارس

باشد باید رفع کرده باشد که برگردیم بهمان مکتب قدیمه.  
 یس یک بودجه ۴۶ کرور یا ۴۸ کروری که دولت بر ملت تحویل کرده است باید تقسیماتش هم طوری باشد که عادلانه باشد و بفتح مردم تمام شود و بالاخره امنیت را برای افراد آن ملت تهیه کند.  
 البته اگر امنیت در طرق و شوارع نباشد این ثروت موجود را نمیشود حفظ کرد چه رسد باینکه ما برویم و بیک ثروتی از نو تهیه کنیم اگر امنیت قضائی نباشد همینطور که حالا هم نیست ثروتی موجود را نمیشود حفظ کرد وقتی امضای اشخاص اعتبار نداشت وقتی امضای خود حکومت در نزد مردم اعتبار نداشت وقتی که دولت یک انضادی در دست مردم داد و افلا خود را باندازد بیک تاجر معتبر فرض نمیکند و الا آن مقدار زیادی از این اسناد زنده نمیشود است.

از سورچی و مهتر و بلند گارخانه دولتی که اداره حمل و نقل داده و امضای خودش را حفظ نمیکند و برای پرداخت اموال مردم بمساجد و مواضع میگرددند در این مملکت امنیت قضائی نیست.  
 در این مملکت قانون مجازات نیست.  
 در این مملکت قانون دهاوی بردوات نیست.  
 مردم اگر ادعاها و شکایاتی دارند پرونده کجا تنظیم کنند و اقامه دعوی نمایند حق خود را استنفا کنند؟  
 بعقیده بنده وارد شدن مجلس شورای ملی در وضع یک سلسله قوانین که فوراً المعاده مفید و مهم است از قبیل قانون نظام اجباری - قانون میزبانی عمومی - قانون مجازات - قانون تجارت و سایر قوانین که در نظر آقایان هم قانون وضع مالیات بر عایدات و الغاء مالیات سرشاماری و خانواری و غیره و از این قبیل کارها بعقیده بنده برای حفظ ثروت افراد ملت و مساعدت و تشویق آنها باینکه در صدد ازدیاد ثروت بر آید بهتر و مفیدتر است.  
 از این ترتیب که شما پیشنهاد میفرمائید.  
 امروز همه شماها میدانید که اطمینان و اعتماد بواسطه نبودن امنیت قضائی در این مملکت در مابین افراد مردم نیست.  
 هیچ اطمینان و اعتماد در مابین افراد این مملکت نیست.  
 بواسطه اینکه امنیت قضائی نیست این عدم اطمینان البته تصدیق میکنید که ناچه اندازه در معاملات جاریه مردم که یکی از شعب معیشت اقتصادی این مملکت است تأثیر دارد.  
 بنده با این مقام و کلیات نمیخواهم از نقطه نظر کلیت مخالفت کرده باشم مثلاً اینجا نوشته شده است که وارد شوم

در این زمینه فکر کنیم و به بینم زراعت تریاک را چه طور موقوف کنیم و نقد کنیم بهتر است در صورتیکه بطور کلی بنده با این فکر یا ورود دومذاکره راجع باین موضوع مخالفم ویرا زراعت تریاک یکی از منابع مهم ثروتی این مملکت شمرده میشود و در عرض سال شاید از ۱۵ کرور الی بیست کرور بر صادرات مملکت بیفزاید و هیچ موجبی ندارد که مانعاً باقر و فاقه عمومی وارد در این موضوع بشویم.  
 اگر آقای داور پیشنهاد کرده بودند که وارد بشویم در این مذاکره و به بینم بچه ترتیب ...  
 شیروانی زیادش بکنیم  
 یاسائی - استعمال تریاک را در این مملکت قدغن کنند که مردم انبویون و مشغقات آنرا استعمال نکنند و اشخاص متاد را از این بلای بچه ترتیب باید خلاص کرد.  
 بعقیده بنده خیلی بهتر از این پیشنهاد بود و بانظریه که ایشان دارند که کسکی با اقتصادیات این مملکت شده باشند این پیشنهاد کماکان بامقصد و خودشان متناقض باشد زیرا که فلابیکی از منابع ثروت این مملکت و یکی از ارقام برجسته صادرات این مملکت همان تریاک است که بخارج حمل میشود که این تریاک را قدغن بکنیم یک قسمت از عواید این مملکت بیک قلم مهم از صادرات این مملکت از بین رفته است.  
 یکی از موادی که ایشان در نظر گرفته اند این است که به بینم خالصجات دولتی را اگر بفروشیم بهتر است یا بجال خود باقی بگذاریم و اگر بنای فروش شد بچه ترتیب بفروشیم.  
 بنده اساساً با فروش خالصجات مخالفم برای اینکه فروش خالصجات باعث میشود که املاک و علاقتهائی که الان متعلق بدولت است از بین میرود و حیثیت و اعتبار اقتصادی که دولت دارد از بین میرود و وجوهائی که از این راه بدولت میرسد از عایدات دولت کم میشود.  
 بعلاوه در تمام دنای حاضر بیشتر متوجه هستند باینکه یک چیز هائی را جنبه عمومی بدهند و ما برعکس میخواهیم از دست دولت و حکومت خارج کنیم و بدهیم بدست اشخاص سرمایه دار چرا؟  
 برای اینکه این املاک بفلاح و دهقان و زراع که نمیرسد و در بین آنها چیزی به فروخته نخواهد شد زیرا استطاعت آنها ندارند خریداری نمایند.  
 پس بر میگردد با اشخاصیکه ثروت مندند و در قلم چهار قلم از این املاک راهز کدام میگردند و بهمان وضع سابق باقی میماند زیرا که املاک اربابی هم در این مملکت در حکم املاک دولت است و اگر سوء جریانی در قسمت زراعت و فلاح خالصجات هست در قسمت املاک اربابی هم هست.

آقای سید یعقوب با املاک اختصاصی هستیم.  
 یاسائی - بنده هم قائم این بود عرایض من دیگر عرضی ندارم.  
 رئیس - آقای داور (اجازه)  
 داور - نماینده محترم که بعنوان مخالفت در موضوع پیشنهاد بنده مذاکره کردند شروع کردند باینکه بگویند در این پیشنهاد بیش از یکصد کلیات چیزی نیست.  
 بنابراین بعضی اینکه دیگران هم این کلیات را گفته اند و میگویند لازم نیست وقت مجلس تلف شود البته اگر اوقاتمان را در مجلس صرف کارهای مهمی که در زندگانی جامعه تأثیرات خوبی داشته باشد کرده بودیم در این هشت ماه و آنوقت این مسائل را تصدیق میکردیم که واقماً اهمیت ندارد این ایراد خوب بود ولی متأسفانه تاریخ عملیات و مذاکرات کارهای مجلس را همه ما همه میدانند صورت جلسات حاضر است اگر ایشان خاطرشان رفته است ممکن است مراجعه فرمائید و به بینم کمتر شده است که لااقل همین کلیات یا مسائلی از جنس این کلیات طرح شود سعی کنیم که آنها را بجایی برسانیم.  
 بعد شروع فرمودند بیک مسئله که عنوانش سیاست عادلانه بود یا بعبارة آخری حکومت عادلانه گفتند اول باید سعی کرد که عدالت و دحیح امنیت تام در مملکت باشد بعد سعی کرد از برای مردم نان پیدا کرد.  
 بنده اینطور فهمیدم - در اینجا یک اختلاف عقیده بین من و ایشان در اصل موضوع پیدا شد.  
 عقیده ایشان که غالب سیاستمداران این مملکت بوده است این است که باید اول حکومت عادلانه برقرار کرد بعد راجع به مسائل اقتصادی و زندگی مادی مردم صحبت کرد و تمام کشمکشها و زدو خورد ها و مرادها و احزاب که از اول مشروطیت تا حال در این مملکت پیدا شده و پیوسته نتیجه اش بالاخره باین مشهور رسیده که حکومت عادلانه پیدا کنیم و بعد شروع کنیم با اصلاحات.  
 اما عقیده بنده (که البته ممکن است کاملاً غلط باشد ولی در هر صورت به مسائل اقتصادی و زندگی مادی مردم صحبت کرد و تمام کشمکشها و زدو خورد ها و مرادها و احزاب که از اول مشروطیت تا حال در این مملکت پیدا شده و پیوسته نتیجه اش بالاخره باین مشهور رسیده که حکومت عادلانه پیدا کنیم و بعد شروع کنیم با اصلاحات.)  
 این است که باید معتقد شد که طرز حکومت و سیاست در هر مملکت تراوش میگردند و بهمان وضع سابق باقی میماند زیرا که املاک اربابی هم در این مملکت در حکم املاک دولت است و اگر سوء جریانی در قسمت زراعت و فلاح خالصجات هست در قسمت املاک اربابی هم هست.  
 این عقیده را میبگفتند تصدیق یا تکذیب کرد ولی دلایل بسیاری هست که اوضاع اقتصادی در زندگانی جامعه اولین

درجه اهمیت را دارد.  
 مردم گرسنه استطاعت اینکه بتوانند امنیت صحیح داشته باشد ندارند.  
 (بعضی از نمایندگان - صحیح است)  
 مردم گرسنه استطاعت اینکه بتوانند تمام اولاد خودشان را تربیت بکنند ندارند (صحیح است)  
 مردم گرسنه استطاعت اینکه بتوانند تشکیلات عدلیه صحیح در تمام نقاط مملکت بدهند ندارند (صحیح است)  
 بالاخره میخواهم تمام چیزهائی را که مردم گرسنه استطاعت تشکیل آن را ندارند عرض کنم که باعث تضییع وقت مجلس بشود.  
 وقتی که درست فکر فرمائید می بینید تا وقتی اوضاع مادی مملکت اجازه ندهد ممکن نیست که شما بتوانید باین مطالب صورت خارجی بدهید و تجربه چندین ساله هم این نشان می دهد.  
 اگر در این مدت هجده سال که نجات خوب سعی ها و عملیات صحیح در موضوع اینکه حکومت عادلانه در مملکت پیدا شود - تمام نیکویم - اگر نصف آن عملیات - دمیگ آن سعی ها - راجع باین شده بود که بیاییم برای این مملکت راه درست کنیم و کاری کنیم که نان برای مردم تهیه شود قطعاً و حتماً امروز اوضاع این مردم بیچاره بهتر بود و از برای ما میسر میشد که از دولت و از حکومت بخواهیم در غالب از نقاط مملکت ایران عدلیه های صحیح دایر بکنند.  
 تعلیم قضات بکنند قاضی تربیت بکنند حقوق کافی هم بدهد و بالاخره آن امنیت قضائی را.  
 (تصدیق میکنم که در مملکت ما آن امنیت نیست)  
 آن امنیت را ایجاد بکنند و آن امنیت را باید بسهند ولی بدبختانه چون در این فکر نبودیم و چون وسائل را نداریم وقتی که راجع بموضوع عدلیه (دوتا خیلی درس صحبت کردند) اگر چه راجع بموضوع نبود ولی یک قدری مهم است)  
 یک مذاکراتی میشود و وقتی که تذکر داده میشود که در فلان نقطه بکنند آزادی از مردم اشکالاتی دارند و برای اینکه مرجعی نیست همینطور مانده تازه میگویند بواسطه کافی نبودن بودجه نمی توانیم در آنجا شمیة عدلیه ایجاد و اداره کنیم.  
 خوب اشکال بودجه فقر مملکت و تمام حرفهای ما یک کلیاتی خواهد شد که عملی نمیشود.  
 پس این اختلاف عقیده در اصل قضیه هست.

این بود که بنده از روزیکه بایران برگشتم باقلب سیاسیون آن روزی مملکت و در هر دوره باشخاصی که راجع باوضاع سیاست صحبت میکردند بنده همیشه می گفتم همیشه این عقیده را داشته نوشته ام که این یک اشتباهی است که ما کرده ایم در این رویه که ما داشتیم.  
 سعی باینکه یک حکومت عادلانه داشته باشیم و بعد با اصلاح دست بزنیم و این را خوبست زیاد دنبال نکنیم و شروع بکنیم باینکه از نقطه نظر علمی (نا از نقطه نظر سطحی خودمان) اوضاع اقتصادی را درست بکنیم و بعد از آنکه درست کردیم طبعاً یک قسمتهائی امروز رفع خواهد شد و هم اینکه سهل تر میشود آنها را رفع کرد و گمان میکنم اگر آقای یاسائی توجه باین دلایل بنده بکنند خودشان تصدیق داشته باشند که مسائل اقتصادی در همان حکومت عادلانه خیلی مدخلیت دارد  
 بعلاوه بنده اصلاً هیچ نفهمیدم که بچه جهت این قضیه در جزء دلایل مخالفت ذکر شد که چون حکومت عادلانه میخواهیم نباید این حرفها و این کلیات را در مجلس ذکر کنیم.  
 این مانعاً الجمع نبود این مملکت قانون تجارت ندارد درست است خیلی چیزهای دیگر را هم ندارد به طوریکه اگر بخواهیم تمام چیزهائی که این مملکت ندارد بگوئیم تمام وقت مجلس را میگیرد اما این مناقات ندارد با پیشنهاد بنده و انشاء الله کم کم درست خواهد شد چنانکه قانون تجارت در کبسون هدایه آمده است (ایشان آنجا تشریف دارند بنده هم هستم در خدمتشان)  
 سایر قانونها هم میآید اگر هم نیامد هر کدام را لازم میدانم ممکن است خودشان تذکر بدهند در هر صورت آنها تمام بجای خودش است.  
 بنده که نگفتم که تمام وقت مجلس را منحصر به بینم پیشنهاد بنده بکنند بنده که نگفتم شما در این مملکت هیچوقت قانون نخواهید اما میخواهیم بیینم چون قانون تجارت در این مملکت نیست مردم باید از گرسنگی بمیرند.  
 چون قانون مجازات نیست راه و طرق و شوارع مردم را نباید درست کرد بالاخره گمان میکنم که آقایان اجازه بدهند بایشان عرض کنم که چون آقای یاسائی و همینطور بعضی از آقایان دیگر شاید وقت دراصل موضوع پیشنهاد بنده نکرده باشند بنده ناچارم عرض کنم این پیشنهاد چیست این پیشنهاد یک طرح قانونی نیست می بینید امضای بکنفرم دارد این پیشنهاد در باب مسائل بطور قطعی اظهار نظر برای نمیکند.  
 نیکویم باید حتماً فلان ترتیب را

برای رفع نواقص اساسی مسئله زراعت پیش گرفت نمیکوید باید زراعت تریاک دقیقاً از بین برد بنده اول بگویم که خودم این نظر را مخصوصاً در اولی در این پیشنهاد عقیده را ذکر نکردم.  
 این پیشنهاد یک رای قطعی نیست که زراعت تریاک را فردا موقوف کرد بنظر بنده یک مسائلی که از نقطه نظر امور اقتصادی مملکت قابل توجه و اهمیت است دو قسم در این مسائل میشمارم کرد یکی اینکه بنده خودم و چند نفر دیگر بیاییم وبدون مراجعه بدفاتر و ارقام احصائیهائی (بهمان اصطلاحی که آنروز عرض کردم) همین طور در بی بینیم و اظهار عقیده کنیم و بگوئیم مثلاً زراعت تریاک را موقوف کنیم خوبست یا اینکه بد است یا در باب خالصجات فلان نظر را باید داشت نظر فروش را داشت یا نظر نگاهداری را یک قسم دیگر که پارامانهای دیگر مردم دیگر آنهاست که تجربه دارند در این قضایا رفتار کرده اند.  
 اینست که میآیند دولتشان را دعوت میکنند و ما مور میکنند که در فلان قضیه همین مثلاً اگر مملکت ما راه آهن داشت در قضیه راه آهن حالا که نداریم آنها کار دارند اینطور میکنند دولت را ما مور میکنند باینکه سعی کند دقت نماید تحقیقات بعمل آورد اطلاعات جمع آوری کند از روی ارقام احصائیهائی بییند راه آهن فلان نقطه را دولت امتیاز بدهد بکشند بهتر است یا فلان نقطه را بخرند و اداره کنند صرفه دارد و بالاخره از برای اینکه تمام اطلاعات بیک راجع بیک موضوع لازمست جمع شود و از روی اطلاع صحیح برای داده شود درست است که ما ماورت داریم باینکه دور بگردیم بشینیم و با فکر ساده قضایا را حل بکنیم و همیشه ما با استدلالات منطقی میتوانیم به نتایجی برسیم ولی در امور اقتصادی گمان میکنم که اگر از روی اطلاعات کار شود بهتر است و چون در اینگونه امور بدون اطلاعاتی که مستند بواقع باشد حکم کردن آنطوریکه باید ممکن نیست و آن اطلاعات هم برای هر کسی دست نمیدهد بکنفر با چانه نزن نمیتوانند در امور اقتصادی اظهار عقیده بکنند.  
 اگر مملکت ما طوری بود که در هر یک از موضوعهای اقتصادی کتابهائی نوشته شده بود و اطلاعات بیکه برای هر یک از فقرات لازم است از روی احصائیهائی در ادارات بود و بالاخره بنده و جنابهائی میتوانستیم آن کتابها رجوع کنیم و از روی آنها مدارکی جمع کنیم میتوانستیم عقاید منظم علمی پیدا کنیم ولی چون این وسائل نیست و باید این اطلاعات را در دست داشت تحصیل کرد بنده تصور کردم که ضروری ندارد بدولت پیشنهاد کنم اطلاعات برای ما تهیه کند میفرماید خیلی کلی است

این کلی راشما یک مرتبه رای میدهند میرود با ادارات دولتی و در مسائلی که در آن پیشنهاد اظهار شده است تحقیقاتی می کنند.  
 رابرتهای میدهند رابرت که اینجا آمد میرود بکبسیون که معین شده است برای مسائل اقتصادی آن کبسیون هم موافقت میکنند و اطلاعات کسب میکنند آنوقت رابرت مفصل جامعی راجع به هر دو موضوع آن تهیه و مطبوع میشود آنوقت شما هر وقت خواستید اظهار عقیده کنید با دلایل منطقی صرف اظهار نخواهید کرد و دلایل شما مستند با اطلاعات علمی هم هست و بالاخره از روی آن میتوان بداند بداند خالصه را نگاهداریم بهتر است یا بفروشیم بنده نمیخواهم وارد جزئیات پیشنهاد شوم.  
 زیرا وقت زیادی خواهد و گمان نمیکنم مجلس اجازه بدهد الا اینکه آقا راجع به قسمت تریاک اظهاراتی کردند و اشاره هم بخالصه نمودند در صورتی که بنده در پیشنهاد اظهار عقیده نکردم بودم حالا ناچار راجع به این دو قسمت تذکر مختصری میدهم.  
 آنچه که راجع تریاک فرمودند نقض غرض است راست است که یک قسمت از عایدات این مملکت از بین میرود و گمان میکنم آقایان دیگر هم هستند که مخالفند و در خارج هم خودشان را جز مخالفین ثبت کرده اند.  
 چون موضوع همانطور که آقا گفتند در نظر اول بنظر مهم میآید و همچو تصور میشود که اگر زراعت تریاک از این مملکت برود حال مردم این مملکت از اینکه هست بدتر خواهد شد و عقیده من این است که اینطور نیست.  
 باز هم عرض میکنم پیشنهاد بنده این نیست که از بین برود ولی بنده میل دارم که عقیده خود را عرض کنم.  
 عقیده بنده این است که تریاک برای این مملکت ضرر است.  
 کلارونی - تریاک کشی را منع کنید.  
 داور - بنده عرضم را میکنم ممکن است جنابهائی هم بعد دلایل تان را بفرمائید.  
 آقا میل دارید در اینگونه صحبتها سبقت بفرمائید و از آن نقطه نظر تجارتی مخالف بنده هم شمارا میشناسم لکن در وسط صحبت بنده ضرورت نیست صحبت بکنید ما هم در وسط صحبت شما حرف نمی زنیم بعد بیاید اینجا هر چه بگوئید زراعت تریاک اگر از یک طرف از عایدات مملکت است از طرف دیگر سم قانون است شما با وجود اینکه تریاک دارید نمیتوانید جلو گیری کنید که تریاک کشیده نشود یعنی با وجود داشتن تریاک جلو گیری از

کشدین آن از مسائلی است که باید فقط حرفش را زد.  
 نباید خودمان را گول بزینم تشکیل اداراتی که از کشیدن تریاک جلو گیری کند مادام که تریاک زراعت میشود بی نتیجه است فقط از نقطه نظر مالیاتی شاید عوایدی برای دولت درست کند و به بهانه اینکه میخواهیم تریاک را منع کنیم عواید مالیاتی تهیه بشود و تریاک در این مملکت تریاک کش میآورد شاید شما باین مسئله اهمیت نمیدید و این را کوچک میدانید ولی ملتی که یک قسمت اعظمش شیرة و تریاک است روح و جان و اراده ندارد اگر این ملت را میخواهید به بین طور نگاهدارید امید سعادت را باید در خاک کرد.  
 زراعت تریاک چیزی است که تمام مقام دارد چیزی است که میشود زراعت های دیگر جای آن گذاشت از قبیل زراعت توتون و غیره این مسائل هم مطالعه شده بنده چون در اینگونه مسائل قدری تند هستم عقیده دارم که در فاصله مدت کمی و بلکه دفعه اینکار بشود ولی اگر دفعه میشود ممکن است در مدت بیشتری سال بسال شما این زراعت را در این مملکت کم کنید و جانشین آنرا از زراعت های دیگری درست کنید که صحیح باشد و بالاخره ما که وجود این آقایان آنروزیکه اطلاعات جامع تری آمد آنروز عقیده پیدا کردند که خیر حتماً و قطعاً باید تریاک زراعت بشود (و بعد ادارت هم درست بشود برای اینکه جلو گیری بکنیم از کشیدن تریاک و آنوقت نتیجه اش این میشود که آن اداره شیء درست بکنند و بزود برسد بفروشد) و برین هم غلبه کردند چون از روی اطلاع رای داده شده است یک چیزی است و اگر بالاخره شما نتوانستید در این مملکت این عقیده را امروز بیش برید و نادمه سال دیگر هم بیش برید آنوقت باید از نجات این ملت مأیوس شد و باید گذاشت همه مردم شیرة بشوند برای اینکه صادرات این مملکت زیاد بشود.  
 موضوع دیگر مسئله خالصجات است فرمودند در تمام دنیا سعی میکنند که چیز های عمومی داشته باشند بنده در هر صورت نمیخواهم صحبتی بکنم که شیء بشود باین که بهانه بدست آمده که مملکت خود را بگویم.  
 بنده نظرم این نیست که امروز می بکنم در چیزی که پنجاه سال دیگر تازه این مملکت برای آن حاضر میشود و سعی بکنم در تربیانی که مدتها از مردم این مملکت وقت خودشان را صرف آن میکنند و آن ترتیبات را در نظر میگیرند.  
 بنده باین معتقد نیستم و بنابراین از نقطه نظر اعتقادی صرف در این قضیه نگاه میکنم.

در این مملکت امنیت قضائی نیست.  
 در این مملکت قانون مجازات نیست.  
 در این مملکت قانون دهاوی بردوات نیست.  
 مردم اگر ادعاها و شکایاتی دارند پرونده کجا تنظیم کنند و اقامه دعوی نمایند حق خود را استنفا کنند؟  
 بعقیده بنده وارد شدن مجلس شورای ملی در وضع یک سلسله قوانین که فوراً المعاده مفید و مهم است از قبیل قانون نظام اجباری - قانون میزبانی عمومی - قانون مجازات - قانون تجارت و سایر قوانین که در نظر آقایان هم قانون وضع مالیات بر عایدات و الغاء مالیات سرشاماری و خانواری و غیره و از این قبیل کارها بعقیده بنده برای حفظ ثروت افراد ملت و مساعدت و تشویق آنها باینکه در صدد ازدیاد ثروت بر آید بهتر و مفیدتر است.  
 از این ترتیب که شما پیشنهاد میفرمائید.  
 امروز همه شماها میدانید که اطمینان و اعتماد بواسطه نبودن امنیت قضائی در این مملکت در مابین افراد مردم نیست.  
 هیچ اطمینان و اعتماد در مابین افراد این مملکت نیست.  
 بواسطه اینکه امنیت قضائی نیست این عدم اطمینان البته تصدیق میکنید که ناچه اندازه در معاملات جاریه مردم که یکی از شعب معیشت اقتصادی این مملکت است تأثیر دارد.  
 بنده با این مقام و کلیات نمیخواهم از نقطه نظر کلیت مخالفت کرده باشم مثلاً اینجا نوشته شده است که وارد شوم

در این زمینه فکر کنیم و به بینم زراعت تریاک را چه طور موقوف کنیم و نقد کنیم بهتر است در صورتیکه بطور کلی بنده با این فکر یا ورود دومذاکره راجع باین موضوع مخالفم ویرا زراعت تریاک یکی از منابع مهم ثروتی این مملکت شمرده میشود و در عرض سال شاید از ۱۵ کرور الی بیست کرور بر صادرات مملکت بیفزاید و هیچ موجبی ندارد که مانعاً باقر و فاقه عمومی وارد در این موضوع بشویم.  
 اگر آقای داور پیشنهاد کرده بودند که وارد بشویم در این مذاکره و به بینم بچه ترتیب ...  
 شیروانی زیادش بکنیم  
 یاسائی - استعمال تریاک را در این مملکت قدغن کنند که مردم انبویون و مشغقات آنرا استعمال نکنند و اشخاص متاد را از این بلای بچه ترتیب باید خلاص کرد.  
 بعقیده بنده خیلی بهتر از این پیشنهاد بود و بانظریه که ایشان دارند که کسکی با اقتصادیات این مملکت شده باشند این پیشنهاد کماکان بامقصد و خودشان متناقض باشد زیرا که فلابیکی از منابع ثروت این مملکت و یکی از ارقام برجسته صادرات این مملکت همان تریاک است که بخارج حمل میشود که این تریاک را قدغن بکنیم یک قسمت از عواید این مملکت بیک قلم مهم از صادرات این مملکت از بین رفته است.  
 یکی از موادی که ایشان در نظر گرفته اند این است که به بینم خالصجات دولتی را اگر بفروشیم بهتر است یا بجال خود باقی بگذاریم و اگر بنای فروش شد بچه ترتیب بفروشیم.  
 بنده اساساً با فروش خالصجات مخالفم برای اینکه فروش خالصجات باعث میشود که املاک و علاقتهائی که الان متعلق بدولت است از بین میرود و حیثیت و اعتبار اقتصادی که دولت دارد از بین میرود و وجوهائی که از این راه بدولت میرسد از عایدات دولت کم میشود.  
 بعلاوه در تمام دنای حاضر بیشتر متوجه هستند باینکه یک چیز هائی را جنبه عمومی بدهند و ما برعکس میخواهیم از دست دولت و حکومت خارج کنیم و بدهیم بدست اشخاص سرمایه دار چرا؟  
 برای اینکه این املاک بفلاح و دهقان و زراع که نمیرسد و در بین آنها چیزی به فروخته نخواهد شد زیرا استطاعت آنها ندارند خریداری نمایند.  
 پس بر میگردد با اشخاصیکه ثروت مندند و در قلم چهار قلم از این املاک راهز کدام میگردند و بهمان وضع سابق باقی میماند زیرا که املاک اربابی هم در این مملکت در حکم املاک دولت است و اگر سوء جریانی در قسمت زراعت و فلاح خالصجات هست در قسمت املاک اربابی هم هست.  
 این عقیده را میبگفتند تصدیق یا تکذیب کرد ولی دلایل بسیاری هست که اوضاع اقتصادی در زندگانی جامعه اولین

در این مملکت امنیت قضائی نیست.  
 در این مملکت قانون مجازات نیست.  
 در این مملکت قانون دهاوی بردوات نیست.  
 مردم اگر ادعاها و شکایاتی دارند پرونده کجا تنظیم کنند و اقامه دعوی نمایند حق خود را استنفا کنند؟  
 بعقیده بنده وارد شدن مجلس شورای ملی در وضع یک سلسله قوانین که فوراً المعاده مفید و مهم است از قبیل قانون نظام اجباری - قانون میزبانی عمومی - قانون مجازات - قانون تجارت و سایر قوانین که در نظر آقایان هم قانون وضع مالیات بر عایدات و الغاء مالیات سرشاماری و خانواری و غیره و از این قبیل کارها بعقیده بنده برای حفظ ثروت افراد ملت و مساعدت و تشویق آنها باینکه در صدد ازدیاد ثروت بر آید بهتر و مفیدتر است.  
 از این ترتیب که شما پیشنهاد میفرمائید.  
 امروز همه شماها میدانید که اطمینان و اعتماد بواسطه نبودن امنیت قضائی در این مملکت در مابین افراد مردم نیست.  
 هیچ اطمینان و اعتماد در مابین افراد این مملکت نیست.  
 بواسطه اینکه امنیت قضائی نیست این عدم اطمینان البته تصدیق میکنید که ناچه اندازه در معاملات جاریه مردم که یکی از شعب معیشت اقتصادی این مملکت است تأثیر دارد.  
 بنده با این مقام و کلیات نمیخواهم از نقطه نظر کلیت مخالفت کرده باشم مثلاً اینجا نوشته شده است که وارد شوم

این بود که بنده از روزیکه بایران برگشتم باقلب سیاسیون آن روزی مملکت و در هر دوره باشخاصی که راجع باوضاع سیاست صحبت میکردند بنده همیشه می گفتم همیشه این عقیده را داشته نوشته ام که این یک اشتباهی است که ما کرده ایم در این رویه که ما داشتیم.  
 سعی باینکه یک حکومت عادلانه داشته باشیم و بعد با اصلاح دست بزنیم و این را خوبست زیاد دنبال نکنیم و شروع بکنیم باینکه از نقطه نظر علمی (نا از نقطه نظر سطحی خودمان) اوضاع اقتصادی را درست بکنیم و بعد از آنکه درست کردیم طبعاً یک قسمتهائی امروز رفع خواهد شد و هم اینکه سهل تر میشود آنها را رفع کرد و گمان میکنم اگر آقای یاسائی توجه باین دلایل بنده بکنند خودشان تصدیق داشته باشند که مسائل اقتصادی در همان حکومت عادلانه خیلی مدخلیت دارد  
 بعلاوه بنده اصلاً هیچ نفهمیدم که بچه جهت این قضیه در جزء دلایل مخالفت ذکر شد که چون حکومت عادلانه میخواهیم نباید این حرفها و این کلیات را در مجلس ذکر کنیم.  
 این مانعاً الجمع نبود این مملکت قانون تجارت ندارد درست است خیلی چیزهای دیگر را هم ندارد به طوریکه اگر بخواهیم تمام چیزهائی که این مملکت ندارد بگوئیم تمام وقت مجلس را میگیرد اما این مناقات ندارد با پیشنهاد بنده و انشاء الله کم کم درست خواهد شد چنانکه قانون تجارت در کبسون هدایه آمده است (ایشان آنجا تشریف دارند بنده هم هستم در خدمتشان)  
 سایر قانونها هم میآید اگر هم نیامد هر کدام را لازم میدانم ممکن است خودشان تذکر بدهند در هر صورت آنها تمام بجای خودش است.  
 بنده که نگفتم که تمام وقت مجلس را منحصر به بینم پیشنهاد بنده بکنند بنده که نگفتم شما در این مملکت هیچوقت قانون نخواهید اما میخواهیم بیینم چون قانون تجارت در این مملکت نیست مردم باید از گرسنگی بمیرند.  
 چون قانون مجازات نیست راه و طرق و شوارع مردم را نباید درست کرد بالاخره گمان میکنم که آقایان اجازه بدهند بایشان عرض کنم که چون آقای یاسائی و همینطور بعضی از آقایان دیگر شاید وقت دراصل موضوع پیشنهاد بنده نکرده باشند بنده ناچارم عرض کنم این پیشنهاد چیست این پیشنهاد یک طرح قانونی نیست می بینید امضای بکنفرم دارد این پیشنهاد در باب مسائل بطور قطعی اظهار نظر برای نمیکند.  
 نیکویم باید حتماً فلان ترتیب را

برای رفع نواقص اساسی مسئله زراعت پیش گرفت نمیکوید باید زراعت تریاک دقیقاً از بین برد بنده اول بگویم که خودم این نظر را مخصوصاً در اولی در این پیشنهاد عقیده را ذکر نکردم.  
 این پیشنهاد یک رای قطعی نیست که زراعت تریاک را فردا موقوف کرد بنظر بنده یک مسائلی که از نقطه نظر امور اقتصادی مملکت قابل توجه و اهمیت است دو قسم در این مسائل میشمارم کرد یکی اینکه بنده خودم و چند نفر دیگر بیاییم وبدون مراجعه بدفاتر و ارقام احصائیهائی (بهمان اصطلاحی که آنروز عرض کردم) همین طور در بی بینیم و اظهار عقیده کنیم و بگوئیم مثلاً زراعت تریاک را موقوف کنیم خوبست یا اینکه بد است یا در باب خالصجات فلان نظر را باید داشت نظر فروش را داشت یا نظر نگاهداری را یک قسم دیگر که پارامانهای دیگر مردم دیگر آنهاست که تجربه دارند در این قضایا رفتار کرده اند.  
 اینست که میآیند دولتشان را دعوت میکنند و ما مور میکنند که در فلان قضیه همین مثلاً اگر مملکت ما راه آهن داشت در قضیه راه آهن حالا که نداریم آنها کار دارند اینطور میکنند دولت را ما مور میکنند باینکه سعی کند دقت نماید تحقیقات بعمل آورد اطلاعات جمع آوری کند از روی ارقام احصائیهائی بییند راه آهن فلان نقطه را دولت امتیاز بدهد بکشند بهتر است یا فلان نقطه را بخرند و اداره کنند صرفه دارد و بالاخره از برای اینکه تمام اطلاعات بیک راجع بیک موضوع لازمست جمع شود و از روی اطلاع صحیح برای داده شود درست است که ما ماورت داریم باینکه دور بگردیم بشینیم و با فکر ساده قضایا را حل بکنیم و همیشه ما با استدلالات منطقی میتوانیم به نتایجی برسیم ولی در امور اقتصادی گمان میکنم که اگر از روی اطلاعات کار شود بهتر است و چون در اینگونه امور بدون اطلاعاتی که مستند بواقع باشد حکم کردن آنطوریکه باید ممکن نیست و آن اطلاعات هم برای هر کسی دست نمیدهد بکنفر با چانه نزن نمیتوانند در امور اقتصادی اظهار عقیده بکنند.  
 اگر مملکت ما طوری بود که در هر یک از موضوعهای اقتصادی کتابهائی نوشته شده بود و اطلاعات بیکه برای هر یک از فقرات لازم است از روی احصائیهائی در ادارات بود و بالاخره بنده و جنابهائی میتوانستیم آن کتابها رجوع کنیم و از روی آنها مدارکی جمع کنیم میتوانستیم عقاید منظم علمی پیدا کنیم ولی چون این وسائل نیست و باید این اطلاعات را در دست داشت تحصیل کرد بنده تصور کردم که ضروری ندارد بدولت پیشنهاد کنم اطلاعات برای ما تهیه کند میفرماید خیلی کلی است

این کلی راشما یک مرتبه رای میدهند میرود با ادارات دولتی و در مسائلی که در آن پیشنهاد اظهار شده است تحقیقاتی می کنند.  
 رابرتهای میدهند رابرت که اینجا آمد میرود بکبسیون که معین شده است برای مسائل اقتصادی آن کبسیون هم موافقت میکنند و اطلاعات کسب میکنند آنوقت رابرت مفصل جامعی راجع به هر دو موضوع آن تهیه و مطبوع میشود آنوقت شما هر وقت خواستید اظهار عقیده کنید با دلایل منطقی صرف اظهار نخواهید کرد و دلایل شما مستند با اطلاعات علمی هم هست و بالاخره از روی آن میتوان بداند بداند خالصه را نگاهداریم بهتر است یا بفروشیم بنده نمیخواهم وارد جزئیات پیشنهاد شوم.  
 زیرا وقت زیادی خواهد و گمان نمیکنم مجلس اجازه بدهد الا اینکه آقا راجع به قسمت تریاک اظهاراتی کردند و اشاره هم بخالصه نمودند در صورتی که بنده در پیشنهاد اظهار عقیده نکردم بودم حالا ناچار راجع به این دو قسمت تذکر مختصری میدهم.  
 آنچه که راجع تریاک فرمودند نقض غرض است راست است که یک قسمت از عایدات این مملکت از بین میرود و گمان میکنم آقایان دیگر هم هستند که مخالفند و در خارج هم خودشان را جز مخالفین ثبت کرده اند.  
 چون موضوع همانطور که آقا گفتند در نظر اول بنظر مهم میآید و همچو تصور میشود که اگر زراعت تریاک از این مملکت برود حال مردم این مملکت از اینکه هست بدتر خواهد شد و عقیده من این است که اینطور نیست.  
 باز هم عرض میکنم پیشنهاد بنده این نیست که از بین برود ولی بنده میل دارم که عقیده خود را عرض کنم.  
 عقیده بنده این است که تریاک برای این مملکت ضرر است.  
 کلارونی - تریاک کشی را منع کنید.  
 داور - بنده عرضم را میکنم ممکن است جنابهائی هم بعد دلایل تان را بفرمائید.  
 آقا میل دارید در اینگونه صحبتها سبقت بفرمائید و از آن نقطه نظر تجارتی مخالف بنده هم شمارا میشناسم لکن در وسط صحبت بنده ضرورت نیست صحبت بکنید ما هم در وسط صحبت شما حرف نمی زنیم بعد بیاید اینجا هر چه بگوئید زراعت تریاک اگر از یک طرف از عایدات مملکت است از طرف دیگر سم قانون است شما با وجود اینکه تریاک دارید نمیتوانید جلو گیری کنید که تریاک کشیده نشود یعنی با وجود داشتن تریاک جلو گیری از

کشدین آن از مسائلی است که باید فقط حرفش را زد.  
 نباید خودمان را گول بزینم تشکیل اداراتی که از کشیدن تریاک جلو گیری کند مادام که تریاک زراعت میشود بی نتیجه است فقط از نقطه نظر مالیاتی شاید عوایدی برای دولت درست کند و به بهانه اینکه میخواهیم تریاک را منع کنیم عواید مالیاتی تهیه بشود و تریاک در این مملکت تریاک کش میآورد شاید شما باین مسئله اهمیت نمیدید و این را کوچک میدانید ولی ملتی که یک قسمت اعظمش شیرة و تریاک است روح و جان و اراده ندارد اگر این ملت را میخواهید به بین طور نگاهدارید امید سعادت را باید در خاک کرد.  
 زراعت تریاک چیزی است که تمام مقام دارد چیزی است که میشود زراعت های دیگر جای آن گذاشت از قبیل زراعت توتون و غیره این مسائل هم مطالعه شده بنده چون در اینگونه مسائل قدری تند هستم عقیده دارم که در فاصله مدت کمی و بلکه دفعه اینکار بشود ولی اگر دفعه میشود ممکن است در مدت بیشتری سال بسال شما این زراعت را در این مملکت کم کنید و جانشین آنرا از زراعت های دیگری درست کنید که صحیح باشد و بالاخره ما که وجود این آقایان آنروزیکه اطلاعات جامع تری آمد آنروز عقیده پیدا کردند که خیر حتماً و قطعاً باید تریاک زراعت بشود (و بعد ادارت هم درست بشود برای اینکه جلو گیری بکنیم از کشیدن تریاک و آنوقت نتیجه اش این میشود که آن اداره شیء درست بکنند و بزود برسد بفروشد) و برین هم غلبه کردند چون از روی اطلاع رای داده شده است یک چیزی است و اگر بالاخره شما نتوانستید در این مملکت این عقیده را امروز بیش برید و نادمه سال دیگر هم بیش برید آنوقت باید از نجات این ملت مأیوس شد و باید گذاشت همه مردم شیرة بشوند برای اینکه صادرات این مملکت زیاد بشود.  
 موضوع دیگر مسئله خالصجات است فرمودند در تمام دنیا سعی میکنند که چیز های عمومی داشته باشند بنده در هر صورت نمیخواهم صحبتی بکنم که شیء بشود باین که بهانه بدست آمده که مملکت خود را بگویم.  
 بنده نظرم این نیست که امروز می بکنم در چیزی که پنجاه سال دیگر تازه این مملکت برای آن حاضر میشود و سعی بکنم در تربیانی که مدتها از مردم این مملکت وقت خودشان را صرف آن میکنند و آن ترتیبات را در نظر میگیرند.  
 بنده باین معتقد نیستم و بنابراین از نقطه نظر اعتقادی صرف در این قضیه نگاه میکنم.

بنده دولت را اینها يك مالك مي بينم و چون اساساً عقیده دارم بانکه دولت مالك بدی است ميگویم فکر كنيم چه طرزى اين امر اداره شود بهتر است.

بنده ميگویم بايد مطالعه كرد و بعضی مسائل را بالاخره روشن كرد.

روشن كردن آنهم ممكن نيست مگر اينكه رايتهای جمعی در اين خصوص داشته باشيم كه خود دولت اداره بكند بهتر است يا برزديگر بهتر است؟ تجزيه بكند.

بخورده مالك تسليم كند.

بنده نميدانم هر شكلی كه آن راپيرت آمد بعد ما هم فكر ميكنيم مطالعه ميكنيم و اظهار عقیده ميكنيم.

عجالتاً بايد وحشت داشت زير اينكه بيشتهاد نميكنم كه فروخته شود يا بفلان ترتيب اداره شود.

بنده عرض ميكنم تمام حرفهائی كه زده ميشود بالاخره راجع باین خواهد شد كه صلی نيست خوب چه خواهد شد بنده چه ميخواهم و از آقایان نمايندگان چه تقاضا دارم.

بنده فقط تقاضا ميكنم مثل تمام حرفهها و رايتهائی كه داده ميشود بالاخره بجائی نرسد اين يكي را هم شما بيايد و لواييكه وقت تلف ميشود دولت را مأمور كنيد براي اينكار اطلاعات جمع كند چه ضرری خواهد داشت چهار ساعت حرف بزيم در اينكه وقت تلف خواهد شد؟ كمتر حرف بزيم و زودتر هم راي بنده امروز پيش ترقت يك روز ديگر پيش ميرود.

امروز نتيجه نداد بالاخره پنجاه سال ديگر نتيجه ميرسد.

اين بود عرض بنده بيش از اين نميخواهم مذاكره كنم.

**جمعی از نمايندگان - مذاكرات كافی است.**

**رئيس - كافی است؟**

**شريعتمدار دامغانی - خير كافی نيست.**

**رئيس - آقای دامغانی (اجازه)**

**شريعتمدار دامغانی - اساساً اين بيشتهاد آقای داور يك كلياتی است و علاوه بر اينكه حالا در موادش نيشود موافقت يا مخالفت كرد تقريباً بمطالعه شيبه تراست تا بيشتهاد**

زيرا هميشه بطور ترويج بيشتهاد شده است.

مثلاً بيشتهاد ميشود كه اگر قسمتی از خالصجات را بفروشيم بهتر است يا خير.

بيشتهاد ميشود كه تسطیح و تملكداري طرق بوسيله دولت بهتر است يا بتوسط شركتهای تجارتي مخارج تسطیح نگاهداري

طرق مهمه.

نقشه تبديل وسائل نقلیه عملي با تومبيلهای بار كش.

با اينكه دولت خالصجات را بفروشد بهتر است يا خير.

اگر صلاح در فروش خالصجات است چه طور بايد فروخته شود.

اينها تقريباً بمطالعه شيبه تراست تا هيچ صورت بيشتهادی ندارد زيرا بيشتهاد بايد بكمصورت عملي داشته باشد و مطالعه در اطرافش شده باشد و آنوقت بطور قطعی يك تكري را يكتفري بگيرد و بيشتهاد كند.

والا بطور ترويج بيشتهاد كردن صحيح نيست و بنده اصلاً نميدانم كه بايد موافقت كرد يا مخالفت.

زيرا بطور نفی و اثبات است و حالا مجاس چه بايد بكند و چه طور بايد راي داد؟

اگر راي بنده بايد مخالف بود يا موافق و اين هر چه هست مطالعه هست و من گمان ميكنم تصور موافقت يا مخالفت نشود كرد.

پس خوب بود ايشان يك قسمي از اقسام را از اين بهلوا و از اين نفی و اثبات اخذ ميكنند و بطور قطعی بيشتهاد می كردند آنوقت درش مطالعه می شد و مجلس هم با موافقت يا مخالفت يا بقبول توجه بودند راي ميباد و اينكه در ماده ۲ نوشته است:

(اول مختلفه كه فملادر نقاط مختلفه ايران سهم مالك و رعيت را تعيين ميكنند. كدام يك از آن اصول بيشتهاد كليات تعيين دارد؟)

بنده تصور می كنم كه معامله رعيت و ارباب بهترين است همان معامله مزاريه مرضی الطرفين است و اين قسم هم قابل هيچگونه مطالعه وقتي نيست.

زيرا طرفين هر طور يكي رضائشان حاصل شد (يعنی خمس يا سدس بدهند همانطور رفتار می كنند).

چنانكه فلامم در ملكت مجري است و وسيله تشويق طرفين هم هست و براي رغبت بكار هم همان قسم مرضی الطرفين مؤثر تر است.

يكی هم راجع زراعت تريك است و بنده معقم مادامی كه درد موجود است دوا را نيشود منع كرد.

مادامی كه تريك در اين ملكت بيرون برد و اگر بنا بر اين قاعده تريك را بايد كشت البته يك مرتبه كه نيشود كشت بايستی تريك را اول معامله كرد. آنوقت زراعت تريك را ترك كرد و الا پنج هزار نفوس تريك را نيشود بعرض تلف انداخت و نتيجه اين می شود كه بر واردات ما افزوده شود و تريك از چين و هندوستان بياورند

ويك مبالغه كرافي بفروشنه و اينكه می فرمايند تريك ترياكي زياد ميكنند. اين را بنده گمان ميكنم اساساً اشتباه است.

اصلاً تريك تريك را جلب می كند و اگر هم زراعت تريك را ترك كنيم.

آنوقت البته بايد از جاهای ديگر بياورند و فايده اش را هم ديگران بيارند و اين هم يك دردی می شود بالای دردها.

وبك واردی می شود بالای همه واردها.

پس اول بايد تريكها را معامله كرد كه تريك از شرشان بيقند آنوقت زراعت تريك را قذف كرد.

اين بيشتهاد از نقطه نظر عمومی و خيلي بوقوع است ولي قدغن كردن تريك از دو حال خارج نيست يا بايد تريك را از خارج وارد كرد يا بايد تريكها را بزير بردند.

علی حال بنده اصلاً نميدانم در اطراف اين بيشتهاد بايد اظهار موافقت كرد يا مخالفت.

برای اينكه تمام مواد اين بيشتهاد بطور ترويج است و مفادش هم مبني بر اين است كه آيا بايد اينطور كرد يا آنطور و در هر صورت عقیده بنده اينست كه دولت بايد بطور تعقيب و همتی يك بيشتهادی بكنند تا در اطرافش مطالعه می شود.

(بعضی گفتند - مذاكرات كافی است - بعضی ميگفتند - كافی نيست)

**رئيس - راي گرفته ميشود بگفايت مذاكرات - آقایانی كه مذاكرات را كافی می دانند قیام فرمائيد.**

(اغلب قیام نمودند)

**رئيس - اكثريت است.**

دو فقره بيشتهاد رسیده است يكي از طرف آقای ضياء الواعظين و يكي هم از طرف آقای محمد ولي ميرزا ولي تكليف بيشتهاد بر مطلب هنوز معلوم نشده است.

**رأي ميگيريم بخود بيشتهاد آقای ضياء الواعظين - نمی شود رأي گرفت.**

**رئيس - چه فرموديد آقای ضياء الواعظين. بنده ميخواهم عرض كنم كه در اين موضوع آيا می شود راي گرفت يا خير؟**

برای اينكه نه طرح است نه لايحه بلكه يك مطلبی است كه موافق جريان خودش بشبه رفته و بمجلس برگشته و مورد مذاكره آقایان البته بهمين طريقي كه رضائت آقایان است دال بر اينست كه بايد بطلت تذكره داد و دعوت كرد براي مذاكره در اين موضوع و بنده گمان ميكنم كه مذاكره در اين امر كافی باشد و بنده بيشتهاد كردم كه اصلاً اين بيشتهاد برود بآن كه سيون شش فقری كه آقای دولت آبادی چند روز قبل بيشتهاد كردند و مجلس هم تصويب كرد زيرا اساساً كميسيون راجع بومين

استغای ايشان

**سردار فاخر -** اداره تقنينيه نوشته اند بكميسيون رئيس - آقای رئيس كميسيون مطلع باشند

**مدرس -** بنده كه اطلاعی ندارم شفاهاً اظهار می كردند وليكن كتبیاً اطلاعی ندارم

**رئيس -** پس سه نفر بايد باشند انتخابات از حالا شروع ميشود.

**آقای حاج ميرزا عبدالوهاب (اجازه)**

**حاج ميرزا عبدالوهاب -** بنده چون ششده بودم كه آقای حائريزاده استفتاء داده بودند خواستم عرض كنم كه عده كسری پنج نفرند.

چون مطابق آن قانونی كه از مجلس گذشت آقای صدر الاسلام مستعفی هستند و عرض ايشان بايد معين شود

**رئيس - آقای صوت السلطنه (اجازه)**

**صوت السلطنه -** خواستم عرض كنم بنده هم از كميسيون داخله استعفا ميقدم مقرر فرمائيد سه نفر انتخاب كنند

**رئيس - آقای سردار فاخر (اجازه)**

**سردار فاخر -** آقای صدر الاسلام مستعفی نيستند برای اينكه تا بيستم ميزان مرخصی داشتند از بيست و سوم ميزان يك جلسه كميسيون تشكيل شد بعد بواسطه اينكه عده ای از اعضا اين كميسيون استعفاء دادند ديگر اكثريت پيدا نكرد و تشكيل نشد.

اگر دو جلسه با سه جلسه متوالی كميسيون تشكيل ميشد و ايشان بدون عذر موجه غائب بودند مستعفی بودند.

ولي نه كميسيون تشكيل شده و اينكه معلوم است ايشان عذر موجه نداشته باشند بنا بر اين عقیده بنده ايشان بصورت خودشان باقی هستند

**رئيس -** از طرف اداره مباشرت راجع بعذر موجه بيشتهادی خواهد شد وقتی كه آن بيشتهاد آمد و اين قبيل تضاييا را روشن كردند تكليف ايشان هم معين خواهد شد.

عجالتاً باز كسری كميسيون ها را عرض می كنم.

كميسيون نفت سه نفر كسری دارد عدليه يك نفر نظام يك نفر معارف دو نفر داخله هم دو نفر

**آقای شيرواني و آقای سيد يعقوب هم بايد تشریف ببرند بيرون برای استخراج آراء - آقای سردار فاخر (اجازه)**

**سردار فاخر -** گویا كسری كميسيون نفت چهار نفر باشد برای اينكه آقای حائري زاده هم مطابق شرحی كه نوشته بودند استعفاء داده اند.

**رئيس -** بنده كه اطلاع ندارم از

(شرح ذيل قرائت شد)

تبصره - راجع به نقشه های تركيبی شيبه بيرقهای مختلفه ايران كه قبل از تصويب اين قانون استعمال شده است در صورتيكه تا پنج ماه پس از تصويب اين قانون بنبت برسد اجازه داده خواهد شد

**رئيس -** مخالفي ندارد؟ ( اظهاری نشد )

**رئيس -** پنجاه يك سال بايد خوانده شود.

**رأي ميگيريم تبصره مساده اول با تبديل پنجاه به يكسال**

**عده برای رأي كافی نيست (پس از چند دقيقه چند نفر از نمايندگان وارد شدند)**

**رئيس -** رأي گرفته می شود تبصره ماده اول با تبديل پنجاه به يكسال

**آقایانيكه تصويب ميكنند قیام فرمائيد.**

( اكثر قیام نمودند )

**رئيس -** تصويب شد

ماده هشت قرائت ميشود

ماده هشتم - در صورتيكه دارنده علامتی بخواهد علامت خود را بديگري انتقال دهد بايد بموجب اظهارنامه مراتب را با اطلاع وزارت تجارت رسانيده نام و نشان شخص جديد را ذكر و اجازه مخصوصی تعصيل نمايند.

انتقال مزبور در ظهر ورقه صورت مجلس مذكوره در ماده پنج قيد خواهد شد.

**رئيس -** مخالفي ندارد؟ ( گفته شد خير )

**رئيس -** رأي گرفته ميشود

موافقتين ماده هشت قیام فرمائيد

( اكثر قیام نمودند )

**رئيس -** تصويب شد.

ماده هفدهم (بعضون ذيل قرائت شد)

ماده هفدهم - وزارت تجارت علامت صنعتی و تجارتي اجازه داده شده و معلومات لازم و اعلانات واحكام قضائی راجع بآنها و بملاده قوانين و نظامات و هود و غيره مربوط بعلامات صنعتی و تجارتي را در قسمت مخصوص از مجله تجارت و فلاحه بطبع رسانيده انتشار خواهد داد.

تبصره - طبع و انتشار علامت صنعتی و تجارتي تصويب شده نبايد پيش از مدت شش ماه بتأخير بيقند.

**رئيس -** رأي گرفته ميشود ماده ۱۷ آقایان واقفين قیام فرمائيد.

( اكثر برخاستند )

**رئيس -** تصويب شد.

شور دوم هم تمام شد حال مذاكرات راجع بگليات است.

**آقای ياسانی (اجازه)**

ياسانی - بنده با اين قانون موافقت و مخالفتي نداوم الا اينكه با قسمت اختياری بودنش مخالفم.

قوانینی كه از مجلس شورای ملی ميگذرد بايد مجري شود بالاخره.

**رئيس -** آقا تأمل بفرمائيد.

**آقای مغير كميسيون** تمام مواد مر جوعه را راپيرت داده اند يا فقط دو سه فقره را؟

و هندا مغير - سؤال را ملتفت نشدم.

**رئيس -** مواد يكه مراجعه شده بود بكميسيون يك و ۳ و هشت و دوازده و هفده بود تمامش را راپيرت داده اند يا فقط سه ماده را؟

مغير - بقيه قابل توجه نشد و بهمان ترتیبی كه در شور اول دوم تصويب شده بود باقی خواهد بود.

چون بيشتهادات در اينخصوص زياد داده شده بود.

**رئيس** ميبايستی نوشته شود كه كميسيون قبول نكرده است.

ماده سوم مطرح است.

(شرح ذيل قرائت شد)

ماده سوم - هر تاجر و يا صنعتگر كه بخواهد علامتی را بخود تخصيص دهد بايد شصت و يا بوسيله وكيل ثابت الوكاله خود نقشه علامت مزبوره را با اندازه حقيقي در ۳ نسخه با امضاء و مهر خودش باضمام يك قطعه كلشيه آن علامت و اظهارنامه متضمن جنس و نوع و طرح علامت و اسامی و اوصاف اجناس كه علامت روی آنها بكار خواهد رفت بوزارت تجارت تقديم نمايد.

اندازه علامت در هر حال نبايد از يك شتر ذرع مربع زياد تر باشد.

تبصره (۱) - علامتيكه سابقاً معمول بوده اند هر گاه از يك عشر ذرع هم متجاوز باشند با رعایت ماده (۷) پذيرفته ميشوند.

تبصره (۲) - نسبت باجناس جديدی كه در اظهارنامه ذكری از آنها نشده است صاحب علامت در صورتی ميتواند علامت خود را استعمال نمايد كه بموجب اظهارنامه جداگانه متضمن اسامی و اوصاف اجناس مزبوره مراتب با اطلاع وزارت تجارت رسانيده و اجازه تعصيل كند.

**رئيس -** آقای شريت زاده (اجازه)

شريت زاده - بنده خواستم تذكر بدم بآقایان كه وضع اين قانون يك وظيفه سنگینی است چون قانون علامت صنعتی مكرر رفته است بكميسيون و راه نهای مختلفه داده شده است از اين نقطه نظر ارتباطات از دست رفته است اگر ممكن باشد آقایان نمايندگان اجازه بدهند راجع بتغييراتی كه در آن شده است مواد در كميسيون تنظيم شود بعد داخل در مذاكره شويم.

**رئيس -** اگر مقصود اينست كه از دستور خارج شود بايد بيشتهاد كنيد.

مغير - در اين قسمت بيشتهاداتی كه رسیده بود مطابق همان راپيرتيكه اخيراً داده شده اگر آقای شريت زاده توجه بفرمائيد خواهندديد كه دو سه موادی كه درش بيشتهاد شده بود آنهايی كه بيشتهادهاى راجع بآن قابل توجه شده است راپيرت داده شده با مراجعه باصل راپيرت دوم كه برای شور دوم داده شده بود و آنهايی كه بيشتهادش قابل توجه نشده است راپيرت هم داده شده و نوشته شده.

بقيد سوار همان است كه در شور دوم بتصويب نمايندگان رسیده حالا ميفرمائيد از دستور خارج شود.

بقيده بنده نبايد اين قانون را برای دوماده اينقدر معتدل كنند و تمام قانونی كه تدوين شده بواسطه يك موضوع جزئی بعهده تأخير بيقند.

**رئيس -** آقای تدين بيشتهاد کرده اند كه اين لايحه از دستور امروز خارج شرد.

بعضی از نمايندگان - صحيح است.

**رئيس -** آقایان وقتی بر كشتند راي ميگيريم.

آقایانيكه تشریف بپيرند برای انتخاب دو نفر دو نفر بروند بهتر است.

(خطاب بآقای سردار فاخر) آقایان شريف تبريد تا آقایان تشریف بياورند.

**رأي ميگيريم بيشتهاد آقای تدين** برای خارج كردن لايحه علامت صنعتی از دستور امروز.

آقایانيكه تصويب ميكنند قیام فرمائيد.

( اكثر برخاستند )

تصويب شد.

**آقای عراقی** از وزارت پست و تلگراف گویا سؤالی داشته.

حاج آقا اسمعیل عراقی - سؤال بنده راجع بود بخسارتيكه متوجه اسدالله خان كردستانی شده است راجع بتغييرهای هر خيام خواستم ببينم وزارت پست و تلگراف در اين باب چه اقداماتی کرده اند كه رفع آن عسارت بشود؟

معاون وزارت پست و تلگراف - در موقع كودتا اسدالله خان كردستانی تقاضای بكسوع رفتاری كرد.

كازرونی - سورشارژ یعنی چه معاون وزارت پست و تلگراف - سورشارژ یعنی يك مهربی درست ميكنند و روی تبرميزند.

چون امتياز تبرتاج كگذاری را داشت تقاضا كرد كه ده هزار سری از تبرتاج كگذاری سورشارژ بشود بتاريخ روز كودتا یعنی روزيكه كودتا شده (روز ۲۴ حوت) رئيس الوزراء وقت هم اجازه دادند.

بعد از آنكه آقای سيد ضياء الدين رئيس الوزراء منصل شدند آقای قوام السلطنه كه رئيس الوزراء شدند مخالف بودند با اين تاريخ و عقیده شان اين بود كه اين

تاریخ نیاستی بماند يك مقداری از این تمبرها منتشر شده بود در داخله ایران ولی بخارج فرستاده بود چون تمبروقتی پیدا میکند که درجریان گذاشته شود یعنی هم بخارج به بدترین المالی برن برود که تقسیم بممالک متحده بشود وهم در ایران درجریان بیفتد آنوقت رسمیت پیدا میکند والا تمبری که بجریان نیفتد رسمیت پیدا نمیکند.

قدغن کردند که این تمبرو این سورشازز موقوف بود. تمام این تمبررا آنچه که در دستخانه بود درجه گذارند من ومیوتورا مأمور کردند که بروم آنرا مهر کنیم رقیم و مهر کردیم بعد از چندی که بنده دیگر در وزارت پست وتلگراف نبودم يك روزی مرادعوت کردند که بیاید جعبه را که خودتان مهر کرده اید باز کنید. جمعی را دعوت کرده بودند.

رئیس پست وقت بودند وزیر وقت آقای وحیدالملک بودند. کنل گری بودو جماعتی دیگر بنده را هم دعوت کرده بودند دان جعبه را بحضور ما باز کردند که ببینیم ههرا است یا خیر.

درست هم بود. بعد يك آتش درست کردند و این تمبرها را آتش زدند. فقط سیصد سری از تمبرها را بخودشان برد کردند بقیه را آتش زدند وعکس آنها هم افتاده است.

اسدالله خان کردستان را در نتیجه این اقدام ادعای خسارت کرد که شمایک تمبری را که دولت وقت بمن داده ومسکن بود از این راه يك نفی بمن برسد( حالا دولت وقت خوب کرد. یا بد بن من مربوط نیست)

آتش زدیم من خسارتم را میخواهم ودر عوض این تمبر يك تصویب نامه از طرف ریاست وزراء وقت که آقای قوام السلطنه بودند صادر شد که آقای

اسدالله خان يك عوضی بدهند و او قاضا کرد يك سورشاززی بشود روی تمبرهای شیروخورشید قدیمی که سالها است از جریان افتاده بیاد گاز قرن هشتم عمر خیام که مطابق میشود با هزارونهصد ویست و سه فرنگی را برای این کرده بود که این تمبرها در فرنگستان خوب فروش برود و همین کارا کرد.

اجازه دادند و در تحت يك موادی قراردادی با او کردند که جبران سوزانمن آن تمبرها بشود اسدالله خان کردستانی رفت بفرنگ کلبه را تهیه کرد وسورشازز را درست کرد وده هزار سری تمبر شیر و خورشید را سورشازز کرد وهزار ویاصد سری را فرستاد بطهران و بقیه را خودش نگاهداشت که این مقداری که میفرستد بجریان بگذارند و آنچه را که باید بدفتر بین المللی برن بفرستد بگمقاری هم در ایران جریان پیدا کند تا رسمیت پیدا کند

وقیعت پیدا کند بعد رئیس کل مالمه مخالفت کرد با این ترتیب وگفت این طرز فعلی است ما به پست دولت عرض کردم هیئت دولت تصویب نامه صادر کردند که این عمل علی العجاله موقوف بمسئولان تا بدعای اسدالله خان رسیدگی بشود. مدتی است این تصویب نامه صادر شده یعنی از زمان کابینه رئیس الوزراء حاضر کابینه اولی.

تصویب نامه هم هست ولی وزارت مالمه برای رسیدگی بدعای ایشان حاضر نمیشود وموقع همین نمیکند چون اسدالله خان بوزارت پست و تلگراف بیارود وزارت پست وتلگراف بوزارت مالمه نوشت و يك کپی سیونتی در وزارت پست وتلگراف همین شد وبگفت نماینده هم از طرف وزارت مالمه همین شد و علامرضا خان رئیس تمبر و باندرول هم آمد ولی اظهار کرد که من صلاحیت ندارم و کپی سیونتی را بهم زدو حاضر نشدند که اینکار را خانه بدهند و اسدالله خان هم هر روز ادعای خسارت میکند و مبلغ ادعایش هم خیلی زیاد است میگوید یا تمبر را بمن بدهید یا خسارت و چون هزارونهصد ویست و سه گذشته و حالا هزارونهصد ویست و چهار است اصلا آن اثر هم از این تمبر رفته و اگر مدتی دیگر هم بگذرد اصلا قرن هشتم هم مورد ندارد باستی در خود سال این تمبر بجریان بیفتد باز اگر در هزارونهصد ویست و چهار بجریان مبادا میشد يك صورتی با بدهد وبگوید تا رسیده است بممالک دور دست اینقدر طول کشیده والا تا چند ماه دیگر بگذرد این اثر هم از سلب میشود و او هم ادعای خسارت میکند.

تاریخش این بود که عرض کردم. رئیس آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی- سؤال بنده از وزارت پست وتلگراف راجع بصورت دخل و خرج سنه ماضیه هزار و سیصد و دو بوده همه آقایان میدانند وملاحظه فرموده اند که کسری عایدات وزارت پست وتلگراف تقریباً بالغ است بر چهارصد و چهل و دو هزار تومان و کسری خواستم سؤال کنم از آقای معاون که موجب کسری عایدات باین مبلغ گراف چه بوده؟

در صورتیکه جریان امور اداری پست وتلگراف وحمل ونقل مثل سنوات سابقه این بوده است وشاید مخارجت هم از سنه ماضیه بیشتر بوده است موجب این کسری چیست؟

بلاوه در راپرت رئیس کل مالمه يك اعتراضاتی بوزارت پست وتلگراف شده است وبمقیده بنده يك تمسش را باید مورد نظر قرارداد زیرا ما وقتی که اصول تمبرک عایدات را قائل شدیم دیگر نباید وزراء مخالفت با این نظریه بکنند وباید هوائه را مرتباً بخزانة مالمه تحویل بدهند وبخارج راهم از آنجا بپردازند تمام وزارت خانه ها این اصل موازنه بودجه ازین میروند.

را مجری کرده اند و هوائه را بهزانه تحویل داده اند جز وزارت پست وتلگراف که يك اشکال تراشی هائی میکند. سؤال دوم بنده راجع بمطالبات بگمقاری تجار واشخاص متفرقه است از اداره حمل و نقل که چندین سال است يك اشخاصی مخصوصاً دوحدود سمنان و دامغان مطالباتی دارند و تاکنون وزارت پست وتلگراف تصمیمی نگرفته است.

برای پرداخت مطالبات آنها وجواب مقتضی ندادند است و این مطالبات البته در نتیجه ماملاتی است که ادارات حمل ونقل با اهالی نموده اند و اسدالله خان بگمقاری و همتر که آنها پنج ماه شش ماه آمده خدمت کرده اند و بآنها حقوق داده نشده است از کسری ناچار شده اند و دست از خدمت برداشته اند و رفته اند و در نتیجه آن سرمای که داشته اند از دستشان رفته است در صورتیکه قبوض رسمی دولت هم با امضاء اداره حمل ونقل در دست آنها هست و هر چه استغافه و تنظیم میکنند بمقامات مربوطه و مجلس شورای ملی منتهی بجائی نشده و آقای رئیس الوزراء هم گزارش فرموده اند که ترتیبی برای تأدی این قروض بدهند و تاکنون نتیجه ظاهر نشده.

خواستم از معاون وزارت پست و تلگراف سؤال کنم که در این باب چه تصمیمی گرفته اند؟

آیا در جزء دیون عمومی قروض در بودجه همدساله منظور شده است یا نه؟

وگویا بالغ بر شصت هفتاد هزار تومان میشود آیا تصمیمی اتخاذ کرده اند؟

سؤال سوم بنده راجع بخدمت اجراء قانون استخدام است.

در وزارت پست وتلگراف که گزارش بنده در اینجا عرض کرده ام بعضی از آقایان وزراء هم تکلیب کرده اند در صورتیکه بنده نمیتوانم این تکلیب را تصدیق کنم زیرا همه میدانند که عملاً این قانون دروزارت پست وتلگراف مجری نشده است و کاملاً بر علیه اجراء وزارت پست وتلگراف تمام شده است وعلاوه بر اینکه این قانون را اجراء نکرده اند هیچ در ایست که حقوق تقاعدی آنها را در حد اعلی کسری میکنند و صدی هشت از آنها میگیرند.

قانون را اجراء نکرده اند و آن استفاده هائی را که مأمورین باید از این قانون بکنند نمیکند ولی در مقام کسری حقون تقاعدی و غیر ذلک حد اعلی کسری میشود و هیچیک از مستخدمین آن وزارتخانه درجات حقوق شان مطابق قانون استخدام نیست و گفته میشود که اگر تطبیق بشود بشود درجات و مراتب مأمورین پست و تلگراف با قانون استخدام يك مبلغ هنگفتی بر مخارج اضافه خواهد شد و موازنه بودجه ازین میروند.

بنده عرض میکنم اگر باید تبصیر قائل شد این يك اصلی است ولی اگر ما منکر تبصیر شدیم و گفتیم تمام مأمورین دولت در برابر قانون استخدام مساوی هستند دیگر تبصیر نباید قائل شد و همه از حق خودشان باید استفاده کنند.

یعنی اگر عوائد مملکت کفایت میکنند حقوق بیشتری بمستخدمین بدهند و اگر نمیکند کمتر.

کما اینکه در سه گذشته حقوق درجه اول خدمت را فراداندند سی و دو تومان و از فراری که شنیده ام حالا فراداده اند سی تومان و چندان هم اشکال ندارد این قانون وضع شد برای اینکه اگر یکسال عایدات کسری نکند داشت بآنها حقوق کمتر داده شود.

بهر حال چه مجوزی بنظر می رسد که این قانون دروزارت پست وتلگراف (با اینکه مستخدمینش بیش از سایر ادارات زحمت میکنند) اجراء نشده؟

خواستم سؤال کنم مانع اجرای این قانون در آن وزارتخانه چیست؟

معاون وزارت پست وتلگراف- سؤال اول آقای راجع بعایدات سنه ماضیه بود اگر خاطر مبارکشان باشد در چندی قبیل این سؤال را شاهزاده مقیم فرمودند بنده جواب دادم حالا باز تکرار میکنم صورتی را که رئیس کل مالمه داده اند موافق با واقع نیست.

بعد از آنکه بنده آن روز در مجلس عرض کردم خودشان در نفر نماینده فرستادند دروزارت پست وتلگراف ومدتی رسیدگی کردند ومعلوم شد بنده صحیح عرض کردم عایدات ماضیلی بیشتر از این بوده که ایشان صورت دادند و عنری که داشتند بود که چون راپرت را قبل از اینکه تمام صورتهای آن ولایات برسد وعایدات کاملاً معلوم شود طبق ونشر کردیم باینجهت کسری صورت داده بودیم و بنده صورتش را جزا آورده ام اگر باهت تصدیق باشد یکی یکی عرض میکنم.

تلگرافخانه هشتصد و پنجاه و پنج هزار تومان عایدات در بودجه سنه ماضیه پیش بینی کرده بود و هشتصد و چهار هزار تومان عایدت داشته بلاوه هفتاد و پنج هزار تومان حساب ترمینال تلگرافخانه انگلیس داشته که در سنه ماضیه بحساب آورده بودند ولی در سنه حالیه حساب مفرورغ نشده است تلگرافخانه شصت هزار تومان علاوه بر آنچه صورت داده است عایدات داشته.

در سنه گذشته پست خانه هشتصد و پنجصد و چهارصد و هشتاد و پنج هزار تومان عایدات داشته و در سنه گذشته پست خانه هشتصد و پنجاه و پنج هزار تومان عایدات داشته و در سنه گذشته پست خانه هشتصد و پنجاه و پنج هزار تومان عایدات داشته و در سنه گذشته پست خانه هشتصد و پنجاه و پنج هزار تومان عایدات داشته و در سنه گذشته پست خانه هشتصد و پنجاه و پنج هزار تومان عایدات داشته.

برای اینکه در صورت عایدات اگر ملاحظه فرمائید يك قلم ملاحظه اضافه تا کس را کرده است. در دوه چهارم از طرف وزارت پست و

تلگراف پیشنهاد شد بمجلس شورای ملی برای اضافه تا کس که تا کس پست را زیاد تر کنند و سیصد دینار راده شاهی کنند و بهمن ترتیب سفارش هاو غیره در اولی تصویب نشده.

وزارت پست و تلگراف وقتی بودجه سنه ماضیه را میدهد بصورت اینکه آن پیشنهاد تصویب خواهد شد يك مبلغی هم برای خرج این مسئله پیش بینی کرده بود ولی تصویب نشد پس آن جزء عایدات نیست و از عایدات کسر میشود.

يك مبلغی هم برای راه روسیه که اگر راه روسیه باز میشد کلی ستال ومحمولات پستی که از آن راه میآمد بک مایه اتی داشت آنها شد.

پس هشتاد هزار تومان کسری اداره پست برای این دو قلم است و اگر این دو قلم میرسد بیش از هشتاد هزار تومان میشود و حالا باید آن قلم را موضوع بفرمائید.

در بودجه اداره حمل و نقل چهارصد و شصت هزار تومان هایدی مینویسد اما اگر مراجعه بجریانش بقرمانید شصت هزار تومان پولی است که میخواست دستی از اداره پست بگیرد.

یعنی اداره پست ماهی پنج هزار تومان با اداره حمل و نقل کمک کند.

اناره مالمه رد کرد که این عایدات معنی ندارد از این جیب بآن جیب است که شصت هزار تومان اداره پست بخازد و حمل و نقل بدهد و اداره حمل نقل این را جزء هایدی بنویسد.

پس این شصت هزار تومان موضوع نداشت میان چهارصد هزار تومان در مقابل چهارصد هزار تومان دو پست و شصت هزار تومان هایدی داشته و صد و چهل هزار تومان کسری برای این است که اداره حمل و نقل پارسال از اول تا آخر سال سه چهارچوب بودجه داشت.

اول سال گفته سیصد و سی هزار تومان بعد سیصد و ده هزار تومان بعد در عقب گفته سیصد و هشت هزار تومان بالاخره در برج داوآده مالمه مینویسد دو پست و نودوشش هزار تومان دردمت ده ماه این اداره تکلیفش همین نبوده در ماه یازدهم سال مینویسند دو پست ونودوشش هزار تومان پس اداره حمل و نقل مجبور بوده است بگفتندری جرح و تعدیل بکنند و باید اقداماتی بکنند اقداماتش هم این بوده که يك مقدار از اسب و اثاثیاتش برای تعادل بودجه کسر کرد.

باین تناسب از عایدات او کسر شد بالاخره صد و چهل هزار تومان از عایدات حمل و نقل بواسطه این بی ترتیبی کسر شده و اداره حمل و نقل هم باین ترتیبی که پیش میروند هر سال عایداتش کمتر و روز بروز بدتر میشود.

برای اینکه آنوقت که اداره حمل و نقل يك عایداتی داشت راه خاتمه اتومبیل نداشت. ولی حالا که اتومبیل دارد البته کسی اتومبیل را نیکندارد بپایه سوار گاری بشود ودولت در نظر دارد که راه خاتمه را بکنی موقوف کند و کسرات بدهد و فقط بماند راه خراسان و این عایدی هم از راه خراسان است پس اداره حمل و نقل صد و چهل هزار تومان باین حساب کسر داشته وهم کمتر نشود چون حمل و نقل با گاری بعد از این کمتر خواهد شد.

و یکی هم فرمودید تسلیم عایدات بخزانة اولا دوسه مرتبه در سنه ماضیه این کار مکرر شد و بمعلوم شد که زحمت زیاد دارد و باید عایدات در اداره مصرف شود.

وزارت پست و تلگراف غیر از سایر وزارتخانه ها و ادارات است اداره پست را نمیشود دیر حقوق داد.

اداره که تلگرافچی باید شصت تصبیح کار کند (با اینکه حقوق کمتر دارد در نقطه دور با نزدیک است)

البته تصدیق میفرمائید که نمیشود گفت خودت هایدی را وصول کن و حقوق ترا هم بامام بشمار بگیر.

يك اداره که دو هزار اسب دارند می شود بآنها هلین نداد باید با اسب هلین بدهد قانون و بودجه این چیزها هم سرش نمیشود باید گفت هلن را بگیر و بخور ۷ ماه است از برج نور تا بهال که بوزارت پست وتلگراف هلین ندادند.

وزارتخانه که تا حالا ۷ ماه است با هلین داده نشده است ناچار باید پول بدهد و هلین بخرد.

زیرا اگر اسب عین بخورد روز دو ماه لافر میشود روز سوم میبیرد و این عملی نیست اگر بودجه پست وتلگراف را امام پناه نقد دادند و آنوقت آنها يك دینار از عایدات دست زنده البته مسئولند باینکه بگویند اگر اسب مرد مسئول نیستند یا اگر تلگرافچی کار نکرد مسئول نیستند.

تلگرافخانه يك اداره ایست فنی و مهم. آقای مدرس که آن روز فرمودند که امتیه تشون و نظریه را باید ملاحظه کرد.

بنده عرض میکنم تلگرافچی است که رابط بین تشون و امتیه نظریه است اگر این رابط نباشد تمام این روابط بهم میخورد.

در مملکت ایران راه آهن و ترتیبیات و تأسیسات جدید منظمی نیست فقط منحصر بیک تلگرافخانه است.

الان که عایدات دست نمیشود باید جواسیرا دادا اگر نباید داد و طور دیگری است بنده هلم نمیرسد. یکی هم فرمودند در راپرت رئیس مالمه راجع بمخارج وزارت پست وتلگراف نوشته است بنده در هفت ماه پیش این مسئله را تکلیب کردم بواسطه خود ایشان خواهش کردم که خودتان تکلیب بکنید و اگر تکلیب نکنید بنده خودم تکلیب خواهم کرد.

اینکه نوشته اند يك میلیون و هشتصد و پنجاه هزار تومان خرج کرده ایم بنده تکلیب میکنم و عرض میکنم از مبلغی که برای سنه ماضیه تصویب شده است هیچ تجاوز نکردیم ایم بلکه کمتر هم خرج کرده ایم و خرجها هم که در سال یکدفعه باید بشود ماهیانه نیست آنها هم نشده مثل تعمیرات گذشته است و موقت هم میگردد.

بنده این راپرتها را تکلیب میکنم و بخودشانم رسانا نوشته ام. فرمایش دیگر ایشان راجع بمطالبات حمل و نقل بود.

مطالبات حمل و نقل دولتی صحیح است از سنوات سابقه مطالبات حمل و نقل مبلغی بود يك قبوضی هم در دست مردم بود و این پیش آمد را هم بنده تصدیق میکنم که خیلی بد شده ولی سابقاً که عایدات در دست وزارت پست و تلگراف بود قروض خودش را مرتباً از عایدات میداد از سال قبل اگر بمسکار میشد از عایدات سال بعد میداد.

ولی حالا نمیتواند اینکار را بکند زیرا ممکن نیست از عایدات تنگ و ژیل بحساب آید تیل بزینم و خلاف قانون است باین جهت وزارت پست و تلگراف معطل ماند.

ولی بامالمه مذاکره کرده ایم اداره مالمه هم جزء دیون دولتی این قروض را آورده.

در چند روز قبل بنده را در کمیسیون هرايش احضار کرده بودند حاضر شدم آنجا مذاکرات خیلی شد و قرار شد يك لایحه بخصوص از طرف وزارت مالمه بتوسل وزارت پست و تلگراف بمجلس تقدیم شود که این قروض حمل و نقل دولتی را از دیون عمومی خارج کنند.

زیرا آنها اقدام زیادی است و مبلغش هم خیلی زیاد است. ممکن است باین زودیا تأدی نشود ولی این خیلی زیاد نیست و طلب کاران هم يك اشخاصی بیچاره مثل سورچی مهتر نعلبند و غیره از این قبیلها هستند.

يك کسی جو داده کاه داده و خیلی هم سخت است که پولش را نگیرد و قبل از اینکه مجلس بشود یکی از آقایان از بنده پرسید عرض کردم این لایحه ممکن است چند روز دیگر تقدیم مجلس شورای ملی شود همینقدر که مجلس تصویب کند باید داده شود.

فرمایش دیگر آقای راجع بود با اجرای قانون استخدام که فرمودند. مقصود از قانون استخدام چیست؟ مقصود رساندن حقوق سنه مستخدمین است بآنهم مطابق اصل.

اگر مقصود اصل است که مرتباً این ترتیب داده شده و تمام حقوقهای که دروزارت پست وتلگراف داده میشود از روی اصل است و الان بودجه که در کمیسیون بوده حاضر است تمام از روی اصل است. سی و دو چهل و دو پنجاه و دو شصت و هفت بوهکذا عین مبلغی است که قانون معین کرده است و خارج از قانون بکسی حقوق داده نمیشود.

ولی همانطور که فرمودید نکته اینجا هست و آن اینست که وزارت پست وتلگراف چون خیلی قدیمی تر از سایر وزارتخانه ها است.

اشخاصی در این وزارتخانه هستند که ۶۰ سال و ۷۰ سال هر دوازده و هفتاد و سه سال هستند و چهل و پنجاه سال است خدمت دارند و خیلی هم اجزای وزارت پست و تلگراف تشکر میکنند.

از این سئوالی که آقای فرمودند و وقتی میشود حقوق حقه آنها را داده که بودجه را محدود نکنند وقتی که محدود میکنند يك اداره را که در تمام ولایات و نقاط مملکت تا سیاست دارد میگویند در روی یک میلیون و نولتصد بودجه بنویسد دیگر بیشتر بشما نمیدهیم ما هم مجبوریم که از آنها بزینم یعنی يك کسی که حق دارد حقوق رئیس اداره را بگیرد باید بگوئیم حقوق مدیر دایره بگیرد همینطور کرده ایم.

در تمام وزارت پست وتلگراف يك مدیر کل بیشتر نیست.

در تمام وزارت پست و تلگراف دو حقوق رئیس اداره بیشتر داده نمیشود یکی رئیس کل پست و یکی رئیس کل تلگراف.

باینکه تمام جاها رؤسا داریم در ایالات خراسان و آذربایجان رؤسای ایالتی داریم رؤسای ایالتی مثل رئیس تلگرافخانه خراسان حقوق مدیر دایره میگیرند و همین نسبت است ما بر مستخدمین.

پس این بواسطه ضیق بودجه است بواسطه نداشتن محل است. خیلی ما محتومیم که يك بودجه باز ما بدهند که حقوق اشخاص از روی رتبه آن ها نوشته شود.

ولی باین جهت نمیتوانیم بدهیم همین بودجه را هم که کم معین کرده ایم اگر بدهند وسخت گیری نکنند همین هشتاد هزار تومان را که بنا بود اضافه بدهند و نه اند باز اگر داده میشد تا درجه مراتب حال مستخدمین بعمل میآمد و ما هم منتون بودیم. سؤال دیگر آقای راجع بمقوق قاضا بود.

محمولی میرزا شیخ الرئیس

رئیس - آقای محمولی میرزا (اجازه)

محمولی میرزا - خواستم عرض کلاهی عواید عوارض ورودی بلی که راپرتش از کمیسیون قوانین مالیه داده شده بودجه دستور جلسه آتی شود

رئیس - گویا هنوز کمیسیون قوانین مالیه جدید راپرت نداده است

محمولی میرزا - همان راپرت کمیسیون قوانین مالیه سابق را بجز در مواردی که در این مورد تغییر کرده قرار بدهند

رئیس - راپرت کمیسیون سابق را نیشود مطرح کرد

آقای سرکشیکزاده (اجازه)

سرکشیکزاده - تلامذهرش ندارم (مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس - مجلس شورای ملی - مؤتمن الملک

منشی - علی اقبال الملک

منشی - معتمد السلطان

جلسه ۷۶

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه دهم عرق رب

۱۳۰۳ مطابق چهارم ربیع الثانی ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت و یک ربع قبل از ظهر ریاست آقای سهام السلطان

نایب رئیس تشکیل گردید صورت مجلس یوم یکشنبه هفتم عرق رب را آقای اقبال الملک قرائت نمودند

نایب رئیس - آقای سولت السلطنه

صولت السلطنه - بنده اجازه داشتم مرا جزء غائبین بی اجازه نوشته اند

نایب رئیس - تحقیق میشود آقای حاج میرزا عبدالوهاب

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم

نایب رئیس - آقای میرزا عبدالله خان

میرزا عبدالله خان - بنده در صورت مجلس عرضی ندارم

نایب رئیس - در صورت مجلس مخالفی نیست

رئیس - اگر وقتی باشد در درجه پنجم راپرت کمیسیون قوانین مالیه راجع به ایالت برعایدت

آقای شریعتدار (اجازه)

شریعتدار - عرضی ندارم

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

صد نفر که اینجامع میشود یک حالت خاصه داریم . یک وضعیاتی داریم . میخواهم تذکر بدهم که ما چه ایم و چه کاره ایم و تکلیفمان چیست نسبت بخودمان و نسبت بوضعیات ملکاتی کاین نمایندگان مایندگان آن مملکت هستند و نکته اینکه باین حال ضعف باین خیال افتادم و حال آنکه چیز تازه نیست شاید مطالبی عرض کنم که همه نمایندگان کلاما ملتفت باشند .

این است که اگر بعد موفقی نشود اداء تکلیف و اداء وظیفه خود را که بکنم از آقایان و از نمایندگان هم عرض کرده باشم .

اصل عرض بنده این است که بعقیده خودم با آقایان تذکر بدهم که این وضعیات حالیه که این مملکت سرتاسرش دارد از صد و پنجاه سال تا به حال همچو وضعیتی نداشته است .

تقریباً از زمان دولت افشاریه تا به حال که امروز باشد مملکت ایران چنین وضعیتی ناکواری نداشته است این مدعا می باشد .

یک عمر هائی این مملکت وسایر قطعات دنیا و نقطه های مختلفه دنیا اداره میشد با ازاده شخصی بکنفر هر قطعه از قطعات دنیا .

یک قطعه نمایم این ایران شایه بود که شما نمایندگان اهالی آن هستید ازاده شخصی در امورات نوعی و امورات اجتماعی حکم فرما بود .

آن اشخاص هم مختلف بودند بعضی اراده قویه داشته . بعضی اراده ضعیف داشته بعضی بیای بودند . بعضی بفکر مردم بودند . بعضی نبودند . اشخاصی مختلف بودند .

لکن هر قسمتی از زمان یک قسمتی از مردم این مملکت خیالشان راحت بود . یکی مقدس بود یک قسمت از مقدسها خیالشان راحت بود . یکی خیلی لالابالی بود یک قسمت از لالابالی ها راحت بودند . یکی عطا داشت یک قسمت از اهل عطارا راحت بودند اینها وضعیات آزادی بود .

وضعیات غیر آزادی اتفافی طبیعی هم بود مثلا گاهی گرانی میشد مثل گرانی هشتاد و هشت یک قسمت از مملکت حاصل عمل آمده بود یک قسمت عمل نیامده بود یک قسمت فقیر بودند یک قسمت نبودند .

یک قسمت راحت بودند یک قسمت نبودند و با و طاعون میآمد یک قسمت راحت بودند یک قسمت نبودند

چنگ هم می شد شرطش این است شاهزاده (مقصودشان سلیمان میرزا بودند) هم گوش بدهند حاج عز الممالک نیکنگذارند

حاج عز الممالک - بنده گوش می دهم .

مدرس - چنگ هم می شد یک قسمت

از مردم نازاحت بودند ولی من شاهزاده از بین آنها عبور میکردم مقصود عرض من این است که شاید شماها از تاریخ ابرش باشید (همینطور هم هست) و بنده یک مسوعاتی داشته باشم .

عقیده من تحت تسوسعات خودم یا آنچه در کتابها من باب اتفاق دیده ام باشد اینست که در صد و پنجاه سال این قرون اخیره هیچوقت وضعی تمام ایران من حیث تمام ایران مثل امروزه ما نبود .

یک گرفتاری خیالی و یک ناراحتی امروز در سرتاسر ایران حکم فرماست غیر از خودم کخیال راحتست

نجات - اینطور نیست بی انصافی میکنید .

مدرس - تقصیر کیست . مگر من میگویم تقصیر کیست که تو حرف بزنی . سرمقصر که آدمیم آنوقت حرف بزنی من مقصر رانگتم حرف نیست عرض کردم یک دفعه قسمتی آسوده بودند یک قسمت دیگر آسوده نبودند .

دهوای من اینست که امروز تمام ایران علی نهج واحد کسی راحتی خیالی و آسایش ندارد و این وضعیات امروزه که در تمام ایران علی نهج واحد هست در این صد و پنجاه سال سابقه ندارد . تاریخ داریم . اوضاع داریم چنگ داریم . این دهوای مستند .

وقتی که من سرمقصر آمدم آنوقت حرف بزیدم . هر چه میخواهید بگوئید صاحبشرا پیدا کنید .

استبداد طول کشید تا بیست سال قبل که با اشخاص منور افکار از داخله مملکت بخیال افتادند که امورات اجتماعی این مملکت از اداره شخصی خارج شود و اراده اجتماعی شود و نسبت باین مسئله هر عاقلی که بدرجه اول عقل باشد تصدیق میکند که اداره کردن امور شخصی با اراده اجتماعی اقوی و افضل است تا اداره کردن امور شخصی با اراده شخصی .

این مسئله از بدیهیات است که اگر من در امورات شخصی خود مشورت کنم و امورات شخصی خود مرا یا مشورت اداره کنم اقوی و افضل است تا با اراده شخصی چه رسد بامور اجتماعی و این مسئله از بدیهیات است استبداد و مشروطه هم اصلا با مناسبت ندارند که بگویند این بهتر است یا آن .

اینکه گفت مشروطه بهتر است یا استبداد اگر منور افکار های خودمان باین خیال افتادند که خوب کردندا اگر هم دست قیچی با این خیالشان انداخت خوب بوده غیر خوب از هر کسی برسد خوب است .

لذا ولو اینکه حقا تغییر وضع بنا فراهم نشدن زمینه وسایب استمداد موجب ضعف است (ان الملوك اذا دخلوا قرية اقدرها وجعلوا امرها لشاؤونه) تغییر وضع با عدم فراهم بودن استمداد اسباب ضعف است و در

ایران هم استمداد و زمینه برای تغییر وضع استبداد و مشروطه فراهم نشده بود ولی از آنجا که جمله اهل ایران که شرقی و بالخصوص مسلمان هستند بر آرامی و برحد و سطوح خارج از افراط و تفریط است از این جهت هم ضرورت کردند باینکه زمینه فراهم نبود و استمداد تدارک نشده بود بواسطه این دو خلق که یکی شرقی بودن است که مقتضی است موافقت و این از خواص آثار شرقی بودن است که ذاتا مودی نیست و یکی عقیده اسلامیت .

باینکه زمینه مشروطه حاضر نشده بود بجهت الله تغییر وضع بر ما ضروری نکرد در این دهه هجده ماده هفده سال یک ممشی حرکت شد و حرکت کردند و بنده بلااستثناء همه مشروطه چه را خوب میدانم یعنی تقصیر نکنند که ضرر بسملکت وارد کنند بلی قدمهائی پیش نرفتند یک خدمت های عالی نکردند .

یک اصلاحات فوق العاده نکردند لیکن الحق و الانصاف ضروری هم در این چندسال بسملکت وارد نکردند .

شاید این عقیده شخصی بنده باشد هر وقت بفکر مرحوم ناصر الدین شاه می افتم طلب مقفون میکنم اما تا سرف میخورم که کاش مرور با بحالت خرابی گذارده بود خاک خراب قابل آبادی است ولی وقتی زمین نیست آبادی را کجا باید کرد .

این هفده سال که مشروطه بود که چه نتوانستیم قدمهای اصلاح خوب برداریم ولی الصداقه زرمه خاک خراب را از دست ندانیم انشاء الله هر وقت رجال مملکت مردمان وطن خواه موفق شدند هر جا هم خاک خراب است آباد میکنند .

در سفر مهاجرت وقتی که دفعه دوم برگشتم از زمین انزهرین آمدم بقصر (بعضی از آقایان که بودند تشریف دارند) تا ماهی دشت جاتی که زیرش بنشینم ندیدیم .

نجات - کی خراب کرد ؟

مدرس - روسها لیکن شاگرد بودیم که خاک خراب باقی است .

حالا همه ساخته شده است . عرض بنده این است که اصولا در این چند سال مشروطه یک خرابی وارد نشده بلکه اصول محفوظ ماند و اگر صد گونه اختلاف داشتیم در اصل و مرام متفق بودیم و گمانم این است که از این جهت هیچکدام از هم دیگر ملات و کمالتی نداشته باشیم و نتوانیم .

حالا ادارات یک قدری در این چند سال یعنی در این ده یا نوزده سال رفت از صورت اراده شخصی مرحوم استبداد باراده اجتماعی در بیاید شکل .

حالا از خود میگویم بنده در زمان استبدادم آخوند بودم تازه آخوند نشده ام بین مراحمه میکردند اگر خوب بودم خوب مراقبه میکردم اگر بد بودم بهر امر میگردم

چیزی منبوشتم میبردند دارالحکومه پولی از آنها می گرفتند آن حکم را اجرا میکردند بول را می گرفتند میگفتند بلی حکم آقای حاجت الاسلام است باید اجرا شود اگر پول نمدادند میگفتند برو فردا بیای و بیس فردا بیا و بهمین طریق او را سر میزدند این ترتیب جرین استبداد بود و اگر غیر از این هم بود استبداد معنی نداشت آمد زمان مشروطه بسیار خوب میآیند پیش من میگویم بابا باید بروید علیه عارض شوید از آنجا ارجاع کنند آخر ترتیب اجتماعی شده است میرفتند و میآمدند دوسه مرتبه از اینجا بآنجا و از آنجا به آنجا در یک کار شخصی مداخلت پیدا میکرد .

از باب مثلث است عرض میکنم که از اراده شخصی و استبداد بیرون آمد و اداراتی هر کدام به یک اسم یکی وزارت داخله یکی اداره کجا . یکی اداره کجا . هی اداره درست کردیم معنی اراده اجتماعی هم این است بنده بعقیده خودم با وجود انکار اشخاص مناسب این وضع کلاما بقدر کفایت پیدا نشده . ترتیب نشده بودند .

بغیر از اطباء که آقای امیر اعلم اوقاتشان تلخ نشود آنها بقدر کفایت پیدا شدند ولی در باقی ادارات بقدر کفایت پیدا نشد و در ادارات اراده اجتماعی که معنی مشروطه بود کلاما بجزریان نیفتاد .

آقا بنده عقیده ام بر این است که باین بی بضاعتی هم باز بر عقب نمانیم . البته امورات تدریجی است ولی من گمانم این است آن دست قیچی که همراه بود که ما مشروط شویم از این مشروطه خیری ندیده جساتر به آقای دست قیچی نمیکنم زیرا ایشان در دوره است و کیل انبو انشاء الله تا آخر عمرشان هم و کیل خواهند بود .

چون عرض کردم و اول عذر خواستم مزاجم خیلی کاهیده شده است مجبوریم آنچه در قلم است عرض کنیم که اگر عمر بوقا نکرد باشا ما هم عقیده باش و یک تذکره باشد برای شما که یک روز رفیق ما در مجلس اینطور گفت من خیال میکنم آن نظرهائی که در تغییر وضع (که فقرا ضعف آورا است) از ما داشتند بان امیدها موفقی نشده اند آمدند مثلا فرار از دست کردند .

دستی از قیض بیرون آمد و بر سینه نامحرم زد و هکذا و هکذا گفتند .

البتاتوم کردند خاطر آقایان است بعضی از آقایان در آن دوره وکیل بوده اند در همین مجلس بوده اند با آن اوضاع ناگوار .

اگر خود یکی از آنها نبودم عرض می کردم خیلی مردمان مستقیمی بودند .

و کلای نرسیده و دولتهای رسیده البتاتوم رسیده بکنند و این تا رسیده ما

مقاومت کنند البته در آتی . اگر چه حالاته وکیل قندوکیل را می دانند نهایت قدر مگر کردا مشتاق لیکن در یک زمانهائی که بخوانند بفهمند ملتفت میشوند که آنها با عقیده سیاسی شان خیلی محکم بوده با عقیده دینی شان خیلی محکم بوده یا همه عقایدشان خیلی محکم بوده که در مقابل آن فشارها استقامت کردند .

چیزیکه ما را باین روزگار امروزه انداخته است آن کارها و استقامت های آنروزی است (بعضی از نمایندگان صحیح است) بنده خیال میکنم هر کس متن فرار داد را معالجه کرده باشد چون من اهل سیاست نبودم مرو نمی کردم اگر چه یکی از مخالفین بودم لیکن هر چه می گفتند که این فرار داد کجاش بد است می گفتم من سر در می آورم من سیاسی نیستم آخوندم فقط چیزیکه می فهمم بد است آن ماده اولش است که میگوید ما استقلال ایران را می شناسیم (شده نمایندگان) این مثل این است که یکی به من بگوید من سیادت تو را می شناسم .

هی بمن میگفتند جهت مخالفت شما چیست کدام یک از موادش بد است ما آن را تغییر بدهیم میگفتم من سیاسی نیستم نمیتانم ما رجال سیاسی خیلی داریم باید به آنها رجوع کرد ولی با اینکه سیاسی نیستم وسراژ این کارها در نمی آورم این یکی را می فهمم بد است لیکن اگر کسی غوازی می کرد در روح آن فرار داد را می فهمید و چیز استنباط میکرد .

واو این بود که ایران تماش مال ایرانی است مالش حالش .

حیشیش چه اش چه اش همه چیزش متعلق به ایرانی است فقط این فرار داد در دو چیز دیگری را شرکت میداد یکی پولش یکی قوایش

این روح فرار داد بود اختصاص با هم ندارد متعده مال در تمام دنیا است و همانطور که عرض کردم اهل ایران با وجود اینکه خارج از سیاست و با وجود اینکه آشنا به سیاست نبودند الحق و الانصاف بالطبع مخالف بودند اینکه یک زیدی مثلا بگوید من مخالف بودم من مخالفت کرد .

حسن مخالفت نکرد . حسین مخالفت کرد .

خیر عده طبیعت ملت بود که مقاومت کرد قوه ما طبیعت ملت است که میتواند مقابله با هر چه بکنند با هر تهاجمی مقابله کند (نمایندگان صحیح است) مجلس شورای ملی که عبارت از صد نفر وکیل اندمه وطن خواه همه صاحب عقیده محکم همه اسلامی .

همه سیاسی ولی در صورتی مقاومت با دنیا میکنند که بالطبع ملت با آنها موافق و پشتیبان آنها باشد من بکنفر از شماها هستم و اینجا در حضور آقایان صحبت

میدارم میگویم و امیدوارم موافق عقیده خود هم بگویم که اگر تمام دول دنیا برخلاف من باشد و قلوب مردم بالطبع با من باشد من به تنهایی مقاومت میکنم چه جای اینکه صد نفر وکیل هم عقیده باشد .

پس قوت ما توجه قلوب عامه است . در حقیقت همینطور که عرض کردم آن فرار داد که روحش این دو مسئله بود در حقیقت یک قسمتی بود و برای اینکه آزرده نشود نظر آن قسمت کرد بر این و استر جوش بود جوش مال دیگری و گر به بر این مال خودمان و حقیقه نفس الامر ملت ایران نفوسند بدهند .

من خیال میکنم به این چیزها و به این حوادث منور افکارهای چندانی از مشروطه چیزی ندیدند بعضی افسرد شدند بعضی ملول شدند .

بعضی را کنار گذاشتند و آن قسمی که باید منور افکارها روز بروز در تریانه باشند و حرکت عشقی بکنند مثل اول تصدیق بفرمائید نکردند آن عشقی که روز اول داشتیم بنده خود بلی خود را می گویم .

بعضی از رقبا را اگر مثل آن روز که توی چه زمستان ویرف بکنفره دوزخ من ؟ بعضی از آقایان که حاضرند سفر کردیم حالا اتفاق بیفتد آن عشق را شاید نداشته باشیم .

خیلی از آقایان تشریف دارند بنظر بیارید اوضاع آن روز را حمله استر آباد محصله ملی میرزا و سالار اوله و آن وضعیات که کسی هزار تر کمن آمدند تا هفت هشت فرسخی طهران و عده مهاجرین که بسید فر رسید قوه ما بود در همین اطاق و آن اطاق شب روز استادی می می کردیم آن عشق در من و شماست ؟ گمان نمیکنم و کیف کان مقصود بنده این است که مقاومت کردیم مملکت را نگاهداری کردیم آسوده اجتماعی را که حقیقت مشروطه است نگاهداری کردیم کارها را اداره کردیم اما میخواهم عرض کنم هر چه میخواهد بگوئید بگوئید امروز اتری از آن مشروطه نیست .

(همه نمایندگان)

خیال میکنم شما از کسی ملاحظه دارید بهدانی که مرا خلق کرده است من سردار سیه را از اکثر شما بیشتر دوست میدارم این حرفها را بکنند این جامسته حساب است سفره را بهین کنید بهینم در سفره چیست میخواهم بفهمم که امروز وضعیات مملکت ما وضعیات ما که این جا نشسته ایم و و کلیم نسبت باین مملکت چه وضعیاتی است ؟

آداره مشروطه ما کدام اداره است ؟ این مجلس ما مشروطه است ؟ آن اداره مشروطه ما کدام است ؟ حالا بنده آمدم این جا گفتم بنده چه جراد کانه را خراب کرد

البته بلدی به باید خانه را خراب کند خیابان را وسیع کند . چنانرا که جای کاردار نماز را چه کند البته خیابان باید وسیع باشد عابرین راحت باشند اما بلدی مشروطه نه بلدی که تا که صبح بکوبند خراب کن شاهجه جارا خراب کنند در این چه زمستان که معلوم نباشد خاکش کجا ریخته شود و کلتور چطور شود و هكذا فعل و تفعل

**جمعی از نمایندگان** - داخل دستور نویسی .

**نایب رئیس** - آقای حاج میرزا عبدالوهاب .

( اجازه )

**حاج میرزا عبدالوهاب** - داخل دستور کشیدم عرض می کنم .

**نایب رئیس** - خبر کمیسیون عدلیه مطرح است .

**نجات** - این مذاکره آنکه شد چه بود خوب است اجازه بدهید جواب بدهیم این چه ترتیبی است بیکی اجازه میدهید به دیگران اجازه نمیدهید .

**نایب رئیس** - آقایان اظهار میکنند داخل دستور شویم .

**نجات** - اظهاراتی شده است که مشروطه نیست مشروطه چه ربطی به تعطی دارد که در طهران

**نایب رئیس** - آقای حاج عز الممالک ( اجازه )

**حاج عز الممالک** - بنده پیشنهاد میکنم داخل دستور شویم .

**نایب رئیس** - مخالفی نیست .

**نایب رئیس** - لایحه وزارت عدلیه راجع باخبارت کمیسیون عدلیه قرائت میشود .

( شرح ذیل - قرائت شد )

کمیسیون قوانین عدلیه لایحه نمره ۸۸۵۸ دولت را راجع با اجازه اجرای قوانین پس از تصویب کمیسیون مورد دقت نظر و مطالعه فرارزاده و با مختصر اصلاحاتی مادامحده ذیل را تقدیم تصویب آنرا یافتند فوریت تقاضا مینمایند .

ماده واحده - وزیر عدلیه مجاز است کلیه قوانین را که در دوره پنجم تقنینیه به مجلس شورای ملی پیشنهاد نموده و یا مینماید بعد از تصویب کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی بوقوع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقص را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود تکمیل و تأیید برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید .

**نایب رئیس** - آقای حاج میرزا عبدالوهاب .

( اجازه )

**حاج میرزا عبدالوهاب** - بنده میخواستم عرض کنم ما وکیل در تو کبل نیستیم اگر در نظامنامه انتخابات چندین چیزی

است کما وکیل در تو کبل هستیم بنده هم حرفی ندارم خوب است به بنده هم نشان بدهند .

ما نمیتوانیم یک قوانین را کنهید اینم آنها چیست رأی بدهیم بکمیسیون برود و علی العمدا در آن رأی داده شود .

ما وکیل شدیم که قوانین از نظرها بگذرد و بعد هم مطابق قانون اساسی بنظر طراز اول برسد اگر مخالفت با شرع نشاند آنوقت بوقوع اجرا گذارده شود طراز اول کماز بین رفت ( همه هم بین نمایندگان - اینطور نیست ) بنده که وجود خارجی برای طراز اول نمی بینم .

**یک نفر از نمایندگان** - آقای مدرس که تشریف دارند .

**حاج میرزا عبدالوهاب** - بلی آقای مدرس بسمت طراز اول نیستند محالاً بسمت وکالت اینجا تشریف دارند و الا طراز اولشانرا بیدانم .

**نایب رئیس** - خوب است مذاکره بین آنانین را موقوف فرمائید .

**حاج میرزا عبدالوهاب** - عرض می کنم این حق واقعی نمایندگان که باید یک قوانین مجلس بیاید و از نظر آنها بگذرد از آنها سلب میشود از این جهت بنده مخالفم رأی باین مسئله نخواهم داد .

**شریعت زاده مخیر کمیسیون عدلیه** اگر چه مستفاد از مجموع اظهارات آقای حاج میرزا عبدالوهاب دو چیز است یکی اعتراض بعنوان وکالت در تو کبل و دیگری مسئله بیعت نظام ولی بنده لازم میدانم قبل از اینکه توجیه ایشان را بپردازم این دو اعتراض جلب کنم توضیح مختصری عرض کنم .

مجلس شورای ملی در نتیجه یک قضایاتی که مکلف است به وضعیت دنیا بکند مسئولیت خودش را در اداره امور مملکتی باید انجام دهد .

از این جهت نظر آقایان نمایندگان محترم همه طرفدار یک سلسله از اصلاحاتی است و این مسئله هیچ تردیدی ندارد که بنده محتاج باشم بطور تفصیل در این خصوص توضیحاتی بدهم ولی همین قدر عرض میکنم که مهمترین مسائلی که در ردیای فعلی یک ملتی را بسعادست سوق میدهد مسئله امنیت قضائی است .

امنیت قضائی هم یک چیزی نیست که ما فقط بگوئیم داریم یا خواهیم داشت بلکه عملی شدن آن این است که مطابق ترتیباتی که تشکیلات مملکت و بالاخره سوابق مملکت اقتضاد در آنها اقدام شود و حواصیل قانونی مملکت مرتفع گردد

در این مسئله اگر چه لازم است و دلایل و علی که متعجب میدارد این مطلب را عرض کنم ولی بطور کلی اشاره میکنم و توجه آقایان نمایندگان را بشکلائی که دولت

حاضره مواجهه آن است جلب میکنم بایک همه از آقایان محترم در خارج مذاکره کردم حتی در ضمن توضیحات که در خارج به آقای حاج میرزا عبدالوهاب داده ام ایشان متقاعد شدند که توضیحات خودشانرا در مجلس مختصر کنند .

و همین کار را هم کردند و خیلی متشکر شدم .

آقایان نمایندگان محترم میدانند یک سلسله از قوانین برای اجرای یک مقصود خیلی مهمی وجود آنها برای مملکت ضروری است در این باب یعنی در کلیات دیگر عرض نمیکنم و میر دازم بدو اعتراض ایشان قسمت اول که مربوط است بوسکالت در تو کبل بنده میدانم بچه مناسبت این عنوان در اینجا شد

مجلس شورای ملی که حاکمیتش در اداره امور مملکت معجز تر دید نیست در دوره سابق بر طبق احکام قانونی این - که را عملی کرد و البته مصلحت مملکت همین بوده است .

مملکتی که میخواهد امنیت فضائیش را تأمین کند باید تصدیق کرد برای عملی شدن قوانین بهتر این است به همین ترتیب باشد زیرا در نتیجه اجرای این ترتیب این قوانین بوقوع اجرا گذاشته میشود و اگر نواقصی بنظر بیاید تکمیل میشود و بالاخره در این دوره یادآور دیگر مجلس شورای ملی خواهد دید که دولت بعد از آزمایش آنها یک قوانین خیلی مناسب بی نقسی را پیشنهاد خواهد کرد .

البته نباید تردید کرد که محالاً بهین دلائلی که عرض کردم و نظر بسوابقی که از دوره دوم بعد در مجلسی بوده و همسه بکمیسیونها اختیار داده شده است مملکت از این جریانات خیلی استفاده کرده است باید این سابقه را که مخالف با هیچ قانونی هم نیست تقویت کرد

**کازرونی** - مخالف با قانون اساسی است

**مخیر** - قسمت دیگر که مربوط است بعنوان بیعت نظام این مسئله بود که سابقاً طرح شد بشعب رجوع شود و مانع الجمع هم نیست علاوه مجلس و هیچیک از آقایان نمایندگان محترم نباید این مسئله را از نظر محو کنند که مسائل مربوطه راجع بقوه قضائیه مملکت بهیچوجه من الوجوه مربوط بیک موضوعی نیست که سابقاً هم بحث مذاکره آمده است

علاوه بر این بنده در مجلس یک افراد خیلی لایق مثل حضرت آقای مدرس را میبینم که اگر هم فرض کنیم یک آقایانی بعنوان طراز اول بیایند هیچ معلوم نیست درجات و مراتب علمی آنها پیش از ایشان باشد و در این صورت بنده هیچ مانعی نمی بینم که در این باب مجلس تصمیمی اتخاذ کند و حواصیل فعلیه مملکت را که مجلس هم

گرفتار آن است رفع کند و بعد هم راجع به وظیفه که داریم همه ماها موافقتیم که ترتیبی در آن باب داده شود

بعضی گفتند مذاکرات کافی است)

**نایب رئیس** - در این زبیرت کمیسیون فوریت شده باید قبل از راجع بقوریت رأی گرفت و بعد در اصل موضوع مذاکره بشود . عجلتاً باید در فوریت مذاکره شود آقای آقا میرزا سید احمد بهبهانی با فوریت مخالف هستند؟

**بهبهانی** - خیر

**نایب رئیس** - آقای عراقی با فوریت مخالفید؟

**حاج آقا اسمعیل عراقی** - هم با اصل موضوع هم با فوریت مخالفم

**نایب رئیس** - راجع بقوریت مذاکره فرمائید .

**عراقی** - یک لایحه که در اصلش در مجلس بین آقایان نمایندگان اختلاف شرعی است و بعضی با اصل آن مخالف هستند چطور میتوانیم فوراً در فوریتش رأی بدهیم پس از اینکه در خود این لایحه در مجلس شور شد آنوقت شما می توانید بقوریتش رأی بگیری و ولی حالاً بنده در رأی بقوریت گرفت .

**نایب رئیس** - آقای طهرانی موافقت با فوریت؟

**آقا شیخ محمد علی طهرانی** - بنده هم در اصل لایحه هم با فوریتش موافقم آقایانی که اینجا نشسته اند نمایندگان اران جانی در مملکت با اینکه در معنای جنعه و جنایت محکوم شده اند نیز داده اند و بواسطه نداشتن قانون تمیز رأی نداد و گفت چون موادی در دست من نیست که نقش با اینم که الان قائل راست است در مملکت راه می رود بدون اینکه کسی متعرض او باشد چرا؟ بجهت اینکه حکم وقتی نقض و ابرام میشود که برای هر موضوع قانون شده باشد پس بنابراین در موضوع فوریت این لایحه بنده عقیده دارم در صورتیکه ما میخواهیم مملکت را بصورت تمس و قانونی دریاوریم باید تمام کارها مان را کنار بگذاریم و قانون بنویسیم و بدینا ثابت کنیم که ما یک مملکت متین قانونی هستیم

( بعضی گفتند مذاکرات کافی است - بعضی می گفتند کافی نیست )

**نایب رئیس** - نسبت بکفایت مذاکرات کسی مخالف است

**کازرونی** - بنده مخالفم

**نایب رئیس** - فرمائید

**آقای میرزا علی کازرونی** - بنده بایستی دلایلی عرض کنم که مذاکرات در فوریت کافی نیست و خارج از موضوع هم حرف نیز نم عرض میکنم این مسئله مسئله مهمی است که تمام خیرها و شرهای عملیات جامعه منتهی بر این قسمت است و

در سایه این مسئله بنام امورات ما بایستی اداره شود و آنوقت در یک همچو مسئله مهمی بعضی اینک به نظر بطور اختصار مخالفت کرد و بنام تقدیر هم بهطور اختصار موافقت کرد فوری میگویند مذاکرات کافی است در صورتی که این مسئله بایستی بدقت ملاحظه شود و هر کس عقیده خودش را اظهار بکند

نه اینکه یک اکثریتی که عقیده دارد یک رأی را بدهد و بگذرد و برود بی کلاش آنوقت هر چه خواهد شد بشود .

بنده عقیده ام این است که باید اجازه داد که در فوریت و عدم فوریت آقایان عقیده شان را اظهار کنند .

**نایب رئیس** - رأی می گیریم ؟

**کفایت** .

**حاج عز الممالک** - بنده اظهار دارم .

**نایب رئیس** - فرمائید

**حاج عز الممالک** - بنده در اصل موضوع موافقم ولی باید رعایت نظامنامه هم بشود ماده ۷۴ میگوید ( در موقتی که لایحه یا طرح قانونی پیشنهاد میشود وزراء یا صاحب طرح یا یکی از نمایندگان میتواند از مجلس تقاضا نماید که فوری بودن آنرا تصدیق نماید) سابقه هم تا بحال اشطور بوده کدام ماده نظامنامه میگوید در فوریت باید حرف زد؟ والا بنده در فوریت و اصل موضوع موافقم .

**نایب رئیس** - در خود لایحه اگر توجه فرمائید کمیسیون تقاضای فوریت کرده است ولی در قسمت اول چون آقای حاج میرزا عبدالوهاب وارد کلیات شدند بهبهانی میخواستند صحبت کنند اظهار کردم که اول در فوریت مذاکره شود و بعد از آنکه فوریت تصویب شد آنوقت وارد خود لایحه میشویم این است که بر حسب تقاضای خود کمیسیون داخل در فوریت شدیم .

رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمائید .

( اغلب قیام نمودند )

**نایب رئیس** - معلوم میشود کافی است رأی میگیریم بقوریت لایحه آقایانی که فوریت لایحه را تصدیق میکنند قیام فرمائید .

( اغلب قیام نمودند )

**نایب رئیس** - تصویب شد حالا خود لایحه مطرح است

**آقای بهبهانی** ( اجازه )

**آقای میرزا سید احمد بهبهانی** - گذشته از اینکه قانون اساسی حق میدهد بهر یک از کلا باینکه در قوانین موضوعه

نظر داشته باشند علاوه بر این قوانینی که می گذرد بموجب قانون اساسی و بموجب نظامنامه هائی که نوشته شده و سابقه هائی که اعمال شده قوانین باید رسماً در مجلس بیاید و اگر در یک موافقی هم یک موافقی موقتی لازم بوده همیشه آن مواد موقتی را هم در مجلس میگذرانند و بعنوان موقتی اعمال میگردند

خصوص اینک قوانین از قبیل قانون عدلیه و غیره که فوق العاده اهمیت دارد و باید هم مقتضیات نظریات شرعی ملحوظ شود و هم مقتضیات نظریات سیاسی در او ملاحظه شود

باین جهت است که خیلی اهمیت دارد و بنده تصور میکنم که این قانون باید از مجلس بگذرد و مجلس باید رأی بدهد نه اینکه یک کمیسیونی هر چه بنظرشان رسید آن قانون را عملی و اجرا کنند و برای اینکه مذاکره می کنند و یک فوریتی تصور میکنند برای این قضایا تصور میشود بنده تصور میکنم که فوریت این اثر از طرف آقایان نمایندگان نشده

اگر دولت با آقایان نمایندگان فوریت این لایحه را تصور میکنند باید در صورت فوریت آورده باشند و زودتر هم تقاضای فوریت کرده باشند و مجلس هم این کار را مقدم بر کارها بدانند .

تا بیک قانون صحیحی نوشته شده و مراتب قانونی خودش را هم سیر کرده باشد و این که میگویند در این قضیه و این از جاع یک امتحاناتی ملاحظه شود که بعضی از مواد را ملاحظه کنند عملی هست یا نیست .

آنوقت یک قانونی از روی صحت نظر به مجلس بیآورند بنده تصور میکنم هر قانونی در هر ماده قانون وقتیکه در خارج عملی نشد و در خارج عیبی پیدا کرد در عمل محتاج بیک جرح و تعدیلی در او شدند وقتی جمیع مراتب قانونش را هم سیر کند هیچ مانعی ندارد از این که بیاید در مجلس و تغییر داده شود .

خصوص قانون عدلیه که بتلاعه عامه مردم است یعنی همه طبقات مردم مبتلا بان هستند و مثل قانون مالیه نیست که فقط متولین و اشخاصی که ملک دارند مبتلا باشند این قانون قانونی است که از وضع و شریف بان مبتلا هستند .

و این قانون باید یک مقام قدسی و اقدسیتی نسبت به خودش جلب کرده باشد .

یعنی بمجرد این که گفتند این قانون قانون عدلیه است باید جالب جمیع انظار باشد و مضاعف داشته باشد نسبت بشام عقاید و انظار مامی بینیم که سابقه این مجلس در دوره دوم این بود که یک قانونی بعنوان قانون موقتی عدلیه نوشته شد و آن قانون هم تا الان در جریان است و با اینکه

( آنهاستیکه لازم هم میدانند نظر طراز اول را) طراز اول وقت هم در آن نظر داشته و امضاء کرده است .

مدنك چون قانون بعنوان قانون موقتی و از کمیسیون گذشته است می بینیم که آن تقدیس و اقدستی را که باید داشته باشد و انظار راجب کرده باشند ندارد .

علاوه بر این در اغلب از موادش چون در مجلس مذاکره نشده بعضی میگوید صحیح نیست یکی میگوید برخلاف مقتضیات نوشته شده و هر کس یک عیبی در این مواد تصور میکند و هنوز خیلی از موادش هم اجرا نشده است و از آن سال تا اکنون هم با اینکه مجلس عدلیه تشکیل شده می بینم که نواقص آن قانون هنوز مجلس نیامده که آن نواقص اصلاح شود .

بنابراین میشود اطمینان پیدا کرد که اگر آن قانون نواقصی پیدا کرد یا سوء جرائمی پیدا کرد همین فردا با عندی الاقتضاء به مجلس بیاید و اصلاح شود ما می بینیم یک قانونی بعنوان موقتی نوشته شده است و چون سیر قانونی کامل پیدا نکرده امروز بایک نظر اهمیتئی تلفی نمیشود و در خصوص قوانین عدلیه که اهمیت فوق العاده دارد بنده تصور میکنم که حتماً باید آقایان توجه فرمائید باینکه این قانون جمیع مراتب قانونی را طی میکند تا اینکه برای مردم یک حاکمیت معضه داشته باشد و اما اینکه میگویند آقایان طراز اول باید داشته بنده برخلاف آقای حاج میرزا عبدالوهاب تصور میکنم که هیچ مسئله طراز اول مجلس رد نشده و محل بحث است و قانون اساسی این اجازه را بما داده است و هیچوقت کسی نمیتواند این حق را از ما سلب کند مگر اینکه بر حسب مقتضیات وقت و با اینک عقیده بنده است که این ماده باید باشد و هیچوقت از بین نرود ولی در عین حال نظریات آنها هم شرط صحت قوانین نیست باین معنی که قانون وقتی قانونیت دارد که مقتضیات وقت باشد و مخالف با شرع و دیانت هم نباشد و هر وقت این اقتضاء و شرایط در اوجیب بود آن قانون قانونیت دارد و البته هر وقت نداشت با وجود تصدیق طراز اول آن قانون قانونیت ندارد .

ولی با اینوصف چون قانون عدلیه را خیلی محل توجه و دقت میدانم تصور میکنم که اگر امروز طراز اول معین شده بود و در تحت نظر آنها این قضیه حل میشد خیلی بهتر بود .

مخیر - توضیحاتی که آقای بهبهانی دادند یک قسمت از آن همان اعتراضی بود که آقای حاج میرزا عبدالوهاب کردند فرمودند که آقایان و کلا باید در قانون نظر کنند .

البته خودشان تصدیق میفرمایند که

یک کمیسیونی که هر کدام از اعضایش هفتاد رأی دارند .

اینها وقتیکه نظر میکنند برای اینکه آن اشخاص مورد اعتماد مجلس هستند البته باید بنظر آنها هم اعتماد کرد ولی بتناسب اینکه قانون اصله خیلی مبسوط است و دارای چهار پنج هزار ماده است سوابق مجلس بواسطه رفع احتیاجات قویه که مملکت باین قوانین دارد اینطور مقرر داشته است که تأخیر نشود و حوائج باین ترتیب مرتفع گردد و علاوه بر ارسال آقایان در نظر دارند که راجع بقوانین مربوطه بوزارت مالیه همین اختیار از طرف مجلس بوزیر مالیه داده شد که نظاماتی را که خودش وضع میکند بوقوع اجرا بگذارد . و در اینجا هم آقایان گویا اشتباه کرده اند در اینجا در این خبر نوشته شده است .

قوانینی که در کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی تصویب میشود ( وزیر عدلیه مجاز است که موقتاً اجرا بکند

و این مسئله بموجب هیچ اصلی مخالف با وظایف مجلس نیست نمی فهمم مخالف چیست؟ اگر میفرمایند مجلس قانون را باید وضع کند همین قانون است که مجلس وضع میکند و وزیر را که مسئول است اختیار میدهد قوانینی را که کمیسیون عدلیه تصویب میکند بوقوع اجرا بگذارد .

برای اینکه حسن اثر و سوء اثر آن را در مملکت ملاحظه کنند و بعد از تجربه به مجلس شورای ملی پیشنهاد کنند و این مسئله منافی با حقوق مجلس شورای ملی یا سلب حق یک نماینده نیست .

این مسئله حق را بوزیر میدهد و سوابق عدلیه هم در این مملکت مشروعبت این مسئله را میسراند مضافاً باینکه مخالف با هیچ اصل از قانون هم نیست و اما اینکه راجع باشخاص صلاحیت دار فرمودند البته با دقت های لازم و بوسیله اشخاص صلاحیت دار و متخصصین که مورد اعتماد ما هستند تقدیم میکنند .

حالا بنده اگر چه نمیخواهم وارد در این قضیه بشوم ولی در عدلیه اشخاصیکه در این لوایح مطالعه و دقت میکنند از قبیل آقای حاج سید نصرالله و آقای سید محمد قلی - میباشند که طرف اعتماد عامه هستند و در آنجا درس ملاحظه میشود و بارعایت مقتضیات و جهات لازمه تقسیم میشود و در کمیسیون هم یک افرادی هستند مثل حضرت آقای مشیر الدوله و سایر آقایان دیگر هم که هم علم اطلاع دارند و هم رعایت مقتضیات را میکنند و بالاخره هیچیک از آن جهاتی را که آقای بهبهانی در نظر دارند فرو گذار نشود .

قسمت دیگر راجع باینکه فرمودند



قوانین موقتی که در مملکت عملی شده در مجلس وضع شده است بنده تصور میکنم در این باب توجهی نفرموده اند زیرا غالب قوانین عدلیه نتیجه اجازه مجلس شورای ملی است که بدولت و وزراء امر شده است قوانینی که در کمیسیون عدلیه تصویب میشود بموقع اجرا بگذارند.

بنده جز قانون ثبت اسناد قانون دیگری را ندیدم که از مجلس گذشته باشد و این اقدام هم برای رعایت احتیاج بقدرت و فوریت احتیاج بوده که در سوابق دوره های پارلمانی این مسئله محقق شده است چنانکه در قسمت اول توضیحات خود در جواب آقای حاج میرزا عبدالوهاب عرض کردم که این مسئله فائده مهمی دارد و بالاخره این مملکت با این سوابق متوسطه که در مسائل قضائی داشته است هر قدر در قوانین ترتیبی شود که در ضمن عمل حسن نتیجه و ضرر آن معلوم شود البته بهتر است و ماطرفدارانیت قضائی و طرفداران ترتیبی از قوه قضائی هستیم و باید طرفدار این اصل بشویم که قوانین پس از امتحان و ثبوت اینکه حسن نتیجه دارد پیشنهاد مجلس بشود.

و اما اینکه فرمودند قانونی که موقت است در خارج از محیط مجلس شورای ملی بطلت و احترام تلقی نمیشود.

بنده این را نفهمیدم. یک قانونی که منشأ آن اعطای اختیار از طرف مجلس بکمیسیون است و منشأ آن اعطای اختیار از مجلس بدولت است چطور میشود محترم نباشد.

بنده این قانون و هر قانون دیگری که از طرف مجلس وضع شود آنرا متبع و لازم الاجرا میدانم و هیچکس نمیتواند چیزی را که منشأ آن تصویب و اجازه صادره از مجلس است آنرا محترم نداند و تصور میکنم این مملکت ما یک محیطی نباشد که نتایج حاصله از تصمیمات مجلس شورای ملی را محترم بشمارد و نمایندگم این اعتراض از چه نقطه نظر بود.

قسمت دیگر که مربوط است به طراز چنانکه بنده عرض کردم مخلوط کردن این دو موضوع با هم صحیح نیست مضافاً اینکه خود آقای بهبهانی فرمودند که اگر حوائج مملکتی اقتضا کند قانونی وضع شود و بجای نظر هیئت نظارداران اعمال نشده باشد باز آن قانون عملی است بملایم خواستم عرض کنم که این سلسله از قوانین محتاج با همان نظر هیئت نظارت است و ممکن است بندهم در خدمت آقای مدرس یا سایر آقایان دیگر صحبت کنم.

در هر صورت بنده باز تذکر میدهم آقایان را توضیحات که آقای طهرانی دادند که احتیاجات این مملکت بقدری شدید است و مشکلاتی که بواسطه عدم وضع

قانون الان در جریان است بدرجه اهمیت دارد که باید با تمام مساعی این لایحه را تصویب کرد زیرا تأخیر این لایحه در حکم تقویت آن مشکلات در مملکت است.

نایب رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - بنده هم مثل همه آقایان موافقم که بایستی قانون هر چه زودتر اعلان و بموقع اجرا گذارده شود و در این موضوع ابتدا کسی مخالف نیست و خواهش میکنم از آقایانی که موافق هستند این مسئله را وسیله پیشرفت عقیده خودشان قرار دهند زیرا در این موضوع کسی مخالف نیست که ایشان مدافع باشند همه موافقند که قانونی جز در اسرع وقت بایستی نوشته شود لیکن حرف در اینست که قانون جزا را باید بنویسد و چطور بایستی نوشته شود و کی صلاحیت دارد از برای نوشتن قانون جزا.

اساساً یک مطلب مسلمی است که حقیقتاً هر چه بیشتر حرف زده شود بهتر است بعقیده من و اساساً وضع قانون را گفته اند از مفصصات مجلس است نه اجازه وضع قانون و اگر اینطور بود که مجلس شورای ملی اجازه وضع قانون بدهد پس بسایر کمیسیونها هم اجازه میداد که آنها قانون بنویسند و خودشان میرفتند تا بستان در شیران خوش میکردانند و زمستان هم میرفتند زیر کرسی و هیچ محتاج تشکیل جلسه نبود فقط هفته یک جلسه تشکیل میشد و بهر یک از کمیسیونها اجازه داده میشد که قانون بنویسند.

ولی اینطور نیست مقصود از جمله (وضع قانون با مجلس است) این است که خود مجلس قانون را وضع کند بکمیسیون و همانطوریکه قانون معین کرده است میشود یک حق مسلمی را از مجلس شورای ملی سلب کرد.

و یک قسمت از عرایض بنده هم در خصوص موقت است این کلمه موقت هم می بینیم حکم که از معنی حقیقی خودش منحرف شده.

موقت است یعنی مؤبد است. قانون موقتی یعنی موقتی تمام قوانین که ما داریم موقتی است و حقیقتاً مؤبدی نیست حتی قانون اساسی هم مؤبد نیست زیرا ممکن است پس از یکی دو سال یا یکی دو دور دیگر درش تجدید بشود.

زیرا در این قانون که قید شده برای یکسال یا دو سال یا سه سال است اگر سالها زمانش قید نشده بود آنوقت قانون موقت بود ولی سال که قید نشده و همینقدر کلمه موقت را درش گذاشته اند.

این برای چه چیز است؟ برای اطفال است؟ خیر همه بزرگرا چرا اطفال بکنیم؟ بگوئید یک قانونی در تحت این عنوان میخوانیم بگذاریم بملایم بنده عرض میکنم

که قانون جزا را باید متخصصین بنویسند نه بنویسند از این نقطه نظر که مثلا در تجارت بعضی از مواد جزا یا قضا اعمال میشود.

خیر یک متخصصینی باید اینقانونرا بنویسند و آقایان هم متخصصین را بهتر از من می شناسند.

آیا این میشود که من بیک عده اجازه بدهم که شار کیل هستند از طرف من که یک قانونی وضع کنند و یک کلمه موقت درش بگذارند لیکن آن را بطور مؤبد در موقع عمل بگذارند.

آنوقت تمام حیثیات دینی ملی تجاری اقتصادی را بدهند این عده که هر چه میخواهند بکنند و فقط فایده شون بیک کلماتی که حیاتی است.

حیاتی را برای تلگراف میگویند برای قانون علام صنعتی و سجل احوال گفته اند البته همه اش حیاتی است که ما می توانیم از این عده عرض میکنم که این قانون قانونی نیست و باید از برای این که اولاً مجلس شورای ملی که وضع قانون از مختصات او است این آنهاست که متخصص هستند وضع نکرده اند شاید در کمیسیون سه چهار نفر مردمان بصیر با نسبتاً متخصص هست لیکن خود آقایان هم گمان نمیکنم که ادعا کنند که تمام افراد کمیسیون متخصص و دارای اطلاع هستند.

آنوقت یک همچو کمیونی بیاید و یک قانون جزا قضائی را برای یک ملتی که تمام حیثیات دینائی او بسته باین قانون است وضع کنند. هیچ چیزی نیست. آنوقت هم در این کمیسیون عدلیه گاهی هشت نفر گاهی نهم می آیند و اکثریشان هم پنج یا چهار نفر است و آنوقت این چهار پنج نفر باینند یک قانونی برای عدلیه بنویسند آنها هم عدلیه که باید مجری تمام احکام و قوانین باشد خاصه برای مملکتی که افرادش حاضرند تمام حیثیات خود را در مقابل عقیده اسلامی خود ایثار کنند و هیچوقت نمیتوانند از این عقیده منحرف شوند.

قدری باید موهومات را کنار گذارد و آشکارا حرف زد.

حقیقتاً باید دید که موکلین ما مارا موقتی است و حقیقتاً مؤبدی نیست حتی قانون اساسی هم مؤبد نیست زیرا ممکن است پس از یکی دو سال یا یکی دو دور دیگر درش تجدید بشود.

زیرا در این قانون که قید شده برای یکسال یا دو سال یا سه سال است اگر سالها زمانش قید نشده بود آنوقت قانون موقت بود ولی سال که قید نشده و همینقدر کلمه موقت را درش گذاشته اند.

این برای چه چیز است؟ برای اطفال است؟ خیر همه بزرگرا چرا اطفال بکنیم؟ بگوئید یک قانونی در تحت این عنوان میخوانیم بگذاریم بملایم بنده عرض میکنم

باشند.

در هر صورت بنده مخالفم که بقدرت اجازه داده شود که شش یا دوازده نفر یک قانونی را صحیح یا سقیم بنویسند و بموقع اجرا گذارده شود.

بنده عرض میکنم پس باشناختن متخصصین که در خارج هستند مراجعه کنید و ببینید که در خارج هستند که تخصص داشته و از عهده اینکار بر می آیند.

آیا این میشود که من بیک عده اجازه بدهم که شار کیل هستند از طرف من که یک قانونی وضع کنند و یک کلمه موقت درش بگذارند لیکن آن را بطور مؤبد در موقع عمل بگذارند.

آنوقت تمام حیثیات دینی ملی تجاری اقتصادی را بدهند این عده که هر چه میخواهند بکنند و فقط فایده شون بیک کلماتی که حیاتی است.

حیاتی را برای تلگراف میگویند برای قانون علام صنعتی و سجل احوال گفته اند البته همه اش حیاتی است که ما می توانیم از این عده عرض میکنم که این قانون قانونی نیست و باید از برای این که اولاً مجلس شورای ملی که وضع قانون از مختصات او است این آنهاست که متخصص هستند وضع نکرده اند شاید در کمیسیون سه چهار نفر مردمان بصیر با نسبتاً متخصص هست لیکن خود آقایان هم گمان نمیکنم که ادعا کنند که تمام افراد کمیسیون متخصص و دارای اطلاع هستند.

آنوقت یک همچو کمیونی بیاید و یک قانون جزا قضائی را برای یک ملتی که تمام حیثیات دینائی او بسته باین قانون است وضع کنند. هیچ چیزی نیست. آنوقت هم در این کمیسیون عدلیه گاهی هشت نفر گاهی نهم می آیند و اکثریشان هم پنج یا چهار نفر است و آنوقت این چهار پنج نفر باینند یک قانونی برای عدلیه بنویسند آنها هم عدلیه که باید مجری تمام احکام و قوانین باشد خاصه برای مملکتی که افرادش حاضرند تمام حیثیات خود را در مقابل عقیده اسلامی خود ایثار کنند و هیچوقت نمیتوانند از این عقیده منحرف شوند.

قدری باید موهومات را کنار گذارد و آشکارا حرف زد.

حقیقتاً باید دید که موکلین ما مارا موقتی است و حقیقتاً مؤبدی نیست حتی قانون اساسی هم مؤبد نیست زیرا ممکن است پس از یکی دو سال یا یکی دو دور دیگر درش تجدید بشود.

زیرا در این قانون که قید شده برای یکسال یا دو سال یا سه سال است اگر سالها زمانش قید نشده بود آنوقت قانون موقت بود ولی سال که قید نشده و همینقدر کلمه موقت را درش گذاشته اند.

این برای چه چیز است؟ برای اطفال است؟ خیر همه بزرگرا چرا اطفال بکنیم؟ بگوئید یک قانونی در تحت این عنوان میخوانیم بگذاریم بملایم بنده عرض میکنم

اول این مسئله از وظیفه مجلس خارج است و همانطور که آقای حاج میرزا عبدالوهاب فرمودند فقط است بیک عده اجازه بدهیم که آنها بنشینند و قانون وضع کنند و وقتی هم که میخواهیم دلالت این مسئله را ذکر بکنیم فوری گفته میشود مذاکرات کافی لا اقل بگذارند آنکسی که در اقلیت است عقاید خودش را اظهار کرده و حرفهایش را بزند شاید دونه از مخالفینش موافق یا با آنکس از موافقین مخالف شوند و الا اگر اینطور نباشد قلمت است.

هر قانونی که بمجلس می آید غوری میگویند مذاکرات کافی است بدون اینکه کسی حرف زده باشد اینطور که نمیشود. اگر اینطور است خوبست چند نفر در آن اصطلاح برود و عقاید خودشان را اظهار کنند و الا نمیشود در یک لایحه که دو سه نفر حرف زده بگویند مذاکرات کافی است.

نایب رئیس - رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات. آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

عده قلیلی برخاستند.

نایب رئیس - معلوم میشود مذاکرات کافی نیست.

آقای پاسائی (اجازه)

پاسائی - بنده نه از نقطه نظر اینکه عضو کمیسیون عدلیه هستم یا یک وقتی از قضات هستم این مملکت بوده ام موافق با این قانون هستم.

خیر از این نقطه نظر نیست البته آقایان احتیاجات مملکت را بقانون مخصوصاً قوانین راجعه عدلیه بخوبی میدانند و تصدیق دارند که در ظرف دو سال دوره مجلس با اینکه یک قسمت از اوقات مجلس صرف گذراندن اینها در معارف و شناسائی و کلاً باید بگذراند نمیتوان قانونیکه قوریت و ضرورت دارد گذراند.

همانطوریکه معبر معترم آقای - شریعت زاده فرمودند قانون عدلیه الان دارای چهار پنج مورد دیگر و بنده مخصوصاً میخواهم با آقایانی که با جنبه های مخصوص با این دایره مخالفت میکنند در خدمت بندهم که بعقیده بنده از نقطه نظر سیاست خارجی و حفظ سئون اسلامیت لازمست در گذراندن این راپرت تسریع کنیم زیرا استقلال و حفظ سئون خارجی ما مربوط است باینکه این راپرت زود تر تصویب شود.

محمد هاشم میرزا (شیخ الرئیس) - گذراندن این راپرت ابتدا مربوط با استقلال ما نیست.

پاسائی - بنده عرض میکنم ما باید معاکدات وزارت خارجه را ملتی کنیم بالاخره کار گذراندن این راپرت با مقصود بنده و همه آقایان است.

آقا میرزا سید احمد بهبهانی - موادش را بنویسید و بیایید بمجلس.

پاسائی - و بالاخره آقایان تصدیق میفرمایند که یک سلسله قوانینی تهیه شده وقت مجلس پنجم هم کافی نیست که آن مواد در اینجا مورد مذاکره و در تحت دوشور در آید و باین ترتیب از مجلس بگذرد.

الان چهار صد پنجاه ماده قانون تجارت در کمیسیون عدلیه مطرح است و اگر همین مواد بمجلس بیاید و بخواهد دوشور بشود و بگذرد عمر مجلس همین مواد کفایت نخواهد کرد.

الان چهار صد پنجاه ماده قانون تجارت در کمیسیون عدلیه مطرح است و اگر همین مواد بمجلس بیاید و بخواهد دوشور بشود و بگذرد عمر مجلس همین مواد کفایت نخواهد کرد.

حتی بنده عقیده ام این است که غیر از نوابی که مربوط بکمیسیون قوانین ماله و بودجه و کمیسیون خارجه است سایر چیزها هم ضرری ندارد که بکمیسیونهای خودشان اجازه تصویب داده شود اینجا گفته شد که و کلاً و کیل در تو کیل نیستند و مجلس نمیتواند بیک عده اجازه بدهد که برود و قانون وضع کنند.

بعقیده بنده وقتی مجلس اجازه داد همان در حکم قانونست و آن اجازه ولو اینکه یک نفر هم باشد صورت قانونیت دارد و اگر مجلس بیک نفر اجازه داد که برود و قانون بنویسد آن قانون مطاع و محترم است.

عمر ادوار پارلمانی کم و احتیاجات مملکت بقوانین خیلی زیاد است و چنانچه عرض کردم بنده عقیده ام این است غیر از لواج و راپرتهای که مربوط بکمیسیونهای خارجه و ماله و بودجه است در سایر چیزها هم ضرری ندارد که بخود کمیسیونهای مربوطه اجازه تصویب قانون داده شود.

مثلاً اقمیتی ندارد اگر بکمیسیون داخله اجازه بدهیم که قانون سجل احوال را بنویسند یا قانون بدیه را جرح و تعدیل نموده بموقع اجرا گذارد.

تا نواقض در ضمن عمل مرئی شده و تا بیا بمجلس بیاید و این از لحاظ تسریع و تسهیل کار خیلی بهتر است.

اسماً اینکه آقای کازرونی فرمودند:

کسانیکه زبده دخل در وضع قوانین مربوطه هستند باید تخصص داشته باشند بنده درست ملتفت نشدم که مقصود ایشان چیست.

آیا مقصودشان از تخصص این است که آن اشخاص معلومات فقهی داشته باشند یا معلومات حقوقی؟

خوشبختانه این کمیسیون دارای هر دو جنبه است زیرا بیکمده از آقایان امضاء مثل آقای آقا شیخ عبدالرحمن و آقای طهرانی و الوعنی اطلاعات فقهی بسیار خوبی خوبست.

عده دیگر از قبیل آقای مشیرالدوله و داور و شریعت زاده و خود آقای معاون وزارت عدلیه معلومات حقوقی بسیار خوبی خوبست.

یکی خود بنده که در نتیجه عملیات چند ساله قضاوت و لو بلفظ یا صحیح یک چیزهایی یاد گرفته ام.

و در این کمیسیون هستم و گمان میکنم اگر توجه بفرمائید تصدیق خواهید نمود که مناسب ترین اعضاء پارلمان برای کمیسیون عدلیه انتخاب شده اند.

فرضاً هم آن قوانین اگر بنا شود بمجلس بیاید باز در تحت نظر همین آقایان خواهد بود.

حالا آقای مصدق السلطنه و شاهزاده نصرت الدوله نخواهند قبول حضور کمیسیون را بکنند مسئله دیگرست ولی گمان می کنم همین آقایان موافقند که این اختیار به کمیسیون عدلیه داده شود.

مصدق السلطنه - بله صحیح است پاسائی - اینجا یک بیاناتی از طرف آقای کازرونی از نقطه نظر دیانت ایراد شد.

بنده گمان میکنم کسی مخالف با فرمایشات ایشان نبوده است و آن مراتب هم در جای خودش صحیح است.

ولی بعقیده بنده یک اصلی همیشه در نظر هست که ضرورت تیح المظهورات و هیئتطور اصل لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام.

بنده تصدیق میکنم هیچک از قوانینی که گذشته است مخالفتی با موازین شرعی نداشته و نخواهد داشت.

والله بمطابق اصل لا ضرر ولا ضرار که در اسلام هست باید تسریع کرد در گذراندن این راپرت تا بیک ضررهای متوجه ما نشود.

باز آقای کازرونی ایرادی راجع به قضات فرمودند.

همه آقایان قضات مرکز مرا بستانند که همه از اشخاص دانشمند و فاضل و صحیح العمل انتخاب شده اند.

و اگر اینها را ما برای قضاوت خوب ندانیم گمان ندارم دیگر کسی باشد که بجای اینها بگذاریم.

در ولایات هم اغلب قضات از مدارس قدیمه بیرون آمده و اطلاعات هر بی وقتی و قضائی دارند و اطلاعاتشان جامع است.

حالا اگر تک و توکی در میان قضات باشد البته باید برود آن هم اصلاح شود.

بنده گمان میکنم اگر آقایان در گذراندن این راپرت موافقت بفرمایند یک خدمت بزرگی بجامه کرده و یک قسمت از این محسوسین بدینت نظیر را که اطراف آنها را نظامی گرفته و روزها برای عملکی

برای هدایه بنویسند . اشکال من در این است و همانطور که آقای حاج میرزا عبدالوهاب در طریقی عبارت فرمودند گمان نمیکنم موکلینی که ما را وکیل کرده اند این اختیار را با داده باشند و ما را اینطور مختار کرده باشند که بیک همه پنج شش نفری اجازه بدیم که قانون بنویسند و بالاخره ما را وکیل در توکیل کرده باشند . فلسفه نماینده اینست که وکیل موکل باشد و خودش قوانینی که لازمست وضع کند نه اینکه یکمده صد و ده نفری به پنج نفر اجازه داده و بگویند شما بروید برای ما قانون بنویسید فلسفه مجلس غیر از این است . حالا بنده که عضو کمیسیون عدلیه هستم یا نیستم (گرچه نیستم) مربوط به بنده نیست و گمان ندارم این اختیار از طرف موکلین ما با داده شده باشد که بچند نفر اجازه قانون نوشتن بدهیم و نمایان که برای مانع دارد یا ضرر و این مسئله با فلسفه واصل نمایندگی درست در نیاید حالا شاید در میان این دوازده نفر چند نفر یا همه متخصص فقه و عالم باشند و حقوق بین الملل هم خوانده باشند . اما از کجا نظرش باشد مثل آقای شیخ محمد علی طهرانی که فرمودند قاتل راست راه میروند و نمیدانند با او چه معامله میکنند . از مثل آقای طهرانی بپیداست که همچو فرمایشی بفرمایند . اصلا قاتل چرا باید راه برود زیرا بموجب تمام قوانین دنیا قاتل را باید کشت پس از فلسفه که چون قاتل راست راه میروند و کسی معترض او نیست و او را نکشند از این جهت باید به پنج نفر اختیار داد که قانونی برای مجازات او وضع کنند و وارد نیست این مسائل را نباید مخلوط کرد راه رفتن قاتل هیچ مستلزم این نیست که به پنج نفر اختیار و اجازه بدهند که قانون وضع کنند . پس بناء علی هذا بنده عقیده ام این است که اولاً معلوم نیست ما همچو اختیار را داشته باشیم علاوه این اندازه که گفته میشود محتاج الیه است اینقدر هائستو ضرری ندارد که هشت نه ماه دیگر طول بکشد تا این قانون از مجلس بگذرد و مجلس هم کفایت از وضع قانون کاری ندارد . اول کار و وظیفه مجلس وضع قانونست منتهی در کار باید تسدیری تسریع کرد باین معنی که اگر سه جلسه کم است پنج جلسه و پنج جلسه کم است شش جلسه قرار بدهیم و سعی کنید تا این قانون در ظرف هشت ماه از مجلس بگذرد . در حالیکه برای تمام جزئیات مافوقون داریم .

از افراد که آقایان تصور میکنند ما قانون داریم . آقای تهران میفرمایند بواسطه این که قانون نداریم قاتل دارد بدون مجازات راه میروند یا تزد راه میروند در صورتیکه ما تمام قوانین را داریم و قانون مجازات ما مرتب است . حتی در فراموشی فقهی مجازات برای یک نفر آدم که یک کلمه حرف بد که مخالف حالت اجتماعیه بسوده زده است معین کرده اند . کسی مخالف نیست با اینکه محاکمات وزارت امور خارجه منحل شود البته باید منحل شود نهایت اینکه مقصود مخالفین این است که نیاسی این اجازه به پنج نفر یادآورده نفر داده شود . این فلسفه ندارد ، منطقی ندارد . یرهان ندارد . این بود عرض بنده کفایت کرد .

**نایب رئیس** - آقای آقا سید یعقوب .

**آقا سید یعقوب** - یک مسأله را آقای دست غیب فرمودند بنده خواستم جواب فرمایشات ایشان را عرض آقایان بپردازم .

بلی در مقام صحبت ما میگویم راه در ملکات لازم است ولی در موقع گرفتن مالیات میگویم مالیات نمیدهیم میگویند باید در مملکت مجازات باشد و مردم مجازات بدهند ولی در موقعیکه میخواهند قانون مجازات بکشند از ما میگویند غیره .

آقا بپردازم ظلم میشود خوب آقا این هائی که میفرمایند در مقام لفظ مسلم است در مقام لفظ بقدری الفاظ مشتمع داریم که در مقام اصلاحات در ظرف یک ساعت ایران را از تمام ملل متقدمه میکنداریم ولی در موقع عمل میبینیم از هر جهت ما فقیریم فقر علمی داریم ، فقر ثروتی داریم ، فقر قانونی داریم . آقا مملکت ایران دارای مشروطیت شده است . دارای قانون اساسی شده است . دولت برای وضع قوانین و اداره کردن مملکت و کلاهی روانه کرده اند تا این که قانون برای اداره زندگانشان وضع کنند . دنیا بهم مرتبط شده است بلی یک وقت ایران خیر از دنیا نداشت ولی امروز دنیا مثل رشته زنجیر بهم ارتباط پیدا کرده است . بعد از آنکه ما هم اینطور ارتباط داشتیم ناچاریم قوانین مرتبط با دنیا که بتوانیم با آن ها معاشرت کنیم وضع کنیم .

**دست غیب** - نه ناچار نیستیم ما قانون آسانی داریم . برای تمام امورات و برای هر فردی

**آقا سید یعقوب** - سیر کنید آقا اینده شما حرف زود بنده گوش دادم و نگاهم بچشم مبارکشان بود . اولاً این دوازده نفری که معین میشود در کمیسیون بسته نشده است .

**دست غیب** - بسته است .

**آقا سید یعقوب** - ماها که نماینده هستیم موادی که در نظر داریم ممکن است برویم بکمیسیون و نظریات خودمان را بآنها بگوئیم و موادی که از آنها بگذرد می توانیم ببینیم . مخالف با قوانین اسلام است یا موافق و مطابق معمول دوره چهارم قانون را چاپ میکنند و منتشر میکنند پیش آقایان علماء پیش علماء حقوق و غیره منتشر می کنند بنده از شما سؤال میکنم این لایحه را که دولت بمجلس داده وقت فرموده اند؟ وقتی که ما حاضر نیستیم نظریات خودمان را نصبت بقوانین موجوده اظهار کنیم مربوط بکسی نیست .

قانون را چاپ میکنند آوقت ممکن است نظریه خودتان را در حاشیه آن قانون بنویسید بفرستید بکمیسیون کمیسیون که هنوز ندارد مقصود این است که برای اصلاح مملکت قانون وضع و در مملکت اجرا شود .

اعضاء کمیسیون که دشمن نیستند تمام نظریاتشان نظر اصلاحی است . یک مسئله دیگر که آقای بهبهانی اظهار کردند خواستم ایشان را متوجه کنم تمام قوانینی که از مجلس میگردد خود را بکمیسیون عدلیه بفرستید و بخواستم نظریات خود را بکمیسیون بفرستید و بخواستم نظریات خود را بکمیسیون بفرستید و بخواستم نظریات خود را بکمیسیون بفرستید و بخواستم نظریات خود را بکمیسیون بفرستید .

برای مملکت موقتی است و دائمی نیست چرا برای اینکه قوانینی که بشر برای زندگانی خودش وضع میکند موقتی است زیرا یک همه مصلحت را محسوس میکند یا برای موقعیت خودشان یک قوانینی وضع می کنند یک همه دیگر می آیند لغو میکنند برای این که صلاح و صرفه آنها مقتضی آن نبوده و آنرا تغییر میدهند . قانون آسانی نیست که قابل تغییر نباشد هر قانونی که از مجلس بکمیسیون گذشت موقتی است مثلا اجازه میدهند ده نفر بیایند و بنشینند برای شورای دولتی قانون بنویسند معلوم است این قانون موقتی است و موقتا اجرا میشود هیچ نوع بشر و مجمع بشری نمیتواند قانون دائمی وضع کند چرا برای این که در بهاران زادومرگش دردی است .

زمان زندگانی بنده چهل سال است چه طور میتوانم صد سال را ببینم و قانون برای صد سال دیگر وضع کنم بنده نمیخواهم وارد خودم در خصوصیات

مثلا همین آقای آقا شیخ محمد علی (چون آقای دست غیب اظهار نگرانی کردند عرض میکنم یکی از مدرسهای مدرسه مروی بودماند و کتبی در قفسه فارسی و عربی چاپ کرده اند همین آقای آقا شیخ عبدالرحمن که اینجا تشریف دارند از مرحوم آخوند ملا محمد کاظم و مرحوم آقای آقا سید محمد کاظم اجازه دارند همین آقایان از قضا هستند .

و از حیث فقهی که شما متوجه بآن هستید آنها هم متوجه هستند وجهات سیاسی آنها هم متوجه میباشد با این مطالب نظریات اصلاح طلبانه ما اینست که این قوانین موقتی برای آزمایش اجازه داده شود مثل دوره چهارم از کمیسیون عدلیه گذشته و بموقع اجرا گذاشته شود اگر اصلاحی داشتیم ممکن است پیشنهاد کنید دومرتبه تجدید نظر کنند .

**جمعی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است .

**نایب رئیس** - مخالفی نیست ؟ (اظهاری شد)

**نایب رئیس** - دو نفر پیشنهاد رسیده است قرائت میشود (پیشنهاد آقای مدرس و آقای دامغانی بشرح ذیل قرائت شد)

بسم الله الرحمن الرحیم: پیشنهاد می کنم اولیعی که بکمیسیون عدلیه از جاع میشود بدو ایک شوریشور و بعد از آن طبع و توزیع شود میان آقایان و کلا هر کدام در مدتی که کمیسیون معین مینماید نظریات خود را بکمیسیون بفرستد و بخواستم نظریات خود را بکمیسیون بفرستد و بخواستم نظریات خود را بکمیسیون بفرستد و بخواستم نظریات خود را بکمیسیون بفرستد .

بسم الله الرحمن الرحیم: پیشنهاد می کنم اولیعی که بکمیسیون عدلیه از جاع میشود بدو ایک شوریشور و بعد از آن طبع و توزیع شود میان آقایان و کلا هر کدام در مدتی که کمیسیون معین مینماید نظریات خود را بکمیسیون بفرستد و بخواستم نظریات خود را بکمیسیون بفرستد و بخواستم نظریات خود را بکمیسیون بفرستد .

ماده الحاقیه - پس از تقدیم لایحه دولت که مربوط بکمیسیون عدلیه است لایحه طبع و توزیع میشود و نمایانگان حق دارند نظریات خود را بکمیسیون بفرستند و بخواستم نظریات خود را بکمیسیون بفرستند و بخواستم نظریات خود را بکمیسیون بفرستند .

ماده الحاقیه - پس از تقدیم لایحه دولت که مربوط بکمیسیون عدلیه است لایحه طبع و توزیع میشود و نمایانگان حق دارند نظریات خود را بکمیسیون بفرستند و بخواستم نظریات خود را بکمیسیون بفرستند و بخواستم نظریات خود را بکمیسیون بفرستند .

**نجات** - پیش نهاد آقای مدرس مجدداً قرائت شود (بعضیون فوق قرائت شد)

**نایب رئیس** - آقای مدرس (اجازه)

**مدرس** - هر مسئله که در مجلس امروز میآید یک چیزهایی از طرفین در حد در حد گفته میشود افراط و تفریط است این ها چندتا افراط و تفریط در این مسئله گفته

شود اولاً پیشنهاد بنده را که همه آقایان مستحضر شدند . یکی این که قانون را باید آسان بکنند بگذارند یا آسان دیگر هم میتوانند این از بدیهیات است که مجلس باید وضع قانون کند تا مجلس نظر نکند عنوان قانونیت ندارد . این حرف را نزدیک و ملاحظه کنید که اگر این مسئله گفته شود (در آن دوره هم همین چیزها گفته شد) یک اشکالاتی در آیه تولید می کند که آنوقت شما نمیتوانید از عهد به برآید .

قانون وقتی عنوان قانونیت پیدا میکند که مجلس تصویب کند . مسئله در این است که اگر بنا شود بعضی یا تمام قوانین که محتاج مملکت است باید در مجلس و درش نظریاتی بشود غالباً تجربی کرده ایم خرابی می شود طول هم می کشد البته باید بتدریج کارها را کرد اما همان هم کرد غیب و نواقض را هم فهمید و رفع کرد تا یک چیز خوبی شود و مردم عمل بکنند . از جمله قانون عدلیه است که میدانند قوانینی گذشته است از کمیسیون عدلیه بعدش هم آقای مشیر الدوله که تشریف دارند در آن قانون محاکمات خود هم بودم داده بود که هشتم مرتبه در کمیسیون مطرح مذاکره باشد این است که بنده این پیشنهاد را کردم . امامت علماء و طراز البته از بدیهیات است ولی همانطور که گفتند نباید خط با معجز دیگر کرد این پیشنهادی که بنده کردم مهم است مترصدم که هر چه زودتر نظریه آقایان که آن سه جهت منظور نظر آقایان ملاحظه شود یکی جهت دیوانی یکی سیاست . یکی مقتضیات لهذا میگویم کمیونی که این قانون میرود آنجا یک شور و در آن بکنند با نظریات خودش آنرا طبع و توزیع کنند . هر مدتی که معین میکنند بر حسب مواد آن قانون در روزیست روزی یکم یا زیاد آنرا طبع و توزیع کند و با آقایان و کلا بدهند و آقایان و کلا نظریات خودشان را بنویسند . که در شور ثانی از نظریات آقایان و کلا بدهند و بخواستم نظریات خود را بکمیسیون بفرستند و بخواستم نظریات خود را بکمیسیون بفرستند .

و انشاء الله الرحمن بفرافقت بال و بافرافقت خاطر و خیال مجلس یک قوانینی که محتاج الیه مردم است و بی غیب و نقص باشد وضع کند و آن قانون البته باید مجلس و نظریات آقایان و کلا ملاحظه شود از این جهت

بنده برای جمع بین نظریات همه آقایان یا این پیشنهاد را کردم . بنده اساساً با پیشنهاد حضرت آقای مدرس موافقم زیرا بالاخره منتهمی می شود تحصیل همان نتایجی که آقایان نمایندگان برای رفع حوائج مملکتی در نظر دارند . ولی یک مطلبی که می خواهم آقای مدرس تذکر بدهم و آن اینست که این خبر را چ است باین که لایحه که از طرف دولت پیشنهاد میشود بعد از تصویب کمیسیون دولت و مجازات آنرا اجرا کند . پیشنهاد حضرت تعالی بیان کیفیت رسیدگی آنرا می کند . از این نقطه نظر بنده تقاضا میکنم موافقت با این لایحه بشود و در کمیسیون پیش نهاد آقا عملی شود باین معنی که بعضی از نمایندگان ( بطور همگانه ) خبری را بگیری .

بنده پیشنهاد میکنم که این مشکل قانونی میدانند که این پیشنهاد را اساساً قبول دارم و این مسئله را چ است کیفیت رسیدگی خواستم عرض کنم که آیا کیفیت رسیدگی کمیسیون با این قانون عملاً بایستی تصویب میشود . . .

**جمعی از نمایندگان** - بلی بایستی صورت قانونی پیدا کند .

**مخبر** - بسیار خوب بنده قبول میکنم .

**نایب رئیس** - اجازه میفرمائید چند دقیقه تنفس داده شود .

**جمعی از نمایندگان** - خبری را بگیری .

**معاون وزارت عدلیه** - این پیش نهادی را که آقای مخیر قبول کرده دولت هم قبول میکند و این ماده دوم می شود باید بتوان تبصره .

**نایب رئیس** - یک پیشنهادی آقای عدل الملک کرده اند قرائت میشود ( بشرح ذیل قرائت شد ) بنده پیشنهاد میکنم که پیشنهاد حضرت مدرس فرود شود . که نمایانگان بایستی در مدت یک ماه نظریات خودشان را پس از انتشار لایحه شور شده در کمیسیون بکمیسیون بفرستند و بعد از گذشتن یک ماه کمیسیون دیگر منتظر نشده شود تا می راسته شروع میکنند و قانون موقتی را خاتمه میدهند .

**نایب رئیس** - پیشنهاد دیگری هم از طرف آقای بهبهانی رسیده است قرائت میشود ( بشرح ذیل قرائت شد ) بنده پیشنهاد میکنم که لایحه مرجوعه بکمیسیون عدلیه بمجلس شورای ملی ارجاع و پس از یک شور بقید فوریت تصویب شود .

**نایب رئیس** - آقای عدل الملک ( اجازه )

**عدل الملک** - اینجا اغلب اظهار نگرانی میکنند از اختیار دادن جماعتی و مقیده شان این است که آقایان و کلا بایان در قوانین اعمال نظر کنند و پیشنهاد آقای مدرس این مسئله را تأمین میکند باین معنی که لایحه طبع و توزیع میشود و آقایان نمایندگان هر کدام نظریه دارند نظریات خودشان را بکمیسیون بفرستند و کمیسیون آنها را تأمین میکند ولی پیشنهاد ایشان مدت ندارد و مدتش نامحدود بود و ملاحظه داریم که این قوانین زودتر بگذرد و مذاکراتی هم که در اینجا روی همین زمینه بود بنده خواستم این قسمت هم در پیشنهاد آقای مدرس اضافه شود که وقتی این لایحه منتشر شد و مدتش هم معین باشد باین معنی در طرف مدت معینی آقایان نمایندگان نشریات و عقاید خودشان را به کمیسیون بدهند .

**معاون وزارت عدلیه** - در پیشنهاد آقای مدرس این نکته قیدهست ممکن است یک وقت لایحه بانصد ماده باشد خود کمیسیون آن مدت را معین می کند آقایان نظریات خودشان را بدهند و اگر ندانند کمیسیون داخل شور دوم میشود .

**عدل الملک** - پس دیگر مسأله ندارد بنده مسترد میدانم .

**نایب رئیس** - آقای دامغانی ( اجازه )

**شریح مدار دامغانی** - پیشنهاد بنده هم مرجعش همان پیشنهاد آقای عدل الملک است .

**نایب رئیس** - آقای بهبهانی ( اجازه )

**بهبهانی** - این پیشنهاد بنده باز راجع به همان عقیده خود بنده است .

**یک نفر از نمایندگان** - قرائت شود .

**آقا میرزا سید احمد بهبهانی** - بعضی از آقایان اظهار میکنند که نشنیده اند خوبست قرائت شود .

**یک نفر از نمایندگان** - لازم نیست توضیح بدهید .

**بهبهانی** - توضیح بنده این است که بنده پیشنهاد کردم لایحه که بکمیسیون عدلیه ارجاع میشود آن لایحه بایستی بمجلس بیاک شود بقید فوریت رأی گرفته شود .

**یک نفر از نمایندگان** - فوریت آن رأی داده شده .

**بهبهانی** - خوب شما مخالفید باینکه ولی بنده از روی قانون اساسی تصور می کنم که ماحق نداریم این رأی را بدهیم

بجهت این که اصل دوم قانون اساسی میبوسد .

مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایران است که در امور معاشی و سیاسی وطن خود مشارکت دارند و اصل شان درهم میگوید باید کلیه قوانینی که برای تشبیه مبنای دولت و سلطنت و انتظام امور مملکتی و اساس وزارتخانه ها لازم است باید بصوب مجلس شورای ملی برسد . این یکی از مواد قانون اساسی است که میگوید باید قوانین را خود مجلس شورای ملی تصویب کند . و این مطلب هم خارج از این که عنوان نیست یا یکی از مسائل مربوطه . بوزارت خانه هاست یا راجع بانتظام امور مملکتی و یکی از مواد قانون گذار است هر چه باشد باینکه بصوب مجلس شورای ملی برسد .

**کمیسیون** حق ندارد بتعانی این قانون را وضع نماید . و اما اینکه گفته میشود سابقه اینطور بوده است اگر نظر آقایان باشد در این امر مذاکره شده بالاخره رأی گرفته شد اموری که سابقه شده و برخلاف نظامنامه است و قانونیت ندارد و جاری نخواهد بود بنابر این تصور می کنم سابقه را هم نمیشود رسمی گرفت و عملی کرد و بموجب این ماده هم مجلس باید در امور سیاسی و معاشی مملکت و وزارتخانه ها نظر داشته باشد بنابر این باید بمجلس بیاید .

**نایب رئیس** - رأی می گیریم به پیشنهاد آقای بهبهانی آقایانی که موافقت قیام فرمایند .

(صده قلیلی قیام نمودند)

**نایب رئیس** - تصویب نشد . رأی میگیریم به اصل ماده و تبصره که اضافه شده .

**یاسائی** - بنده پیشنهادی دارم (تسلیم و بشرح ذیل قرائت شد)

**نایب رئیس** - آقای یاسائی (اجازه)

**یاسائی** - چون می خواهم اختیار بدهم بکمیسیون عدلیه که این قانون را بگذارند سابقه هم دارد قوانین از کمیسیون عدلیه گذشته و اجرا هم شده حالا اگر بخواهم مثلا یکی از نمایانگان قانون معا که وزیر این پیشنهاد کند و مجلس تصویب نماید البته بدیهی است گذران این قانون در مجلس طول نخواهد کشید .

بقیده بنده از طرف دیگر نمیشود حق پیشنهاد را از و کلا سلب کرد و نمیتواند طرحهای قانونی پیشنهاد کنند بنا بر این بنده عقیده ام این است و اشکال هم ندارد که طرحهایی هم که از طرف آقایان و کلا راجع باین موضوعات و اصلاحات قوانین